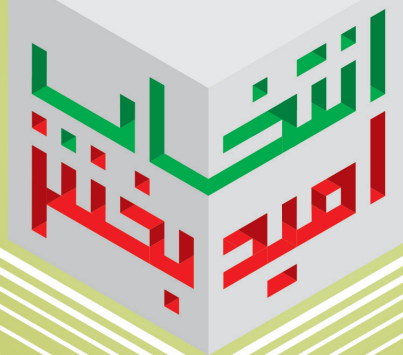


شماره چهارم - سال ۱۴۰۲



ویژه نامه انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری

مرکز پژوهش‌های تبلیغ - مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به سؤالات و شبهات حوزه علمیه

اسماء الخصال





انتخاب امیدبخش

ویرنه نامه انتخابات

مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری

اسفند ۱۴۰۲

ویرنه نامه چهارم _ زمستان ۱۴۰۲

انتخاب امیدبخش

ضمیمه ماهنامه مبلغان - مرکز پژوهش‌های تبلیغ

ویژه‌نامه چهارم: انتخاب امیدبخش

مرکز پژوهش‌های تبلیغ _ مجتمع آموزشی پژوهشی تبلیغ
با همکاری گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی
و مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه

ضمیمه ماهنامه مبلغان (ویژه‌نامه پنجم)

هیئت تحریریه: محمد مهدی ماندگاری، سید محمد حسین راجی، محمود علیزاده

رضا زند وکیلی، مصطفی آزادبان، نصر الله درویشی،
علیرضا زنگنه‌نوی، محمدرضا نیکوکلام

صفحه‌آرایی: محمد صادقی

چاپ: زمستان ۱۴۰۲

شمارگان: ۵۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان





فهرست مطالب



- از نگاه دیدبان ۶
- سخن نخست ۸

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

- توصیه‌های عملی و معنوی برای افزایش مشارکت مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین عابدینی ۱۶
- روایت سازی؛ حلقه مفقوده مصاحبه با آیت الله میرباقری ۲۱
- مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین محمدی شاهرودی ۳۳
- مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین محمدمهدی ماندگاری ۳۷
- مصاحبه با آیت الله اراکی ۴۱

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

- ضرورت حضور در انتخابات مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر خسروپناه ۴۸
- تبلیغ انتخابات؛ چرا و چگونه؟ مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین محمدحسن نبوی ۵۶
- فریب بزرگ برگرفته از کتاب اقتصاد ما، شهید صدر ۶۰

بخش سوم: شبهات انتخاباتی

- شبهات انتخاباتی (خبرگان رهبری) مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه ۷۶

بخش چهارم: احکام انتخاباتی

- احکام انتخاباتی مرکز پژوهش‌های تبلیغ ۱۰۸



«اگر مسامحه کنید، مسئول هستید پیش خدای تبارک و تعالی. اگر نروید و رأی ندهید و آن‌ها که جدیت دارند به این که وارد بشوند در مجلس و به هم بزنند اوضاع ایران را، آن‌ها خدای نخواستہ بروند، مسئولیتش به عهده شماسست مستقیماً. مسئولیت همه طبقات دارند؛ مراجع مسئول اند، علما مسئول اند، ائمه جماعات مسئول اند، خطبا مسئول اند، تجار مسئول اند، بازرگانان مسئول اند، دانشگاهی‌ها مسئول اند، طلاب علوم دینی مسئول اند، کارگرا مسئول اند؛ همه مسئول اند اگر مسامحه کنید، مسئول هستید پیش خدای تبارک و تعالی. اگر نروید و رأی ندهید و آن‌ها که جدیت دارند به این که وارد بشوند در مجلس و به هم بزنند اوضاع ایران را، آن‌ها خدای نخواستہ بروند، مسئولیتش به عهده شماسست مستقیماً. همه طبقات مسئولیت دارند؛ مراجع مسئول اند، علما مسئول اند، ائمه جماعات مسئول اند، خطبا مسئول اند، تجار مسئول اند، بازرگانان مسئول اند، دانشگاهی‌ها مسئول اند، طلاب علوم دینی مسئول اند، کارگرا مسئول اند؛ همه مسئول اند.»

صحیفه امام علیه السلام، ج ۱۲، ص ۶، ۲۲ اسفند ۱۳۵۸



«اگر برفرض، عنصری نفوذی در مجلس خبرگان و یا مجلس شورای اسلامی یا دیگر ارکان نظام وارد شود، مانند موریانه از داخل پایه‌ها را می‌جود و سست می‌کند. در زمینه نفوذ باید بدون تهمت‌زدن و ذکر مصادیق مُعین، در افکار عمومی روشنگری کرد.»

بیانات رهبری علیه السلام در دیدار با ائمه جمعه، مورخ: ۱۳۹۴/۱۰/۱۴.



سخن نخست

راهبرد «عملیات پیشگیرانه» در فتح مکه و امروز

در عالم دنیا همیشه دشمن و دشمنی بین حق و باطل بوده است و خواهد بود و این سنتی الهی است. پس باید به جای فرار از دشمن، راه‌های مقابله با دشمن را بیاموزیم. قرآن کریم و ائمه معصومین علیهم‌السلام روش‌های مختلفی در مقابله با دشمن به کار برده‌اند که هرکدام در جای خود لازم و مناسب بوده است. به نظر می‌رسد باید این روش‌ها را مطالعه و تحلیل کنیم، شرایط و موقعیت اجرای آن‌ها را بسنجیم و در دوران کنونی نیز هرکدام را در جای خود به کار ببریم. در این نوشتار به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. روش مدارا، نرمش قهرمانانه

یکی از روش‌های ائمه هُداة علیهم‌السلام در برخورد با دشمنان «مدارا کردن» بود؛ یعنی آسان گرفتن برخی مخالفت‌ها با نظام و حاکم اسلامی و تغافل و گذشت در برابر برخی اشتباهات دشمنان داخلی تا حد امکان. آن‌ها از این روش معمولاً در جنگ‌های داخلی استفاده می‌کردند. مدارا می‌کردند برای اینکه انسان‌ها به جهنم نروند، برای هدایت امت. این سبک اکثراً در برابر دشمن داخلی و در زمان و مکان مناسب خودش استفاده می‌شود. از این روش گاهی تعبیر به نرمش قهرمانانه هم می‌شود که البته بین آن‌ها تفاوت‌هایی هست مثل این که نرمش قهرمانانه مسئله‌ای

موقتی و اکثراً در برابر دشمن خارجی است بر خلاف مدارا و تغافل که بیشتر در برابر مخالفان داخلی کاربرد دارد.

۲. روش عکس‌العمل متناسب

روش دیگر اهل بیت علیهم‌السلام عکس‌العمل متناسب است؛ یعنی اگر دشمن «یک» ضربه زد، شما هم «یک» ضربه بزنید: «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَيْكُمْ»^۱. یک وقت هم حضرت آقا در فرمایشاتشان داشته‌اند که «دوران بزن درو تمام شده بزنید، می‌خورید» این روش یکی از سبک‌ها و روش‌های مقابله است یعنی اقدام متناسب، به اندازه معین و در وقت معین.

۳. عکس‌العمل پشیمان‌کننده

سبک‌سومی که گاهی در مقابل دشمن از آن استفاده می‌شود، به روش «عکس‌العمل پشیمان‌کننده» مشهور است؛ همان جمله معروف و شیرین حضرت آقا علیه‌السلام: «دشمن می‌داند که اگر یکی بزند، ده تا می‌خورد»^۲ در موارد متعددی دیده‌ایم که اگر یکی زده‌اند، واقعاً ده تا خورده‌اند. در این روش مقابله به مثل نمی‌کنند؛ مقابله‌ای می‌کنند که دیگر دشمن جرئت نکند از این کارها انجام بدهد. این هم در جاهای خاص خودش استفاده می‌شود و «همیشه ده در برابر یک نیست»؛ بلکه «گاهی» شرایط اقتضا می‌کند در مقابل یک ضربه ده ضربه زده شود و البته تشخیص اینکه چه زمانی از این روش استفاده شود، با رهبری و مسئولان بلندپایه نظام است. نکته مهم در همه این مباحث ضرورت نداشتن تشابه عکس‌العمل‌ها با روش دشمن است؛ یعنی ضرورت ندارد اگر دشمن با ترور ضربه‌ای زد، ما هم حتماً با ترور جواب دهیم. مثلاً اگر

۱. بقره/ ۱۹۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در مراسم بیست‌ونهمین سالگرد رحلت امام خمینی علیه‌السلام، ۱۴/۰۳/۹۷.

دشمن بمب‌گذاری کرد و عده‌ای را به شهادت رساند، ما نمی‌توانیم همین کار را در منطقه دشمن انجام بدهیم و زنان و کودکان را به کام مرگ بفرستیم. ممکن است اقدام متقابل ما از جنس دیگری باشد.

۴. روش اقدام پیش‌دستانه

روش دیگر مقابله با دشمن اقدام پیش‌دستانه است؛ یعنی در مواقعی نباید منتظر باشیم دشمن یکی بزند، بعد جوابش را بدهیم، یا اگر زد، ما ده تا بزنیم؛ بلکه قبل از اینکه اصلاً اقدامی بکند، باید بزنیم. در مناطق جنوب تهران، داش‌مشتی‌های قدیم می‌گفتند در دعوا کسی برنده است که مشت اول را بزند. باید طوری ناغافل بزنیم که دشمن گیج و مبهوت شود و دیگر نتواند خودش را جمع‌وجور کند. گاهی لازم است در مقابله با دشمن، چه در مسئله فرهنگی، چه در عرصه سیاسی و چه در میدان نظامی، پیش‌دستانه عمل کنیم؛ همین کاری که حماس در جنگ «طوفان الأقصى» انجام داد.

هنر نظام و رهبر عزیزمان این است که سال‌هاست که اجازه نمی‌دهند در داخل کشور جنگ اتفاق بیفتد. مرزهای امنیتمان را هزار کیلومتر، دوهزار کیلومتر دورتر تعریف کرده‌اند. در این روش جنگ هست؛ ولی یکی دوهزار کیلومتر آن طرف‌تر تا اینجا برای زن و بچه و برای مردم عادی مشکلی پیش نیاید. صبر نمی‌کنیم که دشمن وارد کشور شود و در داخل مرزهای کشور با آنها بجنگیم.

۵. روش پیشگیرانه

روش دیگر برای مقابله با دشمن روش پیشگیرانه است؛ یعنی اصلاً نباید بگذاریم درگیری پیش بیاید. باید طوری عمل کنیم که کسی جرئت جنگیدن با اسلام و مسلمانان را پیدا نکند. آن‌چنان نیرو و امکانات فراهم باشد، آن‌چنان قدرت‌نمایی کنیم که اصلاً جنگ اتفاق نیفتد؛ به فرموده قرآن کریم، «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ

وَعَدُّوكُمْ؛^۱ یعنی باید دشمن آن چنان بترسد که جرئت نکند نزدیک شود.

در میان جنگ‌های مختلف پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در «فتح مکه» حضرت از این روش استفاده کردند. گفته شده است که ایشان برای فتح مکه حدود ده‌هزار نفر با خود بردند. آیا این ده‌هزار نفر واقعاً همه جنگجو بودند؟ به نظر می‌رسد همه جنگجو نبودند. حضرت فرمان حرکت دادند. به مردم هم نگفتند کجا می‌خواهیم برویم. لشکر که حرکت کرد، نمی‌دانست کجا قرار است برود و با چه کسی قرار است بجنگد.^۲ اصلاً نمی‌دانستند برای چه دارند بیرون می‌روند. حضرت کوشیدند خبر به دشمن نرسد؛ راه‌ها را بستند، نکات امنیتی را به‌شدت رعایت کردند.^۳ بعد از اینکه به مکه رسیدند، حضرت چند نکته ریز به کار بردند که شاید کمتر به این‌ها توجه کرده‌ایم. معمولاً لشکر نظامی آشپزخانه متمرکز دارد؛ یعنی «یک جا» غذا می‌پزند و بعد تقسیم می‌کنند. شب فتح مکه حضرت دستور دادند آشپزخانه متمرکز تعطیل شود و در کوه پخش شوند و خودشان غذا بپزند. آن‌ها به‌صورت دوفره یا چندفره یا خانوادگی آتش روشن کردند. چون کوه‌ها مُشرف به مکه بود و شعله‌های آتش در دل شب دیده می‌شد، اهل مکه وحشت‌زده شدند و در مکه هیبتی افتاد که چه خبر است! اینجا بود که احساس کردند در محاصره جمعیت بسیار زیادی قرار گرفته‌اند.^۴ یک شگرد کوچک اما زیرکانه برای اینکه جمعیت را به رخ بکشند.

ابوسفیان و عده‌ای آمدند ببینند چه خبر است که ابوسفیان دستگیر شد. عباس، عموی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، به او امان داد و او را نزد حضرت آورد. حضرت فرمودند: چون عباس به تو امان داده

۱. انفال/ ۶۰.

۲. مغازی؛ تاریخ جنگ‌های پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، محمدبن عمر واقدی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۹، ص ۶۰۸.

۳. أعلام الوری، فضل‌بن حسن طبرسی، ص ۲۱۶.

۴. کتاب المغازی، محمدبن عمر واقدی، به تحقیق مارسدن جونس، مؤسسه الأعلمی، بیروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۸۱۴.

است، امشب تا فردا صبح امان داری و باید به مکه برگردی. صبح که شد، گوشه‌هایی از عظمت سپاه اسلام را به رخ ابوسفیان کشیدند به گونه‌ای که ترس بر او غالب شد و خودش را باخت. اولین چیزی که صبح روز فتح مکه ابوسفیان شاهدش بود، وضو گرفتن پیامبر خدا ﷺ بود. او می‌دید وقتی که حضرت وضو می‌گیرد، غلغله می‌شود و همه دستشان را جلو می‌آورند تا قطرات آبی را که از دست و صورت حضرت می‌ریزد، به عنوان تبرک بردارند و نمی‌گذارند قطره‌ای از آن به زمین برسد.

ابوسفیان که این را دیده بود، چشمانش گرد شده بود که مگر چه خبر است! به عباس گفت: برادرزاده‌ات عجب سلطنتی به راه انداخته است! عباس گفت: نه! این سلطنت نیست؛ نبوت است.^۱

بعد حضرت دستور داد ابوسفیان را بالای تنگه‌ای نگه دارند تا وقتی نیروها می‌خواهند رژه بروند، او بتواند واضح و کامل آن‌ها را ببیند. وقتی نیروها می‌خواهند از تنگه‌ای عبور کنند، مجبورند عرض ستون را کم کنند؛ یعنی اگر در حالت عادی، ستون پنج نفره یا ده نفره است، آنجا مجبورند دوفنره یا سه نفره بروند. طبق دستور حضرت، همه قبایلی که در جنگ شرکت کرده بودند، با پرچم یا لباس مخصوص خودشان، در هنگ‌های منظم رژه رفتند و هیبتی خلق کردند. ابوسفیان را هم آن بالا نگه داشتند و او از آنجا دارد این لشکرها را می‌بیند که گروه‌گروه از داخل تنگه رد می‌شوند. در آخر هم خود حضرت با گروهی از مهاجر و انصار با پرچم سبز و اُبُهتی خاص رژه رفتند.^۲

ابوسفیان که سخت مرعوب شده بود، به خصوص وقتی که «کتیبه الخضراء»،^۳ هنگ سبز و

۱. المصنف فی الأحادیث و الآثار، محمد بن ابی شیبه، ج ۷، ص ۳۹۹؛ کتاب المغازی، محمد بن عمر واقدی،

ج ۲، ص ۸۲۲؛ السیره النبویه، عبدالملک بن هشام، دارالمعرفه، بیروت، ج ۴، ص ۴۰۴.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: حضرت محمد ﷺ، سید هاشم رسولی محلاتی

۳. نام سبز «کتیبه الخضراء» برای سلاح بسیاری بود که نیروهای این هنگ به کار گرفته بودند.

محافظان مخصوص رسول خدا ﷺ را که غرق در سلاح بودند و فقط چشمانشان از زیر کلاه خود پیدا بود مشاهده کرد، گفت: این چنین هنگی را نه دیده بودم و نه وصفش را شنیده بودم. ای عباس! پادشاهیِ پسرِ برادرت بالا گرفته است! سپس به عباس گفت: هیچ کسی تاب مقاومت در برابر این‌ها را ندارد.^۱

امروز هم برخی می‌گویند تلاش کنیم افراد اصلح به مجلس بروند مهم نیست با چه آماری از مشارکت، اتفاقا وقتی مشارکت کمتر باشد نیروهای بهتر و اصیل تری انتخاب می‌شوند. جواب می‌دهیم به همان دلیل که پیامبر ﷺ در فتح مکه، رژه برگزار کرد. و کثرت جمعیت یارانش را به رخ ابوسفیان کشید، و به وسیله ایجاد ترس از میزان مشارکت مسلمانان توانست مکه را بدون جنگ فتح کند، مقام معظم رهبری ﷺ نیز اراده کرده‌اند با قدرت موشک، به رخ کشیدن مشارکت حداکثری و قدرت علم و فناوری و... دل دشمن را خالی کنند و چنان هیبتی برای اسلام و ایران درست کنند که هیچ کس قدرت حمله و درگیری با اسلام و ایران را نداشته باشد. باید شعار «این همه لشکر آمده ...» در عمل ثابت شود. بنابراین مشارکت حد اکثری در انتخابات تحقق آیه کریمه ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ...﴾ است.

در همین راستا چهار مرکز محتوایی حوزوی یعنی «مرکز پژوهش‌های تبلیغ حوزه»، «گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم»، «اداره راهبری محتوای تبلیغی سازمان تبلیغات اسلامی» و «مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه» در اقدامی هماهنگ تلاش کردیم ویژه‌نامه‌ای برای انتخابات پیش رو با عنوان «انتخاب امیدبخش» تهیه نماییم و امیدواریم این ویژه‌نامه که هم اینک شماره سوم آن تولید و منتشر می‌شود بتواند مطابق نظر حضرت آقا دست مبلغان محترم را در سراسر کشور پر کند.

شایان ذکر است مطالب این ویژه‌نامه‌ها به هیچ عنوان نگاه جانبدارانه به نامزدهای هیچ کدام

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک: کتاب المغازی، محمدبن عمر واقدی، ج ۲، ص ۸۱۸ و ۸۲۱؛ تاریخ ابن هشام، بی تا، ج ۲، ص ۴۰۴.

از احزاب، گروه‌ها و جناح‌های کشور ندارد و صرفاً به دنبال مشارکت حداکثری و در ادامه تعیین و تبیین معیارهای انتخاب اصلح از نگاه امامین انقلاب خواهد بود و به هیچ عنوان برای شاخصه‌ها و معیارهای اصلح تعیین مصداق نخواهد کرد.

مخاطب ما در این ویژه‌نامه، مبلغان هجرت، روحانیون مستقر، مبلغان امین، مبلغان گروه‌های جهادی و... هستند. بنابراین تلاش کردیم آن را از نظر حجم مختصر و در قالب علمی - ترویجی ارائه نماییم تا هر مبلغی با توجه به اقتضائات منطقه و سطح مخاطبان خاص خودش مطالب را فرآوری و متناسب‌سازی نماید.

ما در ویژه‌نامه **انتخاب امیدبخش** به دنبال آن هستیم که ذهن و زبان مخاطب را با خود همراه کنیم و دل و دست او را برای حضور در پای صندوق‌های رأی و انداختن برگه رأی در صندوق‌های انتخاباتی فعال سازیم. می‌خواهیم دغدغه‌ها و دل‌شوره‌های مردم را در حد توان برطرف کنیم و سوالاتشان را پاسخ دهیم و آن‌ها را برای همراهی با جریان مقدس و معقول جمهوری اسلامی همراه کنیم. می‌خواهیم دست دشمنان را از این نظام کوتاه کنیم و مانند سربازان حاج قاسم سلیمانی و همراه با او در رکاب ولی زمان خود، از جمهوری اسلامی و این مملکت، یعنی از این حرم دفاع کنیم که به حق سردار دل‌ها فرمود: «جمهوری اسلامی حرم است...» و دفاع از آن بر همه ما واجب است. ما مبلغان افتخار می‌کنیم که در کنار دیگر دلسوزان ایران، خود را مدافع حرم بنامیم و با تمام توان، با روش‌ها و محتواهای تبلیغی متفاوت از این حرم دفاع کنیم و با عنایت شهدا و سردار شهیدان، مثل همیشه انتخابات پرشوری برگزار کنیم.

کارگروه تخصصی راهبری محتوای تبلیغی
(همکاری مراکز تبلیغی)



۱

بخش اول:

شیوه‌های تبلیغ
مبلمان در انتخابات



توصیه‌های عملی و معنوی برای افزایش مشارکت مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین عابدینی

خط، نشریه علمی فرهنگی خانه طلاب جوان

اشاره

حجت الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی از شاگردان مراجع و آیات عظام بوده و خصوصاً از محضر بزرگانی مانند حضرت علامه حسن زاده آملی، آیت الله بهجت، آیت الله ممدوحی، آیت الله جوادی آملی، آیت الله بهاء الدینی بهره برده‌اند. از نظر فکری نیز، بالأخص محض در آثار و افکار علامه طباطبایی می‌باشند. در ادامه مصاحبه نشریه خط با این استاد گرانقدر با موضوع راهکارهای عملی و معنوی برای ایجاد مشارکت حداکثری مردم پای صندوق‌های رأی را می‌خوانید.

لطفاً در مورد اهمیت کارهای تبلیغی که طلاب در جهت حضور حداکثری مردم در انتخابات انجام می‌دهند، توضیح بفرمایید.

حرف زدن ما برای دوستان، بی ادبی می‌باشد چون شما دوستان مشغول جهاد هستید، شما اهل رزمید و ما اهل بزم، ولی علاقه ما همیشه این بوده است که در صف شما باشیم و تا جوان‌تر بودیم می‌دویدیم، حالا هم می‌دویم منتهی دویدن‌های مان یک خرده بچه‌گانه و کندتر شده است.

آیه «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ...»^۱ مصداقش کسانی هستند که حقیقتاً می‌دوند، همانند شما و این زمانی است که آدم جانش به امر و نهی خدا وابسته بشود. شخصی می‌گفت خدمت آیت‌الله بهجت رسیدم و از ایشان پرسیدم که آقا چرا ما در انجام نماز شب تنبلی می‌کنیم؟ این شخص می‌گفت که آقای بهجت برگشتند و نگاه تندی به من کردند. خیلی تند. بعد فرمودند که شما یک نخودچی کشمش بالای سرت بگذار، شب به هوای آن‌ها بلند شوی، چون باورت این‌قدر است. بعد آیت‌الله بهجت فرموده بودند که این روایاتی که آمده، راست هستند یا دروغ؟ اگر راست هستند! پس تنبلی دیگر معنا نباید داشته باشد.

یعنی اگر انسان فهمید که امام معصوم از او چه می‌خواهد، دیگر نباید مقاومتی داشته باشد، مثل همان برگ خشکیده، تعبیر روایت هم، نظیر همین است و اهل بیت علیهم‌السلام می‌فرمایند: «کن کالریشه...» یعنی در برابر اوامر الهی مثل پر باش و مقاومتی نداشته باش البته در عین حالی که در مقابل تندبادهای خلاف حق، مانند «جبل راسخ» هستی.

نکته دیگر این است که دوستان باید باور داشته باشند که وجود انسان به سعه اعمالش سعه پیدا می‌کند. یعنی در این کارهایی که شما انجام می‌دهید برای این که یک نفر بیشتر در انتخابات شرکت نکند، هر برکتی که از این حضور نسبت به نظام اسلامی ایجاد بشود، شما هم در آن شریک هستید. همچنین اگر شخص خوبی به دنبالش انتخاب بشود، هر کار خوبی که او توفیق پیدا کند و انجام بدهد شما هم در ثواب آن کار شریک هستید.

بنابراین اگر اهل ایمان قدم بردارند و استقامت بورزند، حتماً ملائکه الهی تثبت در کارها و توفیق در نتیجه کارها برای اهل ایمان ایجاد می‌کنند. البته این تثبت و این توفیق هم، این‌گونه نیست که فکر کنیم که باید همه مردم پای کار بیایند، بلکه اگر مؤمنین و قشر دغدغه‌مند پای کار بیایند. خدای سبحان وعده تثبت و پیروزی را داده است. منتهی ما هم با تمام توانمان جلو نمی‌آیم و باری

۱ سوره فصلت، آیه ۳۰

به هر جهت جلو می‌آییم البته شما را عرض نمی‌کنم بلکه کل نگاه این قشر متدین را، هرچند ده درصد جامعه باشند، این‌ها را عرض می‌کنم که اگر وسط میدان بیایند خداوند نتیجه را با این مقدار یعنی همین ده درصد تضمین می‌کند. «يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا»^۱؛ «يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ»^۲. تمام این‌ها را خداوند به همین مقدار حضور متدینین در وسط میدان وعده داده است، نه به این که تمام ملت بیایند، همچنان که در دفاع مقدس هم، این‌گونه بود و با آمدن ۵ تا ۱۵ درصد مردم بنابر آماري که می‌دهند، خداوند سبحان آن برکات را ایجاد کرد.

به‌عنوان سؤال دوم بفرمایید مهم‌ترین دلیل برای حضور حداکثری مردم در پای صندوق‌های رأی چیست؟

شخصی از من پرسید که چرا ما قائل به حضور حداکثری در انتخابات هستیم، گفتم اگر دلیلی نبود الا اینکه ما، تابع ولی‌فقیه هستیم، همین نگاه، که چون ایشان می‌فرمایند و ما هم می‌خواهیم اطاعت کنیم، برای حضور حداکثری کفایت می‌کرد. هرچند که این موضوع پشتوانه و حکمت‌های عقلی و ظاهری زیادی دارد. اما اصلش و ریشه‌اش این است که ما دنبال اطاعت از خداوند هستیم و از جمله، «ما امرکم الله تعالی» این است که می‌دانیم، آقا نگاهش، حضور حداکثری مردم در انتخابات است، که اگر غیر از این دلیل دیگری نمی‌بود و عقلمان هم به چیز دیگری نمی‌رسید، همین دلیل کفایت می‌کرد.

خط: برخی از طلاب معتقدند که با توجه به ناامید بودن مردم، فعالیت ما پیروزی را در این جهت یعنی حضور حداکثری مردم به دنبال نخواهد داشت و به همین خاطر اقدامی در این جهت انجام نمی‌دهند. لطفاً نظر خود را نسبت به این موضوع بیان بفرمایید.

ما کار و هدفمان پیروزی است اما این جور نیست که اگر زمانی به هر تقدیری ظاهراً پیروز

۱ سوره نوح، آیه ۱۱

۲ سوره هود، آیه ۵۲

نشدیم فکر کنیم اعمالمان و هدفمان از بین رفته است چراکه چیزی در عالم باطل شدنی نیست. اگر بدین شکل فکر کردیم، این فکر ما باعث می‌شود که انسان از پا نیفتد. وظیفه ما این است که بیاییم وسط میدان اطاعت از خداوند و ببینیم که امر خدا و نهی خدا چه چیزی است و این را محقق کنیم. در این صورت پیروز شدن جزء اهدافمان خواهد بود اما این طور هم نیست که همه هدفمان پیروزی باشد که اگر حاصل نشد بگوییم اصلاً به هدف نرسیده‌ایم و آلا در این صورت باید بگوییم که انبیاء الهی در رسالت و در پیروز شدن ظاهری موفق نبوده‌اند. در حالی که یقین داریم که همه انبیا الهی در آن چیزی که به عهده آن‌ها بوده است موفق شده‌اند، حضرت موسی علیه السلام قدرت بر حاکمیت و حکومت پیدا نکرد. همچنان که حضرت عیسی و حضرت ابراهیم علیهم السلام هم حکومتی تشکیل ندادند، ولی با این حال همه آن‌ها در کارشان و در دعوت و رسالتشان پیروز بودند و به هدفشان رسیدند. دقت در سرنوشت انبیا به انسان روحیه و توان می‌دهد. همین که انسان بداند هر قدمی که برمی‌دارد از بین رفتنی نیست سبب روحیه می‌شود هرچند ظاهراً به پیروزی ظاهری هم نرسیده باشد.

پیشنهاد معنوی و عملی شما برای افزایش مشارکت مردم در انتخابات چیست؟

من نگاه و باورم این است که اگر قشر فعال فرهنگی مثل شما که مشغول هستید اخلاص کار را بالاتر ببرید خدای سبحان این درصد حضور مردم را بالاتر می‌برد. من قبلاً پیشنهادی دادم و گفتم اگر متدینین در این ایامی که باقی مانده است، هرکدام دو نفر از این جمعیتی را که تردید دارند در انتخابات شرکت کنند همراه کنند و نظر آن‌ها را عوض کنند، درصد حضور مردم در پای صندوق‌های رأی به صورت چشمگیر افزایش پیدا خواهد کرد.

باور بکنید این یقین در دل ما هست که اگر ما وظیفه خود را درست انجام بدهیم، خداوند سبحان نیز همان روز انتخابات در دل‌های خیلی خیطور ایجاد می‌کند که بلند شویم و بریم رأی بدهیم. این خیطور ایجاد می‌شود و خوش خیالی هم نیست. به شرطی که ما کارمان را انجام

داده باشیم، ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۱ یک دفعه می‌بینید در آخرین لحظه‌ها یک نفر دلش کنده می‌شود و بلند می‌شود و رأی می‌دهد. ولی این نصرت به شرطی است که ما ننشینیم و دست روی دست نگذاریم. خدا رحمت کند آیت‌الله بهاء‌الدینی را؛ ایشان می‌فرمودند: «دستگاه خدا را باور کنیم». آیت‌الله حسن‌زاده^{رحمته‌الله} نیز می‌فرمودند «باور کنید، خدا دارد خدایی می‌کند»، ما فکر می‌کنیم که ما داریم خدایی می‌کنیم و همه را از چشم خودمان می‌بینیم، که البته این اشتباه است و باید بدانیم که خدا دارد خدایی می‌کند. ما از اوایل انقلاب بارها این الطاف مکرر خداوند را دیده‌ایم. در اوایل انقلاب دقیق‌ترین تحلیل‌ها می‌گفت یک ماه دیگر این حکومت سرنگون می‌شود، یک ماه می‌گذشت و هیچ اتفاقی نمی‌افتاد باز می‌گفتند سه ماه دیگر قطعاً انقلاب سرنگون می‌شود سه‌ماه دیگر هم می‌دیدیم که اتفاقی نمی‌افتد. این نشان می‌دهد که خدا در کار است. بنابراین ما باید وظیفه خود را درست انجام بدهیم، اگر هم حضور حداکثری اتفاق نیفتاد کار کشور به پایان نمی‌رسد و همه چیز تمام نمی‌شود چون خداوند هم این وسط هست و خدایی می‌کند.

۱ سوره محمد، آیه ۷



روایت سازی؛ حلقه مفقوده مصاحبه با آیت الله میرباقری

خط، نشریه علمی فرهنگی خانه طلاب جوان

آیت الله محمد مهدی میرباقری استاد حوزه و رئیس فرهنگستان علوم اسلامی قم و از نظریه پردازان در باب نسبت بین علم و دین می باشند. ایشان معتقدند که علت عمده کاهش مشارکت، جنگ روانی و رسانه ای دشمن است و ما باید مبتنی بر دستگاه محاسباتی اسلامی، کلان روایتی از انقلاب اسلامی ایجاد کنیم. در ادامه مصاحبه ایشان با موضوع راه های ترغیب مردم را می خوانید.

به نظر شما اولویت با مشارکت است یا انتخاب اصلح؟

از بیانات حضرت آقا که اخیراً بحث انتخابات را شروع کرده اند، این نکته برداشت می شود که به نظر می رسد ایشان نگران مشارکت مردم هستند. چون در جلسه ای که با خواهران داشتند، فرمودند شما می توانید فرزندان و همسرانتان را تشویق کنید تا در انتخابات شرکت کنند. من تعبیر نگرانی نمی کنم اما حضرت آقا به دنبال این هستند که یک مشارکت جدی در این دوره انتخابات صورت بگیرد، به خصوص برای خبرگان. قبل از اینکه به این کار داشته باشیم که چه کسی در انتخابات رأی می آورد، باید تلاش کنیم که مشارکت مردم افزایش پیدا کند.

برای افزایش مشارکت، چند نکته در ذهنم هست که آن‌ها را عرض می‌کنم. مهم‌ترین نکته این است که احساس می‌کنیم آن امیدواری که باید در جامعه برای حضور فعال و مشارکت وجود داشته باشد تا آن مشارکت به یک نتیجه مطلوب برسد، مقداری دچار آسیب شده است. البته علت‌های متعددی هم دارد. یک علت عمده هم جنگ روانی و رسانه‌ای دشمن با ماست. ما در مقابل او باید یک آرایشی داشته باشیم. باید این را محور تبلیغات خودمان قرار دهیم تا در جامعه یک امیدی ایجاد کنیم که می‌شود با مشارکت و حضور فعال مردم بر مشکلات غالب شویم و به نتایج مطلوب برسیم. اول باید یک تصویری از آینده مطلوب و جذاب ایجاد کنیم، تا جامعه به سمت او حرکت کند. البته این آینده مطلوب هم حتماً نباید آینده‌ای متناسب با نظر دشمن باشد، بلکه باید مطابق نظر خودمان باشد. یعنی تصویر روشنی بدهیم از آینده‌ای که به سمت او حرکت می‌کنیم و این تصویر هم، یک تصویر پرجاذبه باشد. من قسمت عمده جهاد تبیین را معطوف به این امر می‌دانم که ما برای حرکتی که ذیل انقلاب اسلامی، در حرکت عمومی جامعه ما رشد پیدا شده، برای این حرکت، یک غایت مطلوب و شورانگیز و جذابی بتوانیم تصویر کنیم. دنیای غرب با همین کارها جهان را جلو برده است.

در قدم دوم باید یک کلان روایت از انقلاب اسلامی داشته باشیم که در آن کلان روایت، گام‌های بلندی که انقلاب اسلامی به سمت آن اهداف برداشته شده، تبیین شود. و موفقیت‌های شگفت‌انگیزی را که در انقلاب اسلامی داشتیم، توضیح دهیم. اگر ما وارد جزئیات شویم و بخواهیم از طریق جزئیات بحث کنیم و به خصوص اگر بخواهیم با شاخص‌های توسعه غربی پیشرفت انقلاب اسلامی را توضیح دهیم، ممکن است توفیق چندانی حاصل نکنیم. این هم نکته دوم است.

دیدید بعضی وقت‌ها که می‌خواهند موفقیت انقلاب اسلامی را بگویند، صرفاً شاخص‌های توسعه را توضیح می‌دهند و بعد می‌گویند ما چقدر در این شاخص‌ها موفق بودیم. این کافی نیست. در این عرصه رقبایی داریم و ممکن است در زمینه‌هایی به ظاهر رقبای ما موفق‌تر باشند. لذا از این طریق نمی‌توان اقناع عمومی ایجاد کرد چرا که ما یک هزینه‌های

نسبتاً سنگینی را در طول این ۴۵ سال اخیر داده‌ایم؛ و ممکن است بعضی بگویند که دیگران بدون هزینه به این دستاوردها رسیده‌اند.

اخیراً بحث اسلام‌فرهنگی و اسلام‌سیاسی را مطرح می‌کنند و می‌گویند اسلام‌فرهنگی موفق‌تر بوده است. اما بحمدالله دشمن در کاری که می‌خواست انجام دهد، موفق نشد. در داستان بازی‌هایی که در قطر برگزار شد، مقداری سعی کردند جلوی مناسبات اسلامی را بگیرند. به نظر من این یک بدل‌سازی برای ایران است. در کل دنیا، یکی از کارهایی که غرب می‌کند، بدل‌سازی است. از مالزی شروع شد، بعد کشورهای کوچک حاشیه خلیج مانند قطر و عمان و امارات را بازسازی کردند، بعد هم ترکیه و دنبال این هستند که بدلی برای ما بسازند و ثابت کنند این‌ها اسلام هم دارند و از شما موفق‌ترند. بنابراین اگر نتوانیم انقلاب اسلامی را با چارچوب و معیارهای خودش برای مردم توضیح دهیم، معلوم نیست بتوانیم اثبات کنیم که ما موفق بودیم. نمی‌گوییم به هیچ‌وجه نمی‌شود اما کافی نیست.

سومین قدم این است که باید در جهاد تبیینی که برای کشور و جامعه خودمان و حتی برای دنیا انجام می‌دهیم، بتوانیم این دو دستگاه را با هم مقایسه کنیم. یکی دستگاه مقاومت و پیشرفت است و دوم انفعال و توسعه. ما در مقابل زیاده‌خواهی‌های جهان غرب یا مقاومت می‌کنیم و برای رسیدن به قله‌ها مسیر دیگری به نام پیشرفت را در جهان طراحی می‌کنیم یا اینکه منفعل می‌شویم و بعد هم در مسیر توسعه‌ای که آن‌ها طراحی کردند، پیش می‌رویم. باید بتوانیم توضیح دهیم که مقاومت موفق بوده و مسیر پیشرفت را برای تعالی کشور طراحی کرده است. باید داستان انفعال و توسعه را هم توضیح دهیم. این نکته سوم بود.

در قدم چهارم باید یک آسیب‌شناسی از انقلاب اسلامی داشته باشیم و این آسیب‌شناسی حتماً باید هم‌دلانه باشد. شما نمی‌توانید با جامعه صحبت کنید و به جامعه بگویید که ما موفق بودیم ولی نقدهای آن‌ها را نادیده بگیرید و یا نفی کنید. واقعاً آسیب‌هایی داریم که باید این آسیب‌ها را بپذیریم و هم‌دلانه با جامعه حرکت کنیم. بعضی جاها آسیب‌ها از شدتی که آن‌ها می‌گویند، کمتر است. هم‌دلانه حرکت کنیم و آسیب‌ها را ببینیم. منتها در تحلیل آسیب‌ها،

عواملی را که منتهی به آسیب شده، درست توضیح دهیم. یعنی توضیح دهیم که این آسیب‌ها به خاطر مقاومت نیست. این طور نیست که چون ما مقاومت کردیم، این آسیب‌ها هم به ما وارد شده، بلکه عمدتاً این آسیب‌ها به خاطر انفعال و توسعه است. این آسیب‌ها ناشی از این است که ما در مقابل الگوهای توسعه، مقاومت نکردیم و منفعل شدیم.

ما با غرب سیاسی فی‌الجمله تکلیف خود را روشن کردیم. با آن‌ها مبارزه می‌کنیم و آن‌ها را ظالم و مستکبر می‌دانیم. اما با غرب فرهنگی یعنی با تمدن غرب و مدرنیته، نسبت خود را مشخص نکردیم و چون مرزبندی‌هایمان را روشن نکردیم، بسیاری از آسیب‌های ما ناشی از همین است.

ما در گفتگوی اجتماعی با جامعه، باید نسبت خود را با غرب فرهنگی روشن کنیم و توضیح دهیم که بسیاری از بحران‌هایی که در کشور ماست، ناشی از مقاومت و ادبیات انقلاب اسلامی نیست. ناشی از این است که ما در تمامی این حوزه‌ها هنوز به الگوهای غرب عمل می‌کنیم. این طور نباشد که وقتی ما آسیب‌ها را قبول می‌کنیم و آن‌ها را هم‌دلانه توضیح می‌دهیم، در تحلیل آسیب‌ها، آن‌ها را برگردانیم و همه را روی دوش انقلاب اسلامی بگذاریم. نمی‌خواهم بگویم آسیب‌هایی که ما در انقلاب اسلامی داریم، همه را پای دشمن بنویسیم. بعضی از آن‌ها مربوط به کم‌کاری‌ها و کوتاهی‌های خود ماست ولی قسمت عمده‌ای از آسیب‌هایی که الآن در انقلاب اسلامی وجود دارد، ناشی از الگوهای توسعه است که در کشور ما بحران ایجاد می‌کند و ما هم همان را امضا می‌کنیم. این دولت می‌رود، دولت بعدی می‌آید و باز همان کارها را انجام می‌دهیم.

مرحوم سید منیرالدین حسینی رحمته می‌فرمود که این‌ها آب را به روی باغ می‌بندند، وقتی خشک شد به آتش می‌کشند و بعد هم گردن اسلام می‌اندازند. گفتند وقتی حرف از الگوهای سرمایه‌داری می‌شود، مفهوم خانواده و ازدواج و ارضاء غرائز تغییر می‌کند و ذیل آن الگوها معنای دیگری پیدا می‌کند. برای جوان هم امکان تأمین نیازهای طبیعی و غریزی‌اش فراهم نمی‌شود. اولاً انحراف در نیازها ایجاد می‌شود، ثانیاً امکان تأمین نیازها در الگوی سرمایه‌داری فراهم

نمی‌گردد. امکان ازدواج سالم نیست و اگر هم ازدواج سالم باشد، چقدر می‌تواند این نیازهای برآمده از دنیای مدرن را تأمین کند. چطور می‌توان این همه بیماری‌ها و انحرافات را با آن تأمین کرد؟ این را گردن اسلام می‌اندازند و می‌گویند اسلام نمی‌تواند نیاز جوان را تأمین کند.

فرمودید که برای ایجاد امید باید با کلان روایت انقلاب اسلامی نشان دهیم که داریم به آن سمت حرکت می‌کنیم. این را چگونه باید نشان دهیم؟

برای اینکه نشان دهیم گام‌های خوبی برداشتیم، باید توضیح دهیم که آن اهداف بلند از چه مسیری تأمین می‌شود. اگر ما نتوانیم این را خوب توضیح دهیم که رسیدن به عصر ظهور چه الزاماتی دارد، دچار توهم می‌شویم. وقتی دچار توهم شویم، خیال می‌کنیم موفق نبودیم و سختی‌های راه را پای عدم توفیق می‌گذاریم. قرآن این را مکرراً و با لحن‌های مختلف بیان می‌کند. «أَمْ حَسِبْتُمْ» یعنی اشتباه نکنید. این طور که شما فکر می‌کنید نیست و دچار محاسبه غلط نشوید. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسْتَهْتُمُ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَرَزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» شما می‌خواهید به بهشت بروید. این محاسبه غلط است که راه رفتن به بهشت، راه همواری است. مسیر نصرت و پیروزی است اما این مسیر، قواعد و سنت‌هایی دارد. «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» وعده‌های خدا قطعی است اما این مسیر نصرت، قواعدی دارد. نباید دچار توهم شوید. اگر ما نتوانیم خوب توضیح دهیم که چه سنت‌هایی در مسیر نصرت هست، سختی‌های راه را پای عدم موفقیت می‌نویسند.

پیشینیان را ببینید. چنان دچار سختی‌ها شدند که جامعه متزلزل شد. سوره عنکبوت را ببینید که اطلاعات قبل از ظهور در آن بیان شده است. اطلاعات و فتنه‌های در مسیر رسیدن به حقیقت ولایت و ظهور است. سوره عنکبوت این طور شروع می‌شود: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا

أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿١﴾
 و در ادامه محاسبه غلط دیگری را ذکر می‌کند: ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾ خیال می‌کنند رسیدن به وادی ایمان با سر و صدا و حرف است. خیر. ابتلائات سنگینی بر سر راه است. امت‌های گذشته هم این‌طور بودند. خدای متعال در ادامه ۷ تا از انبیا و فتنه‌های دورانشان را می‌گوید که مشابهات آن‌ها در امت ماست. اولی، حضرت نوح علیه السلام است. یکجا در قرآن این مطلب در باب حضرت نوح علیه السلام است که ۹۵۰ سال ایشان پیغمبری کردند.

﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾^۱ خدای متعال می‌خواهد بگوید که این فتنه طولانی است. حواستان باشد. محاسبه غلط نکنید. پیش روی ظهور، فتنه طولانی و امتحانات سختی ست. روایت ذیل این آیه فراوان است. مرحوم شیخ مفید در ارشاد نقل می‌کنند که حضرت امیر داشتند قبر مقدس پیامبر اعظم را تسطیح می‌کردند. هنوز از دفن حضرت فارغ نشده بودند. خبر آوردند که آقا در سقیفه کار را تمام کردند. حضرت هم این آیه را خواندند: ﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾.^۲ ابوسفیان، عباس عموی حضرت را همراه خودشان کردند و گفتند آقا شما وسط بیابید، من حزب دارم و شما هم آبرو و کار را تمام کنیم. می‌خواست بیعت کند. حضرت به ابوسفیان گفت تو خودت أم الفساد! با تو که نمی‌توان از فتنه عبور کرد. خطبه پنجم نهج البلاغه همین است. فرمود یک طرف فتنه تو هستی. به عموی خود هم چیز دیگری گفتند. گفتند عموجان! خیال کردید با ریش سفیدی مسئله حل می‌شود؟ فتنه‌ای سر راه وادی ایمان است. ابوسفیان باید جدا شود.

محاسبه غلط دیگری هم هست که گاهی هم دشمن به آن مبتلا می‌شود و هم دوست.

۱. عنکبوت/۱۴.

۲. عنکبوت/۱.

اینکه بگوییم کاری نمی‌توان کرد و آن‌ها پیروزند. این هم محاسبه غلطی است. ﴿أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ﴾^۱ خیال می‌کنید پیروز شدید؟! همه دولت شما بخشی از طرح ماست. ما به شما امکانات می‌دهیم که وادی امتحان شکل بگیرد. ولی در عین حال آن‌هایی که به آمدن حضرت امیدوار بودند تا یک جهان جدیدی شروع شود و دوران لقاءالله برسد، باید امیدوار بمانند. ﴿مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾^۲ گفتند ما که زیر پا له می‌شویم. فرمود نه! خداوند سمیع علیم است. صدا و دعوت شما را می‌شنویم. اگر آماده باشید، دوباره شما را زنده می‌کنیم و برمی‌گردید.

این هاست که آدم را استوار نگه می‌دارد. ما به این تبیین‌ها احتیاج داریم. این آیات سوره عنکبوت عجیب است. بلافاصله می‌فرماید: ﴿وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ﴾ حواستان باشد که فقط مجاهدان در این جهاد پیروز می‌شوند. هرکس اهل جهاد نباشد، شکست می‌خورد. این مجاهدان هم نباید خیال کنند که طرح خدا را جلو می‌برند. طرح خدا را خودش جلو می‌برد. شما دامن خود را بگیرید که در فتنه غرق نشوید. این فتنه‌ها از سالیان پیش ایجاد شد. بعد از ماجرای سقیفه، آن‌ها رفتند و بنی امیه آمد و بعد هم ماجرای عاشورا رسید و بنی عباس به قدرت رسید و امپراتوری عثمانی شکل گرفت. باید جهاد تبیین صورت گیرد.

به سوره ضحی دقت کنید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالضُّحَى وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ معنی اش این نیست که خدا با امت قهر کرده است. می‌فرماید نه با تو وداع کردیم، نه قهر کردیم، نه بر تو غضب کردیم. پیداست وقتی کار سخت شد، فتنه‌گران شروع به شبهه‌اندازی کردند که پیغمبر راه را گم کرده و اشتباه می‌رود و یا اینکه خدای متعال بر او غضب کرده است. اما خدا فرمود نه بر تو غضب کردیم و نه تو را رها کردیم. در طرح ما راه می‌روی. در ادامه سوره می‌گوید که الآن هم وضعشان خوب است. خوشی زیر دلشان رازده. نمی‌فهمند

۱. عنکبوت/۴.

۲. عنکبوت/۵.

کنار پیغمبر چه چیزی گیرشان آمده. اگر فهمیده بودند، متوجه می‌شدند که وضعشان خوب است. ولی آینده بهتر از این خواهد شد. البته این نیاز به توضیح دارد که چطور کنار پیغمبر در جنگ تبوک و اصحاب صفة وضع خوب است. واقعاً وضع اصحاب سیدالشهدا روز عاشورا بد بود یا وضع اصحاب یزید؟ این باید توضیح داده شود.

سختی‌های کنار پیامبر، عمل صالح است و خوشی‌های آن‌طرف شهوت‌رانی و سقوط است. در آیات ۴ و ۵ سوره ضحی داریم: ﴿وَلِلآخِرَةِ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْاُولٰٓئِ، فَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى﴾ سوف همان قیامت است. الاخره رجعت است. من معتقدم وقتی طرح بزرگ است، اگر آدم‌ها بزرگ نشوند و به‌اندازه این طرح قدم برندارند، بعد از هر سختی، می‌گویند شکست خوردیم. خداوند می‌فرماید طرح بزرگ است. یک قدم اینجاست، یک قدم رجعت است و یک قدم هم قیامت. اگر در این مقیاس نتوانند طرح حضرت را ببینند، همین‌که چهار روز کار سخت شود، می‌گویند شکست خوردیم. می‌گویند پیامبر خدا اشتباه می‌رود. خدا غضب کرده است. خدا او را رها کرده است. این طور می‌گفتند. خداوند می‌فرماید ما از طفلی یتیم، پیغمبر اولوالعزم درست کردیم که تمام انبیا باید در مقابل او خضوع کنند. طرح ادامه پیدا می‌کند.

بعد هم به پیغمبر می‌فرماید که عده‌ای فتنه می‌کنند و این شبهات را در جامعه اجرا می‌کنند. با این‌ها یک جور برخورد می‌شود. اما دو گروه دیگر هستند که نباید با آن‌ها بد برخورد کنی. یک عده در فتنه‌ها یتیم می‌شوند و از تو جدا می‌شوند. دشمن آن‌ها را از تو جدا می‌کند. این‌ها در معرض سقوط هستند. عده‌ای هم آدم‌های بدی نیستند، فتنه‌گر نیستند اما پر از سؤال شدند. به آن‌ها بگو تا بفهمند چه اتفاقاتی دارد می‌افتد. وگرنه ما در این قدم‌های بزرگی که پیغمبر خدا بر می‌دارند و ما را هم می‌خواهند با خود ببرند، کم می‌آوریم. امت هم همین طور است. اگر واقعاً امام می‌خواست آن روزی که انقلاب کرد به مردم بگوید چه اتفاقاتی می‌افتد، مردم کم می‌آوردند. مرحوم شیخ نصرالله شاه‌آبادی رحمته تعریف می‌کردند که من به همراه امام در نجف بودم. خواب دیدم که در خوزستان بین دستگاه امام حسین و یزید جنگ به پا شده است. یکی از اقوام ما آنجا شهید شد و کار سخت شد. آخر کار پیروز شدیم. به حضرت امام

گفتند که چنین خوابی دیده‌اند. امام فرمودند که هر چه شما می‌گویید، درست است. وقتی پیش پدرتان بودیم، آینده ما را به ما نشان داد!

یکی از آقایان شاه‌آبادی تهران نقل کرده بودند که سال ۴۲ حضرت امام، برای عمامه‌گذاری ما آمده بودند. آنجا حضرت آقا هم بودند. اخیراً حضرت آقا به او گفتند که در آن جلسه بعد از اینکه شما رفتید، امام به من چیزی گفت. گفتند شبی مرحوم آقای شاه‌آبادی به من فرمودند که امشب به برکت امام موسی بن جعفر علیه السلام اجازه داده شده که شما آینده خود را ببینید و اتفاقات بعدی را به من نشان دادند. گاهی وقت‌ها می‌دانی اما نمی‌توانی بگویی. امت باید به تدریج بزرگ شوند تا بتوانند پای سختی‌ها بمانند. مسیر پیروزی است اما مسیر پیروزی سنت دارد. قرآن می‌فرماید هم در دنیا و هم در آخرت پیروزشان می‌کنیم. اما قواعدی دارد.

در سوره مبارکه آل عمران که خدای متعال داستان جنگ احد را توضیح می‌دهد، می‌فرماید کار به جایی رسید که عده‌ای که فرار کرده بودند و کار سخت شده بود، گفتند اگر حق با ما بود که ما نباید آسیب می‌دیدیم. ﴿لَوْ كَان لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا﴾ قرآن می‌فرماید اتفاقاً کار، کار خود ماست. ما این جنگ را درست کردیم که شما جدا شوید. شمایی که در جنگ هم فرار می‌کنید و هم شکست خود را گردن پیامبر می‌اندازید، نمی‌توانی یار پیامبر باشی. با تو که نمی‌توان کار کرد. عده‌ای در این جنگ شهید شدند و عده‌ای هم فرار کردند اما پشیمان بودند. قرآن می‌فرماید اتفاقاً شما از کسانی بودید که قبل از اینکه با صحنه احد مواجه شوید، همه شما آرزوی شهادت در رکاب حضرت داشتید. ﴿وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ﴾ وقتی با آن مواجه شدید، حیرت کردید و بعد فرار کردید. ﴿الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا﴾ مکتسباتی داشتید که در صحنه فرار کردید. اگر بعد از این هم اتفاق بیفتد، باز تکرار خواهد شد. در این صحنه، می‌خواستیم به شما ضعفتان را بفهمانیم ولی فعلاً شما را بخشیدیم. ﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ عیب‌هایتان را برطرف می‌کنیم و با حلم و مدارا با شما برخورد می‌کنیم تا صاف شوید. برای صحنه بعد خود را بسازید. بعد هم به پیغمبر گفته شد که هم آن‌ها را ببخشید و هم برایشان استغفار کند.

این آیه معروفی را امام حسین علیه السلام سحر عاشورا می‌خواند: «مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ» خدای متعال نمی‌گذارد شما کفار با مؤمنین آمیخته بمانید. خبیث و طیب را از هم جدا می‌کند. سرباز دشمن که مأمور سرکشی به خیمه‌های حضرت بود، شنید. می‌گفتند فردا روز جدا شدن طیب و خبیث است. خدا نمی‌گذارد شما از هم جدا شوید اما باید عاشورا به پا شود تا خوب و بد از هم جدا شوند. این صحنه پیروزی جبهه حق و جدا شدن جبهه حق، پشت پرده دارد. در ادامه آیه می‌فرماید: ﴿لَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِنْ رُسُلِهِ مَنْ يَشَاءُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾^۱ انبیا و رسلی انتخاب می‌کند و پرده‌ها را کنار می‌زند. با آن‌ها در عالم راه بروید.

ما برای ایجاد امید احتیاج داریم که آن منظرهای بزرگ‌تر را برای این‌ها باز کنیم. مرحوم حاج علی صفائی می‌گفتند اگر مردم دنبال کلبه الکترونیکی تافلر باشند، با کلینتون هم به دست می‌آید. اینکه دیگر احتیاج به امام زمان ندارد. الآن از طریق ابزار رسانه‌ای و ارتباط جمعی طوری شده که در خانه می‌نشینی و هرچه را که می‌خواهی می‌توانی سفارش دهی. در ماشین نشستی و می‌توانی از راه دور لوازم برقی خانه‌ات را خاموش و روشن کنی. این چیزها که به ۱۲۴ هزار پیغمبر و ظهور نیاز ندارد.

پس هم باید آرمان‌ها را گفت، هم سنت‌های راه و ضرورت آن‌ها را گفت، هم محاسبات غلط را از ذهن‌ها بیرون کرد و بعد باید آسیب‌شناسی انجام داد. در این آسیب‌شناسی هم مواظب باشیم. چون خیلی از این آسیب‌ها ضرورت راه است. سختی جنگ خندق تقصیر کسی نیست. درگیری سخت است. وقتی درگیر شدید، محاصره می‌شوید و در سختی می‌افتید. در جنگ خندق، حضرت دور مدینه خندق می‌کنند که احزاب آمدند. سنگی سر راه بود و حضرت خواستند بردارند. سه ضربه زدند و جرقه‌ای زد و تکبیر گفتند. فرمودند ما روم را فتح کردیم، ایران را فتح کردیم، یمن را فتح کردیم.

۱. آل عمران / ۱۷۹

مؤمنین وقتی دیدند دشمن با همه قوا آمده به عکس می‌گفتند: ﴿هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ﴾ گفتند پیغمبر ما به ما گفته بود که اگر پا بجنبانید و کوتاه نیایید، دعوا سفت می‌شود. کسی که این را می‌داند که اگر کوتاه نیاید، دعوا سخت‌تر خواهد شد، وقتی دعوا سخت شد می‌گوید شما اشتباه کردید. آن طرف ایستادید و دعوا سفت شد. حضرت آقا مکرر می‌فرمایند حرف‌هایی که می‌زنیم در عالم دعوا درست کن است. این را باید بفهمند. ما باکسی دعوا نمی‌کنیم. می‌گوییم ظلم نباید در عالم باشد. با این حرف دعوا درست می‌شود. اگر با ظالم کنار بیاییم، تسلیم شویم و خودمان هم در ظلم مشارکت کنیم، دعوا نمی‌شود. اما حرف‌های ما و انبیا دعوا درست کن است. در عین حال با تمام حرف‌هایی که هست، باید بتوانیم وضع موجود را آسیب‌شناسی کنیم. باید نشان دهیم که راه حل وجود دارد.

چیزی که کف میدان است، این است که مردم می‌گویند ما از وضع اقتصادی خسته شدیم و دیگر در انتخابات شرکت نمی‌کنیم. وقتی ما بخواهیم این اهداف را برای او روشن کنیم، حلقه مفقوده‌ای در این وسط خواهد بود. چطور باید این کار را انجام دهیم؟

این بحث سطوحی دارد. شما باید بتوانید با ادبیات ایمانی، اندیشه‌ای به مردم بدهید که بفهمند حرکت به سمت حق یعنی چه؟ بفهمند که مسیر سنت‌هایی دارد. من معتقدم چون در این مورد حرف نزدیم، تلقی جامعه این است که باید زود پیروزی حاصل شود و همه چیز برگردد. باید واقعاً بتوانیم موفقیت‌های عرصه را به آن‌ها نشان دهیم. حضرت آقا می‌گفتند شما واقعیت را روایت کنید، قبل از اینکه دیگران روایت کنند. جایی هم دیگران روایت کردند و امر وارونه‌ای از اقتصاد به مردم نشان می‌دهند.

واقعاً این امر وارونه را باید برگردانیم و بگوییم این تحلیل غلطی از وضع معیشت است. خیال نکنید وضع دنیا خیلی خوب است. آمارهای دقیق و اطلاعات دقیق بدهیم. همیشه ذهن

من این بود که برای اینکه دنیای غرب ما را تخریب کند و دنبال خودش ببرد، از خودش روایت دروغ می‌کند. روایت‌های هالیوودی! ما عمدتاً غرب را از دریچه هالیوود و یا از دریچه توریسم تفریحی می‌شناسیم. فردی با جیب پر می‌رود «ونیز» را می‌گردد و بعد به‌به و چه‌چه می‌کند. این طور نیست. به قول یکی از رفقا، اگر آدم جیب پر داشته باشد و به یکی از بیلاقات شمال برود، می‌گوید به‌به مردم چقدر راحت‌اند. اما در همین شمال، در فصل برنج، خانم‌ها تا زانو به آب می‌روند تا شالی بکارند و بردارند. واقعیت دنیای غرب را باید نشان داد. آن‌ها وارونه روایت کردند. اوضاع کشور خودمان را باید صحیح روایت کنیم. به نظرم خود ما دچار قرائت وارونه شدیم. من نمی‌گویم وضع معیشت ما سخت نیست، اما تلقی من این است که قسمت عمده آن جنگ روانی دشمن با ماست. ما هم داریم باور می‌کنیم. نمی‌گویم اوضاع خوب است ولی آن طور هم که دشمن می‌گوید نیست.

روایت دشمن این است که اولاً مشکلات کشور فراوان است و ثانیاً هیچ‌کس هم برای آن راه‌حل ندارد و ثالثاً ریشه مشکلات در مقاومت است. ما باید هر سه این روایات را که دشمن ایجاد کرده، تصحیح کنیم. نه همه مشکلات مربوط به مقاومت است، البته بعضی از سختی‌ها برای مقاومت است، این درست است. چون مقاومت سختی دارد. لکن مشکلات آن قدری نیست که دشمن در آن دمیده. سهم نظام سرمایه‌داری در مشکل را ببینید، راه‌حل را هم ببینید و دستاوردهای آن را هم ببینید. این‌ها را اگر در مسیری، به صورت متعدد با قرائت‌های مختلف ارائه دهیم، با ادبیات علمی و همدلانه بیان کنیم، جامعه می‌فهمد.



مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین محمدی شاهرودی

مرکز پژوهش های تبلیغ

اشاره

دشمن با توطئه و تبلیغات مسموم، درصدد ضربه زدن به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران است. شرکت و تبلیغ در انتخابات، از مسائل سرنوشت‌ساز بوده، در نشان دادن هیبت ایران اسلامی و به خاک کشاندن بینی دشمنان نقش اساسی دارد. برای آن که بدانیم در تبلیغ انتخابات چگونه کارآمد باشیم، رهنمودهایی از حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی شاهرودی رحمته الله علیه دریافت کرده‌ایم که راهگشای تبلیغ مبلغان خواهد بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

انتخابات یک امر بسیار مهمی است و میزان مشارکت و حضور مردمی در انتخابات و نحوه رأی دادن آن‌ها، در آینده کشور مؤثر است. دشمن از طریق موج‌سواری روی مشکلات مردم و بزرگ‌نمایی برخی اتفاقات، درصدد کم‌رنگ کردن حضور مردمی در این صحنه حساس می‌باشد.

اهمیت حضور از یک طرف و از طرفی، انتخاب شخص اصلح، بسیار حایز اهمیت است. به عبارتی دیگر، وقتی یک مسئولی انتخاب می‌شود، اگر صلاحیت کافی نداشته باشد و سیاست درستی را اتخاذ نکند؛ مثلاً در عرصه‌های فرهنگی کوتاهی نماید، کمر جامعه

می‌شکند و هزینه‌های زیادی باید پرداخت کرد. لذا این کار؛ یعنی انتخاب درست را باید خیلی مورد توجه قرار داد؛ زیرا کار مهمی است.

طلاب و مبلغین نسبت به این موضوع چند محور را باید مدنظر داشته باشند: یکی از نظر فلسفه سیاسی؛ باید آن مبانی نظام اسلامی را -که یکی از ارکانش حاکم اسلامی و ولیّ فقیه است- برای مردم تبیین و روشن کنند که جای چنین اقداماتی در جامعه ما به شدت خالی است؛ یعنی حتی مسئله برای برخی فرهیختگان ما نیز روشن نیست. اهمیت چنین بحث‌هایی، مثل نقش مردم در حکومت اسلامی، هنوز برای خیلی‌ها روشن نیست. بنابراین، باید برای مردم اهمیت، ضرورت، جایگاه و فایده‌اش روشن شود که چرا این نظام، بهترین نظام است؟ چرا این نظام عقلانی‌ترین، منطقی‌ترین و مردمی‌ترین نظام است؟ جای طرح چنین مباحثی از حیث فلسفه سیاسی، بین مردم خالی است. هم چنین از منظر علم و تجربه، روشن شود که این نوع حکومت چه آثار و برکاتی دارد؟

مطلب بعدی که بحث نسبتاً مهمی می‌باشد، تبیین دستاوردهای نظام است که یکی از مهم‌ترین مصادیق جهاد تبیین نیز هست؛ این که ما و جامعه ما چه بودیم و الآن چه هستیم؟ با تمام مشکلاتی که داشتیم، اکنون چه چیزها و چه دستاوردهایی داریم؟ محاصره‌ها، تحریم‌ها و انواع و اقسام کارهایی که از جانب دشمن تحمیل شده است؛ ندانم‌کاری‌ها، خیانت‌ها، کم‌کاری‌ها و ضعف‌هایی که بعضی از مسئولین جامعه ما داشتند، داخلی‌هایی که فهمیده یا نفهمیده به این نظام لطمه زدند؛ همگی تبیین شود؛ مردم بدانند با این همه مشکلات و موانع، این همه دستاورد داشته‌ایم. برای مردم روشن شود. تا آگاه شوند وقتی یک شعاعی از خورشید اسلام تابیده است، چه عظمت‌هایی ایجاد شده است. بنابراین مبلغان باید این چنین مباحث را برای مردم تبیین کنند!

از منظر دین نیز به این مباحث توجه شود، مثلاً خداوند در آیه مبارکه ۱۲۲ سوره توبه می‌فرماید: هرکس قدمی بردارد که شیاطین را به غضب آورد، خداوند حسنه‌ای در نامه عملش خواهد نوشت! و این رأی دادن‌ها، خنجری است که بر قلب شیاطین فرود می‌آید و موفقیت در انتخابات، آنان را به غضب خواهد آورد.

اگر مبلغین از این منظر وارد مباحث شوند، آیات و روایات بسیار وجود دارد. اصلاً مبلغ باید برای تبیین مبانی، آیات و روایات را ببیند و از آن‌ها استفاده کند؛ یعنی هر موضوع را مطابق با اصول خودش جلو ببرد، نه این‌که صرفاً مباحث سیاسی بیان شود که مثلاً فلان حزب سیاسی چنین گفته و حزب دیگر چنان گفته؛ وارد حواشی کم‌فایده نشوند؛ بلکه مباحث را طبق اصول و مستند به آیات و روایات پیش ببرند. مثلاً اگر کلمه «ثورة» را در کتاب «میزان الحکمة» نگاه کنند، ذیل آن روایات بسیاری در مورد این بحث پیدا خواهند کرد. روایاتی مثل روایت ابی خدیجه یا مقبوله «عمر بن حنظله» و نیز آیاتی مثل ﴿وَسَاوِرُهُمْ فِي الْأَمْرِ﴾^۱.

مطلب دیگر این‌که وجهی ندارد روحانیون محترم از کاندیدای معینی حمایت کنند و صلاح هم نیست؛ چون اگر از یک نفر حمایت شود، مخاطبان و اعتبارشان نصف می‌شود و طرفداران کاندیدای مقابل از او روی‌گردان می‌شوند. روحانیون و مبلغان باید مثل پدر، بالا باشند و همه تحت چتر او قرار گیرند تا به سبب حمایت از شخص یا گروهی، مابقی را از دست ندهند.

راهش این است که شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها را بیان کنند؛ آیات، روایات و مباحث اخلاقی را مطرح شود تا مردم آنچه را که صلاح است، انتخاب کنند. امام راحل علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام نیز این‌گونه بوده و هستند که در این رابطه برای مردم سخن می‌گفتند؛ اما بدون این‌که اشاره به شخص یا جناحی کنند، می‌شد تشخیص بدهیم که به چه کسی رأی بدهیم و به چه کسی رأی ندهیم. کار مبلغ این است که از بالا مردم را پوشش دهد.

اصل مشارکت مردم در انتخابات را تا می‌توانید، تأکید کنید. ما وظیفه داریم مردم را آگاه کنیم؛ اما حق نداریم در حزب‌ها و افراد حل شویم. مبلغان مواظب باشند در مهمانی‌ها و مراسم‌هایی که در ایام انتخابات از سوی احزاب و اشخاص برگزار می‌شود، خود را در معرض اتهام قرار ندهند.

۱. آل‌عمران/ ۱۵۹.

مبلغان عرصه دانش‌آموزی نیز باید کارها و فایده‌های نظام اسلامی و برکات آن را بیان کنند تا آگاهی ایجاد شود و هر زمانی که لازم شد، دانش‌آموزان آگاهانه، حتی چند سال دیگر، در انتخابات شرکت کنند. متأسفانه یکی از مظلوم‌ترین مباحث معرفتی در جامعه ما، بحث نظامی اسلامی و ولایت‌فقیه است؛ حتی بین کسانی که مدرس این بحث هستند و چند سال تدریس داشته‌اند. بنده در جلسه‌ای که با برخی از این اساتید داشتم و برخی از گوش‌به‌زنگ‌ها که بحث ولایت‌فقیه را تدریس داشتند، سؤالاتی کردم که جواب منطقی نداشتند و این نشان‌دهندهٔ مظلومیت این بحث، حتی بین خودی‌هاست.



مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی ماندگاری

مرکز پژوهش های تبلیغ

دشمنان ایران اسلامی همواره برای ناامید ساختن مردم و مسئولان تلاش کرده و می کنند. امروز «بدبین کردن مردم به انتخابات»، یکی از شیوه های یأس آفرینی دشمنان است. از این رو لازم است مبلغان دینی با بصیرت انقلابی در راه خنثی کردن تلاش های دشمن بکوشند و با آگاهی بخشی به مردم دشمنان ایران اسلامی را در رسیدن به اهداف خود، ناکام بگذارند. در این رابطه خدمت حجت الاسلام و المسلمین ماندگاری رسیدیم تا از فرمایشات ایشان بیشتر استفاده کنیم.

سلام علیکم! تشکر از اینکه این فرصت را به ما دادید. استاد عزیز همینطور که می دانید همه مردم از حیث عقیده به نظام یکسان نیستند، اولین سؤال را اینگونه پرسیم که در بحث های انتخاباتی و گفت و گوهایی غیر از منبر، در جمع های عمومی، با مخاطبان چگونه سر صحبت را باز کنیم؟

اگر مبلغین عزیز در باب انتخابات بتوانند برای مخاطبان خود بحث را از یک باب عقلی، فطری و منطقی مطرح کنند؛ به این نحو که انسان موجودی آزاد خلق شده است؛ در روایات داریم که خداوند ما را آزاد خلق کرده؛ یعنی قدرت انتخاب داریم:

﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾^۱ «ما راه را به او نشان دادیم؛ یا سپاس‌گزار خواهد بود، یا ناسپاس».

﴿لَا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ﴾^۲ اگر ما آزاد خلق شده‌ایم، پس انتخاب حق ماست، درست انتخاب کردن وظیفه عقلی ماست و در کنار وظیفه عقلی، وظیفه شرعی ما نیز هست. هم‌چنانی که من و شما حق داریم نوع پوشش و خوراک، ازدواج با همسر و هر موضوع دیگری را انتخاب کنیم و به خود حق انتخاب می‌دهیم، پس در قبال کسی که می‌خواهد برای ما قانون‌گذاری کند و به‌جای ما در قوه مقننه یا مجریه تصمیم بگیرد و در موقعیت حساس، رهبر را انتخاب نماید، این حق من و شماست که این افراد را انتخاب کنیم. اگر انتخاب نکردیم و در انتخابات شرکت نمودیم، در واقع خود را از یک حق عقلانی و شرعی محروم کرده‌ایم و هیچ انسان عاقلی نباید این کار را بکند؛ زیرا محروم کردن خود، کار صحیحی نیست؛

در گفت‌وگو و تبلیغ انتخاباتی با افراد معاند و مخالف چگونه سخن بگوییم؟

ما چه بخواهیم، چه نخواهیم، در این جامعه زندگی می‌کنیم، پس برای انتخاب افرادی که به قوه مقننه یا مجریه، شوراها و مجلس خبرگان می‌روند، حقی داریم، ولو این‌که این نظام یا مسئولین را قبول نداشته باشیم. معقول نیست که حق انتخاب را از خودم سلب کنم و خود را محروم نمایم. مثلاً اگر تنها لباس فروشی قابل دسترس در این منطقه همین است، نمی‌توانم بگویم من این لباس فروشی را قبول ندارم یا من این غذافروشی را قبول ندارم؛ ولی نقداً تنها غذافروشی قابل دسترس همین است. با این‌که قبولش ندارم؛ اما آنچه را نیاز دارم، از او خریداری می‌کنم؛ یعنی چیزی که به ایده من نزدیک‌تر است، انتخاب می‌کنم.

۱. انسان/ ۳.

۲. بقره/ ۲۵۶.

پس کسانی که با نظام موافق نیستند، از بین منتخبین کسانی را که در افکار به آن‌ها نزدیک‌تر است، انتخاب کنند؛ اما در اصل انتخابات خود را محروم نکنند؛

چگونه موضوعات انتخاباتی را بر منبر مسجد و هیئت بیان کنیم؟ به‌صراحت یا در لفافه؟

قطعاً روحانی و مبلغ نباید خرج افراد و احزاب شود. نباید پاتوق یک فرد یا حزب سیاسی گردد. ما وظیفه داریم نسبت به اصل انتخابات مردم را تشویق کنیم. انتخابات، شرکت در حمایت از نظام و حمایت از اسلام است؛ یعنی تقویت مملکت و جامعه و پیشبرد اهداف. اصل انتخابات را که ریشه در عقل، منطق و شرع دارد، برای مردم مطرح و ملاک‌ها را بیان کنیم؛ نماینده‌ای انتخاب شود که دیانت، طهارت و لیاقت بیشتری داشته باشد؛ وابسته به تفکر شرق و غرب یا جناح‌ها نباشد، واقعاً دل‌سوز مردم باشد و روحیه خدمت بیشتر و ولایت‌مداری داشته باشد. بنابراین، به‌هیچ‌وجه نباید وارد مصادیق شویم؛

در پایان، با توجه به شدت تبلیغات شدید و منفی دشمنان علیه نظام در ماهواره و فضای مجازی، چه توصیه‌هایی به مبلغین دارید؟

می‌توانیم با آیات قرآن تبلیغات دشمن را برای مردم توضیح دهیم. مثلاً قرآن می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصِبُوا عَلَيَّ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ﴾^۱ «ای اهل ایمان! اگر فاسقی خبری برایتان آورد، بررسی و تحقیق کنید تا مبدا از روی ناآگاهی، گروهی را آسیب و گزند رسانید و بر کرده خود پشیمان شوید.» چه کسی است که باور نکند بی‌بی‌سی و شبکه‌های معاند و رسانه‌های مخالف و بلندگوهای تبلیغاتی‌شان، فاسق هستند؟

۱. حجرات/ ۶.

قرآن در آیه اول سوره منافقون می‌فرماید: ﴿إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ﴾؛^۱ «وقتی منافقان نزد تو می‌آیند، می‌گویند: گواهی می‌دهیم که تو بی‌تردید فرستاده‌ی خدائی! و خدا می‌داند که تو بی‌تردید فرستاده‌ی اوئی و گواهی می‌دهد که یقیناً منافقان دروغ‌گویند.»؛ یعنی حتی سخنان راست این‌ها نیز دروغ است.

حضرت زهرا علیها السلام در خطبه فدکیه می‌فرماید: «مَعَاشِرَ النَّاسِ الْمُسْرِعَةِ إِلَى قَيْلِ الْبَاطِلِ؛ ای مردم! شما تبلیغات دشمن را گوش دادید.» و امیرالمؤمنین علیه السلام را تنها گذاشتید. بنابراین، به مردم بگوییم که دشمن می‌خواهد ما کلام حق را نشنویم و از حق پیروی و دفاع نکنیم. دشمن حق را تخریب، تضعیف و تحریف می‌کند تا ما به دنبال حرف‌هایش برویم و طبیعتاً از حق دور و به باطل نزدیک شویم، پس اگر می‌خواهیم در دام دشمن نیفتیم، باید به تبلیغات دشمن گوش ندهیم.

آخرین نکته این‌که وظیفه ما تشویق مردم به شرکت پرشور در انتخابات است؛ چون این کار حمایت و تقویت نظام اسلامی و مصداق ﴿ان تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾ است. ما باید خدا را یاری کنیم.

۱. منافقون/ ۱.



مصاحبه با آیت الله اراکی^۱

مرکز پژوهش های تبلیغی

سوال: در مجموعهٔ مجتمع تبلیغی قسمتی به اسم مرکز پژوهش های تبلیغی وجود دارد که یکی از کارهای آن، چاپ نشریاتی برای استفادهٔ طلاب است. از جمله نشریهٔ مبلغان که حدود ۲۵ سال منتشر شده و نشریهٔ علمی-پژوهشی ویژهٔ خانوادهٔ مبلغان است و ماهنامهٔ مبلغان، ویژهٔ مبلغان دانش آموزی که در مدارس طرح امین (سفیر امین) منتشر می شود و از مهم ترین کارهای ما، چاپ ویژه نامه های مناسبی جهت مبلغین است که با توفیق حضور در محضر بزرگانی همچون حضرت عالی و دیگر اساتید حوزه، مطالبی جهت اطلاع آن ها در ویژه نامه ها منتشر می شود.

امسال انتخابات مجلس و خبرگان رهبری را داریم. همان طوری که مقام معظم رهبری علیه السلام فرمودند، حضور مردم در این انتخابات، با توجه به این که بعد از فتنهٔ سال ۱۴۰۱ است و آن تحركات شدیدی که دشمن علیه حجاب و اعتقادات مردم داشت و به شکست انجامید،

^۱ آیت الله محسن محمدی اراکی متولد سال ۱۳۳۴ در نجف اشرف، نماینده مردم استان مرکزی در پنجمین دوره مجلس خبرگان رهبری است. ریاست دادگاه های انقلاب اسلامی آبادان، خرمشهر و خوزستان، مسئولیت نمایندگی ولی فقیه در نیروهای سپاه بدر و دبیرکلی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی از جمله مسؤلیت ها و سوابق اجرایی آیت الله اراکی است. وی سابقه نمایندگی مردم خوزستان در دوره دوم مجلس خبرگان رهبری را در کارنامه خود دارد.

اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، بنابراین، این ویژه‌نامه‌های انتخاباتی ما به نوعی با توجه به شرایط جامعه و فضای سال ۱۴۰۱ تهیه شده‌اند. آن تحرکات گسترده دشمن برای نابودی نظام و انقلاب و بنیان حجاب و اتحاد خانواده و از طرفی دیگر، درگیری شدید نظامی اسرائیل با جبهه مقاومت و حماس که الآن در اوج آن هستیم، این انتخابات از جهت‌های مختلفی اهمیت پیدا می‌کند؛ چون کسانی که به مجلس راه پیدا می‌کنند، می‌توانند در آینده انقلاب و نظام بسیار تأثیرگذار و نقش آفرین باشند؛ هم در جهت روند رشد جبهه مقاومت و هم از این جهت که مبلغین با جامعه در ارتباط هستند و بسیار تأثیرگذارند.

اولین سؤال این که وقتی یک طلبه در مسجد می‌خواهد بحث‌های انتخاباتی را مطرح کند، همیشه مورد سؤال یا شک و ابهام است که نمی‌دانند در مباحث انتخاباتی و سیاسی چه مقدار ورود پیدا کنند؟

در مسئله تبلیغ برای مجلس خبرگان، چند مرحله تبلیغ وجود دارد: اول تبلیغ برای اصل نظام و خدمات و پیشرفت‌های فوق‌العاده‌ای که در جامعه ما در نتیجه جمهوری اسلامی به دست آمده؛ یعنی دستاوردهای نظام که نقش بزرگی در امیدآفرینی دارد. مردم به این نظام باید امیدوار باشند؛ چراکه امید آن‌ها در تثبیت مشارکت‌شان نقش مهمی دارد. این وظیفه عمومی و همیشگی است؛ چه در دوران انتخابات و چه بقیه دوران.

البته در این راستا باید اطلاعات کافی در اختیار مبلغ قرار بگیرد تا دستاوردهای نظام را با ارائه مدارک و آمارهای درست در اختیار مردم قرار دهد و امور قبل از انقلاب در عرصه‌های مختلف خدماتی، آموزشی، بهداشتی و خدمات مربوط به تکنولوژی، پیشرفت‌های علمی و... نیز در اختیار مبلغ قرار بگیرد. باید به مبلغ کمک شود تا اطلاعات درست و لازم در اختیارش باشد. هم‌چنین نسبت به ظلمی که در نظام گذشته نسبت به مردم انجام می‌گرفته و از جهت اقتصادی نظام نسبت به مردم چگونه بوده و... باید مبلغ را تجهیز کرد.

مرحله دوم، بیان اهمیت مجلس خبرگان و بیان جایگاه رهبری است. مبلغ اهمیت و نکات

مثبت این مجلس را برای مردم توضیح بدهد که این مجلس یکی از نادرترین نهادهای سیاسی در نظام‌های کل دنیا است و در هیچ نظام سیاسی در دنیا نظیر این مجلس را نداریم و این یک امتیاز بزرگ نظام اسلامی است که رهبر نظام را مردم انتخاب می‌کنند، منتها به واسطه مجلس خبرگان که تأکید کنند این، انتخابِ دومرحله‌ای همان انتخاب مردم است. مردمی که نماینده مجلس خبرگان را انتخاب می‌کنند، در واقع نقش خود را در انتخاب رهبری ایفا می‌کنند.

بنابراین، باید توجه داده شود که اگر این مجلس خوب شکل بگیرد، می‌تواند در انتخاب رهبر موفق‌تر باشد. همان‌طور که مجلس گذشته در انتخاب رهبری این توفیق خوب را به دست آورد و رهبر شایسته جامع‌الشرایطی را توانست انتخاب کند. اهمیت خود مجلس خبرگان، نقش این مجلس و نیروهایی که تاکنون در مجلس سابق بوده‌اند که همگی شخصیت‌های علمی و تحقیقاتی بودند و کسی نتوانسته تاکنون بر این نمایندگان مجلس خبرگان نقطه ضعفی بگیرد؛ در رفتار و کردار و طرز زندگی، با مردم و بین مردم بودند.

مرحله سوم، تأکید بر شخصیت مقام معظم رهبری علیه السلام و عظمت و قدرت فوق‌العاده ایشان در اداره و رهبری این مملکت در طول ۳۴ سال با وجود این همه تنش‌ها، حوادث و جریان‌ها که چگونه ایشان توانست مملکت را به خوبی رهبری کند؟ مثلاً مقام معظم رهبری علیه السلام در حادثه ۱۳۸۸ش، زیر بار نرفتند که بگویند این انتخابات باطل است. یک طرف این شعار را بلند می‌کردند که شما از رهبری برای ابطال انتخابات استفاده کنید! طرف دیگر می‌گفتند که نباید رهبری فراتر از قانون حکم صادر کند. ایشان گفتند که این باطل کردن انتخابات، فراتر از قانون است و چقدر مقاومت کردند تا مملکت را بر ریل قانون اداره کنند، حتی از نظر شرعی و قانونی اختیاراتی داشتند، منتها ایشان به نیازهای مردم توجه دارند.

مبلغ در حدی که بتواند قانع‌کننده باشد، اطلاعات لازم را باید داشته باشد.

مرحله چهارم، بیان اهمیتی است که انتخابات در انجام وظیفه شرعی ما نسبت به سرنوشت مملکت دارد. اگر با عدم مشارکت ما، هر آسیبی که این مملکت ببیند، ما مسئولیم؛ چون کسانی را که شورای نگهبان تأیید می‌کنند، عموماً افراد فاسدی نیستند، منتها ممکن است

عنصر ضعیف و قوی داشته باشیم؛ یکی قوی‌تر باشد، یکی ضعیف‌تر. اگر ما در مسیر انتخاب خود آن قوی‌تر را انتخاب نکنیم، شخص ضعیفی در مجلس خبرگان می‌آید و هر ضعیفی که به وجود بیاید، ما در آن شریکیم و ممکن است در مقابل خداوند مسئول باشیم، پس باید مشارکت کنیم تا ضعیفی در مجلس خبرگان اتفاق نیفتد و عنصر بهتر و اصلح انتخاب شود؛ چون عنصری که ما انتخابش می‌کنیم، می‌خواهد رهبر انتخاب کند، پس اگر در این مسیر بسیار ضعیف باشد یا در تشخیص ضعیف عمل کند یا از نظر قدرت تقوایی ضعیف باشد و تحت تأثیر جوسازی‌ها و فشارها قرار بگیرد، به آینده مملکت ضرر می‌زند. این مسئله باید تأکید بشود که ما وظیفه داریم در انتخابات مشارکت کنیم و انتخاب اصلح را انجام بدهیم و اگر این کار را نکنیم، در پیشگاه خدا و مردم مسئول هستیم و در هر ضعیفی که در نظام به وجود بیاید، خواه ناخواه برگشت بخشی از آن برای خود ما خواهد بود.

علاوه بر این، شرکت قوی در انتخابات، برای کل نظام باعث قوت خواهد بود و مایوس کردن دشمن از ضربه وارد کردن به این کشور. اگر مشارکت ما ضعیف بشود، دشمن طمع پیدا می‌کند توطئه‌هایش را علیه ما پیش‌تر کند و حتی ممکن است طمع کند که به کشور ما حمله نظامی بکند. وقتی ببینند نظام پشتیبانی مردمی‌اش را از دست داده یا ضعیف است، تصمیم می‌گیرد حتی حمله نظامی بکند و اگر چنین شود، به مملکت و آینده خودمان ضربه و آسیب وارد خواهد شد و ما در این آسیب شریک خواهیم بود. هم در پیشگاه خدا مسئولیم و هم در پیشگاه مردم. به هر حال، این چند محور به نظر محورهای بسیار مهمی هستند که مبلغین در ایام تبلیغ باید تبلیغ کنند و مردم را به این مسائل ترغیب و تشویق نمایند.

در مرحله ششم باید شرایط لازم برای یک نماینده موفق در مجلس را تبیین کند. تبیین آنچه که از فرمایشات امام علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام و حتی افراد اهل تحقیق، استفاده می‌شود و شاخص‌های اصلح در انتخابات مجلس را کشف کنند.

محور هفتم، آیا نسبت به شخص کاندیداتوری ورود کنند یا نه؟ به نظر من ورود در تأیید شخص به دو شکل انجام می‌شود؛ مبلغینی که دارای جایگاه‌های رسمی انتصاب مقام معظم

بخش اول: شیوه‌های تبلیغ مبلغان در انتخابات

رهبری علیه السلام هستند، مثل امام جمعه، صلاح نیست در تأیید شخص خاصی از نمایندگان ورود کنند؛ چون آن‌ها نماینده رهبری هستند. حالا که می‌خواهد محور و الگوی همه مردم باشد، شخص تعیین نکنند. لااقل در ملاء عام و از تریبون‌های عمومی برای تأیید شخص معین اقدام نکنند؛ مصلحت نیست؛ ولی در تماس‌های شخصی و جلسات خصوصی باید به وظیفه خودشان عمل کنند. البته بگویند که این نظر شخصی من است.

اما نسبت به مبلغین عادی، بهتر است که آنان نیز از همین شیوه استفاده کنند، منتها گاهی در مناطق و مراتب خاص، وظیفه ایجاب می‌کند که اسم شخص را ببرند، خصوصاً در تهران که ممکن است افرادی به میدان بیایند که احیاناً ضعیف هستند. گرچه در شرایط کنونی مجلس خبرگان واجد شرایط عمومی بودن را دارند و از طرف شورای نگهبان تأیید شده‌اند؛ اما برخی افراد هستند که با امکانات تبلیغی بسیاری که دارند، گاهی ضعف خود را می‌پوشانند. اینجا اگر مبلغ تعیین شخص نکنند، آن شخصی که نباید انتخاب بشود، انتخاب می‌شود.

در خصوص فضای مجازی و آن تبلیغات منفی دشمن علیه نظام و انقلاب و نیز انتخابات و حضور طلاب در این فضا، اگر نکاتی دارید، بفرمایید!

در مورد فضای مجازی چند نکته لازم است بیان شود. اولاً تبلیغ باید دارای نکات روشن، کوتاه و مؤثر باشد. مؤثر یعنی طرز بیان باید جاذبه داشته باشد. مطالب باید مثل کلیپ‌های کوتاه، با بیان روشن و رسا گفته شوند تا مخاطب بیش‌تری پیدا کنند.

مطلب دیگر این‌که در تبلیغات فضای مجازی باید سعی کرد گروهی عمل شود؛ یعنی مجموعه‌هایی که با هم هماهنگ باشند، به‌طور گروهی روی یک مطلب ورود کنند و همگی روی آن مطلب کار و بحث کنند؛ چون فضای مجازی فضایی است که تکرار در آن اثر بیش‌تری خواهد گذاشت. اگر یک نفر بخواهد این حرف را بزند، اثرش خیلی کم‌تر خواهد بود؛ اما وقتی چند نفر یک چیز می‌گویند، اثر می‌گذارد. این تکرار و انتشار آن در مردم خیلی مؤثر است.

مطلب سوم، حضور در فضای مجازی باید به‌طور مستمر و همراه با پایش باشد. کاری که

انجام می‌دهید، اگر مقوله منفی‌ای مطرح شده، بتوانید به روز اثر آن مقوله منفی را پاک کنید. آنجایی که زمینه‌ای فراهم می‌شود، مطلب درستی را مطرح و منتشر کنید. گاهی تقاضای عمومی پنهان داریم که اگر بتوانیم، بابد تقاضای او را به موقع و به‌جا پاسخگو باشیم. این چند نکته را در تبلیغات فضای مجازی باید در نظر گرفت: به روز و گروهی باشد؛ یعنی تکرار در انتشار داشته باشد، مثلاً در چند دانشگاه مطرح شود. کسانی که کار تبلیغی را مدیریت می‌کنند، مدیریت همین مجموعه‌هاست که می‌توان گروه‌ها را به هم وصل و مجموعه‌سازی کنند.

مبلغ سه حُسن را باید رعایت کند: یکی حُسن منظر؛ یعنی هنگام حضور بین مردم باید با حُسن منظر باشد. رسول اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم‌السلام تأکید داشتند که وقتی برای تبلیغ بین مردم حضور پیدا می‌کنید، باید با حُسن منظر باشد؛ نظم ظاهر، عطر و... این‌ها اثر دارند. نه این‌که طلبه با عمامه زشت یا شل بیاید یا عبا و قبایش کج باشد یا وقتی راه می‌رود، خِش و خِش کند. این‌ها نباید از یک طلبه موفق دیده شوند. معروف است که رسول اکرم ﷺ همیشه قبل از رفتن بین مردم، خودشان را در آینه منظم و مرتب می‌کردند، محاسن و موی سرشان را شانه می‌زدند و عطر استفاده می‌کردند. این همان حُسن منظر است.

دوم، حُسن خُلق است که خیلی اثر دارد. حُسن منظر خوب است؛ اما اگر اخلاق غیرمناسب باشد، مردم را پراکنده می‌کند. درباره حُسن خُلق چند مطلب بیش‌ترین اثر را دارد: یکی به تعبیر روایات «بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَ حَزْنُهُ فِي قَلْبِهِ»؛ یعنی چهره‌اش خندان و متبسم باشد و حزنش را در قلبش نگهدارد و با چهره‌ای باز و گشاده با مردم برخورد کند. اگر مشکلی برای او پیش آمد، سعی کند در چهره‌اش نشان داده نشود.

در برخورد با مردم باید با تواضع باشد و در برابر مسائل منفی منفعل نشود و اگر کسی جسارتی کرد یا حرف بدی زد، اصلاً نباید در برابر رفتاری منفی، رفتار منفی متقابل داشته باشد؛ بلکه باید رفتاری متین داشت. اگر ما در برابر او انفعال نشان بدهیم، باعث شکست می‌شود و در افراد واقعاً اثر دارد که شخص رفتار خودش را کرد و ما را توانست به ضعف بکشانند.



۲

بخش دوم:
در انتخابات
چه بگوئیم؟



ضرورت حضور در انتخابات

حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه

یکی از بحث‌هایی که با آن مواجه هستیم و مبلغان عزیز قاعدتاً در معرض پرسش قرار می‌گیرند، بحث انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری است. اولاً ممکن است مردم از مبلغ پرسند که اصلاً در انتخاب شرکت بکنیم یا نه؟ وضعیت اقتصادی کشور مناسب نیست و مردم می‌گویند که ما هر وقت رأی می‌دهیم و کسانی انتخاب می‌شوند، مسیر خود را می‌روند و چندان به وضعیت معیشت مردم توجهی ندارد؛ لذا گله مند هستند و خیلی اوقات گله-هایشان بجاست. اما چه باید کرد؟ آیا ما در برابر این حوادث و قضایایی که اتفاق می‌افتد باید بی‌تفاوت باشیم؟ به هر حال چه بخواهیم و چه نخواهیم، مردم با مشارکت حداقلی یا حداکثری کسی را انتخاب می‌کنند. حال که چنین است، از نظر عقلانی همه مکلف اند در انتخابات حضور پیدا کنند، به اشخاص اصلح رأی بدهند و نمی‌توانند در انتخاب یا عدم انتخاب اصلح بی‌تفاوت باشند. پس بهتر است مردم را ترغیب کنیم به اینکه در انتخابات حضور پیدا کنند. حضور مردم در انتخابات، یعنی حضور در سرنوشت خودشان.

ایجاد امید در مردم

باید مردم را امیدوار کرد. درست است که ما در ایران با مشکلات عدیده ای مواجهیم؛ اما اگر فرد کارآمد، فعال، مؤمن و متدین انقلابی سر کار بیاید، می تواند آثار و برکات خوبی برای جامعه به ارمغان بیاورد. درست است که وضعیت اقتصادی کشور ما نابسامان است و از این جهت چندان موفق نبوده و حتی ناکامی هایی هم داشته ایم؛ اما در عرصه های دیگری از انقلاب اسلامی به موفقیت های چشم گیری رسیده ایم. موفقیت های علمی و پزشکی ایران بسیار خوب بوده است. اوایل انقلاب برای ایران از بنگلادش و پاکستان طبیب می فرستادند و حتی بعضی از آنها پزشک نبودند و طبابت می کردند؛ اما حالا بیمارانی از اروپا برای درمان به ایران می آیند. پزشکی ایران هم از نظر علمی، هم از نظر مهندسی پزشکی و هم از نظر دارو رشد چشم گیری داشته است. اینکه در وضعیت کرونا کشور ما توفیق پیدا می کند واکسنی تولید کند که انواع و اقسام ویروس های کووید نوزده را پاسخ بدهد و واکسینه بکند، نشان از همان رشد چشم گیر است که توانسته به این ظرفیت برسد. در حوزه سلول های بنیادی هم، مراکز مختلفی توفیقات خوبی داشته اند. بحث لقاح مصنوعی و مقوله هایی که مربوط به حوزه فرزندآوری می شود نیز، رشد خوبی داشته است. مقوله هایی مثل نانوتکنولوژی، بیوتکنولوژی هسته ای و عرصه های دیگر هم، ایران جزء کشورهای سوم تا ششم دنیاست.

حالا سؤال این جاست که چطور ایران توانست در این عرصه ها به موفقیت هایی برسد و در عرصه های اقتصادی، بازرگانی، واردات و صادرات نتوانسته ایم به موفقیت بارزی برسیم؟ در حالی که پیشرفت های بالا، بسیار دشوارتر و پیچیده تر از مقوله اقتصاد و معیشت است. اگر گفته شود ما در تحریمیم، جواب درستی نیست؛ آیا مثلاً در ابزارآلات نظامی تحریم نیستیم؟ آن جا که بیشتر در تحریمیم! آیا در ساخت ناوها، ناوبرها و زیردریایی ها در تحریم نیستیم؟ آیا در زمینه نانوتکنولوژی یا بیوتکنولوژی هسته ای در تحریم نیستیم؟ در این موارد که تحریم خیلی بیشتر است و جدی تر تا در حوزه تغذیه. آن جا که تحریم بیشتر است، موفقیت بیشتری داشته ایم و این جا که کمتر، موفقیت ما محدودتر است؛ سرش چیست؟

راز دست یابی کشور به موفقیت در امور اقتصادی

راز این مطلب در یک نکته است؛ اینکه هر جا نیروهای جوان انقلابی و مؤمن حضور داشته‌اند، توانسته‌اند دست‌آوردهای بزرگی داشته باشند و هر جا آنان نبوده‌اند، شکست خورده‌ایم. البته بعضی‌ها از نظر سنی پیرند؛ اما روحیه و نشاط جوانی دارند. وقتی در مجموعه‌ای نشاط جوانی و روحیه انقلابی نباشد، موفق نمی‌شویم. برای مثال در ساخت پراید موفق نمی‌شویم، در مسئله گندم مشکل پیدا می‌کنیم و در تهیه دان طیور هم گرفتار می‌شویم؛ چون متولیان، جوان مؤمن و انقلابی نیستند.

ویژگی‌های فرد انقلابی

منظور از انقلابی بودن چیست؟ بعضی‌ها انقلابی‌گری را بد می‌فهمند؛ اما مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌فرمایند، انقلابی کسی است که توحید و تقوا در رأس امورش باشد. اگر کسی گرفتار شرک، ولو شرک خفی است یا تقوا و ورع لازم را ندارد، انقلابی نیست، هر چند شعارهای انقلابی بدهد. توحید و تقوا، در رأس انقلابی بودن و انقلابی ماندن است. ویژگی دوم انقلابی‌گری، عقلانیت است. انقلابی‌گری به این معنا نیست که افراد مثل سرخ‌پوستان حمله کنند، هیاهو نمایند و کاری انجام دهند. خیر، باید در کارها عقلانیت حاکم باشد. ویژگی دیگری که حضرت آقا برای انقلابیون ذکر کردند، تلاش برای حفظ استقلال کشور است. استکبارستیزی هم ویژگی دیگر است. باید باور کنیم که استکبار به دنبال نابودی کشور است. انقلابی کسی است که استکبارستیز باشد. ویژگی دیگری انقلابی بودن، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. عده‌ای خودشان را از قطار انقلاب بیرون می‌اندازند و دیگر نمی‌خواهند به آن برگردند. ما باید تلاش کنیم که چنین افرادی به انقلاب برگردند و جذب حداکثری داشته باشیم. اگر این ویژگی‌ها به مدیریت جهادی ضمیمه شود که مقام معظم رهبری علیه‌السلام آن را هم از ویژگی‌های انقلابی‌گری می‌دانند و اگر ما دولت جوان، مؤمن و انقلابی داشته باشیم که توحید و تقوا در رأس کارش باشد، دنبال استقلال کشور باشد،

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

استکبارستیز باشد و دغدغه جذب حداکثری و مدیریت جهادی داشته باشد، قطعاً به نتیجه می‌رسیم.

حاج قاسم سلیمانی مصداق عینی مؤمن انقلابی

ادعایی که مطرح می‌کنیم، صرفاً ادعای نظری نیست و عینیت عملی پیدا کرده که نمونه‌اش حاج قاسم سلیمانی است. حاج قاسم سلیمانی وقتی با طالبان، القاعده یا داعش مواجه می‌شود که در اطراف ما حضور داشتند و دنبال هجوم به تشیع، اسلام، انقلاب و حتی برادران اهل سنت بودند، وارد عمل شدند. ایشان با همین نگاه انقلابی، یعنی نگاه به استقلال کشور، استکبارستیزی، مدیریت جهادی و جذب حداکثری که توحید و تقوا در رأس همه بود، جریان مقاومت را بین‌المللی کرد. در میان برادران حشد شعبی عراق، هم شیعه بود، هم سنی، هم مسیحی و هم ایزدی؛ یعنی ادیان مختلف، جریان مقاومت را دنبال می‌کردند.

نیاز کشور به مدیرانی همچون شهید سلیمانی و شهید فخری‌زاده

اگر ما مدیری جهادی و انقلابی چون حاج قاسم داشته باشیم، آیا وضعیت اقتصادی، معیشتی، کشاورزی و صنعتی ما به همین شکل می‌ماند؟ حاشا و کلا! ما در عرصه‌های هسته‌ای و دفاعی، مدیریتی جهادی، شجاع، عالم، عاقل، مدیر و مدبر، چون دانشمند شهید حاج محسن فخری‌زاده را داشتیم که عالم بود، فیزیک‌دان بود، اهل حکمت بود، اهل ادبیات بود، بسیار متواضع بود و مدیریت جهادی داشت. او، تفکری انقلابی به معنای دقیق کلمه داشت و اهل عمل کردن بود، نه اینکه فقط حرف بزند. بعد از شهادت ایشان نیز، حضرت آقا توصیه کردند که همه کارهایشان ادامه پیدا کند و چیزی زمین نماند. شهید حاج-محسن فخری‌زاده موفق شد در عرصه‌های مختلف نظامی، دفاعی و هسته‌ای، مدیری توانمند باشد؛ چون انقلابی بود.

موفقیت کشور در زمینه‌های مختلف

نمونه‌هایی که مطرح شد، نشان می‌دهد که نباید مردم در حالت ناامیدی بمانند. ما هم نباید سخنانی بگوییم که مردم مأیوس شوند. امروز واقعیت تلخی وجود دارد و برخی دولت‌مردان ضعیف، ناکارآمد، پیر و فرسوده در رأس امور هستند که اهل تدبیر نیستند. آنان وضعیت اقتصادی کشور را به این‌جا رسانده‌اند که مردم نتیجه می‌گیرند که انقلاب ناکام مانده یا شکست خورده است. اگر انقلاب شکست خورده، چطور در مسائل هسته‌ای شکست نخورده است؟ چطور در نانو تکنولوژی و بیوتکنولوژی شکست نخورده است؟ چطور در علم و پزشکی شکست نخورده است؟ گستره پیروزی‌های ما در انقلاب، خیلی بیشتر از گستره شکست‌هایمان است.

موفقیت‌ها، مرهون نیروهای جوان و انقلابی

هر جا پیروزی حاصل شده است، به خاطر این بوده که جوانان مؤمن و انقلابی حضور داشته‌اند. واکسن کرونا هم اخیراً در کشور ما، توسط دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد ساخته شده است؛ یعنی جوان‌هایی با هدایت عده‌ای از دانشمندان، این واکسن را تولید کرده‌اند. این واکسن را فقط چند کشور در دنیا توانسته بسازند. ساخت واکسن کرونا در ایران، یک پیروزی و اعجاز است و کرامت و توفیق بزرگی به شمار می‌آید. این‌ها توفیقات بزرگی است که باید برای مردم بازگو شوند. ممکن است برخی سؤال کنند، پس چرا سفره ما کوچک شده است و درست می‌گویند! باید به آنها حق بدهید. البته باید این را به مردم انتقال بدهید که هر جا جوانان مؤمن و انقلابی بوده‌اند، شاهد رشد بوده‌ایم. هر جا نیروی انقلابی حضور داشته است، عدالت، مبارزه با فساد، رشد، بالندگی و پیشرفت وجود داشته و هر جا انقلاب دست ناهلان افتاده است، آسیب دیده‌ایم. گروهی هستند که همه ناکارآمدی‌ها و ناتوانی‌ها را به تحریم نسبت می‌دهند و حل مشکلات را در ایجاد رابطه با آمریکا جست‌وجو می‌کنند؛ آمریکایی که دنبال تجزیه کشور ماست، همان‌طور که دنبال تجزیه سوریه و عراق بود. آمریکا به مردم خودش هم رحم نمی‌کند.

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

بالاترین آمار مرگ‌ومیر در ماجرای کرونا در آمریکا وجود دارد. وقتی سیل، زلزله یا طوفانی اتفاق می‌افتد، گاهی چند روز برق چند ایالت آمریکا قطع است. پنجاه میلیون نفر، فقیر کارتن-خواب در این کشور سیصد میلیون هستند! آن وقت انتظار داریم که آمریکا به داد ایران و مردم ما برسد؟ واضح است ایران وقتی به موفقیت دست پیدا می‌کند و کامیاب می‌شود که جوان مؤمن و انقلابی در رأس امور باشد. باید به جوان انقلابی اعتقاد و ایمان داشته باشیم.

شنیدن سخنان مردم درباره مشکلات و انتخابات

توصیه من این است عزیزانی که به سفر تبلیغی می‌روند و با مردم ارتباط دارند، حتماً به سؤالات متعدد آنان درباره انتخابات پاسخ بدهند. اگر فرد یا افرادی درددلی و انتقادی از هر شخصی دارند، با حوصله گوش بدهید. حتی ممکن است نقدهایی نسبت به رهبری داشته باشند؛ باز هم با حوصله بشنوید. سیره مقام معظم رهبری علیه السلام این است؛ شما هم حلم داشته باشید و عصبانی نشوید. بعضی از مردم مشکلات اقتصادی دارند، با حوصله گوش کنید و بعد با طمأنینه، با علم، با منطق و با اخلاق پاسخ و توضیح بدهید.

بیان لزوم شرکت در انتخابات و انتخاب اصلح

باید برای مردم توضیح دهید که اگر در انتخابات شرکت نکنند، افراد ناصالح و حتی ناکارآمد رأی می‌آورند و باز هم تا چند سال شما می‌نالید. به جای اینکه چند سال بنالیم و اعتراض و نقد کنیم، یک روز در انتخابات حضور پیدا کنیم و به فرد اصلح رأی می‌دهیم. اصلح، کسی است که دغدغه اصلی‌اش مسائل اقتصادی کشور باشد. اصلح، کسی است که دغدغه اصلی‌اش معیشت مردم باشد و بداند معیشت مردم را چگونه حل کند. اصلح، کسی است که با فساد اقتصادی و رانت‌خواری مقابله کند؛ فرقی هم نمی‌کند که از جناح چپ باشد یا راست، از اصول‌گرایان باشد یا اصلاح‌طلبان. هر کسی که فساد اقتصادی دارد، سر اختاپوسی درست کرده و دست و پاهایی برای خویش ایجاد نموده، باید از بین برود.

وقت انتخابات که رسید، باید مردم را دعوت کرد که سخنان داوطلبان را بشنوند و ببینند کدام یک نه تنها می‌خواهند با فساد مبارزه کنند، بلکه باید بگویند چگونه می‌خواهند مبارزه کنند. آنها باید تصریح کنند که آیا برای مبارزه با اختاپوس‌های اصلاح‌طلب و اصول‌گرا که فساد اقتصادی دارند، راهکار دارند یا نه؟ راه مبارزه‌شان چیست؟ اینکه صرفاً شعار عدالت و مبارزه با فساد بدهند، کافی نیست. این شرایط، بسیار کلیدی است. داوطلبان باید چگونگی توجه به معیشت مردم و اشتغال‌زایی برای آنان را توضیح دهند. برای مثال وقتی ما در ایران خودروسازی داریم، چرا قطعات باید از چین وارد شود. اگر این قطعات در داخل تولید شود، یعنی هزاران جوان اشتغال پیدا می‌کنند. چرا باید دان طیور از خارج وارد شود؟ آیا تولید ذرت و سویا در ایران میسر نیست؟ اگر این کالاها در ایران تولید شوند، چند هزار نفر اشتغال پیدا می‌کنند؟ چرا باید چینی‌ها بیایند در خلیج فارس و ماهی‌های ما را بگیرند، ببرند و به دنیا عرضه کنند. اگر همین کشتی‌هایی که نیروی دریایی سپاه و ارتش می‌سازند در اختیار ماهی‌گیران خودمان بگذارند، مردم می‌توانند در صید ماهی، تولید خوراکی‌ها از آبزیان و توزیع آن در جهان نقش پررنگی داشته باشند و شغل‌های زیادی را فراهم کنند. خلاصه هم باید مردم را تشویق کرد که در انتخابات حضور پیدا کنند، هم تشویق کرد که از نظام و انقلاب مأیوس نشوند و هم ترغیب به انتخاب اصلاح کرد. منتخب آینده مردم نباید در پی ارتباط با آمریکا باشد و همه چیز را به تحریم و برجام وصل کند. بله، ارتباطات بین‌المللی باید داشته باشیم. در کار اقتصادی، ارتباط بین‌المللی یک اصل است؛ ولی اصل اول، قدرت داخلی است. اگر قدرت داخلی به حد نصابی برسد، کشورهای دیگر حاضر می‌شوند با ما قرارداد ببندند، معامله کنند و ارتباط اقتصادی برقرار نمایند.

معرفی شاخص‌های فرد اصلاح

وقتی انتخابات نزدیک شد، مردم از مصادیق هم می‌پرسند. در این هنگام، آیا باید مبلغان ورود کنند یا نه؟ پاسخ این است که وقتی به حجت شرعی می‌رسید، ورود کنید؛ اما نه همچون ورود احزاب. وقتی شخصی چون عضو حزبی است از داوطلبش دفاع می‌کند، من موافق

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

نیستم طلبه‌ها و مبلغان دخیل و گرفتار شوند. در شأن یک طلبه نیست که خود را در چارچوب حزب محدود کند؛ اما اگر شخصی را ذی‌صلاح و اصلح تشخیص دادید که دغدغه معیشت مردم را واقعاً دارد و به راهکار هم اندیشیده است، او را به مردم معرفی کنید. مبلغی که می‌خواهد در منطقه‌ای کار فرهنگی و تبلیغ دین انجام بدهد، نباید وارد دعوای مصادیق انتخابات شود. تأکید من بیشتر بر این است که مبلغان به مردم امید بدهند، آنان را تشویق به حضور در انتخابات کنند و مضرات عدم حضور را برایشان توضیح دهند. بیان ویژگی‌های فرد اصلح و داوطلب جوان انقلابی هم لازم است؛ این‌ها توضیح داده شود. اگر به افراد اصلحی هم رسیدید و مردم سؤال کردند، بعد از منبر بگویید. روی منبر، تا می‌توانید شاخص‌ها را بگویید، ویژگی‌ها را بشمارید و تشویق به حضور در انتخابات کنید.

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام هم، همیشه براساس تکالیف شرعی در امور سیاسی و اجتماعی ورود می‌کردند. اگر قرار بود امام حسین، امام حسن مجتبی یا امام کاظم و یا ائمه دیگر مأیوس شوند و مردم را به ناامیدی سوق بدهند، الآن از شیعه چیزی باقی نمانده بود. امروز اگر شیعه در سراسر جهان گسترش دارد، منشأ گسترشش امید، معرفت، عقلانیت، حلم، شجاعت، صبر و تدبیر بوده است؛ انقلاب اسلامی هم به همین ویژگی‌ها نیازمند است.



تبلیغ انتخابات؛ چرا و چگونه؟

محمدحسن نبوی

هرچه به زمان انتخابات نزدیک‌تر می‌شویم، حساسیت‌ها بیش‌تر و تنور انتخابات گرم‌تر می‌شود. در این دوره، شرایط خاصی به وجود آمده است که درک درست آن، می‌تواند در جهت انتخاب بهتر، به مردم کمک کند و چون مبلغان دینی در نگاه بسیاری از مردم از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، درک شرایط و قضایای پیرامون انتخابات، برای آن‌ها ضرورت بیش‌تری داشته، در مسیر راهنمایی مردم، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اکنون که در آستانه انتخابات هستیم، کم‌کم گروه‌های مختلف، با سلايق، تفکرات و گرایش‌های گوناگون، در برابر هم صف‌آرایی خواهند نمود و روزبه‌روز این صف‌آرایی‌ها جدی‌تر می‌شود و هواداران احزاب با حساسیت بیش‌تری برای معرفی کاندیدای خود و جلب آرای مردم تلاش می‌کنند؛ اما نکته مهم این است که ممکن است گروه‌ها و احزاب غیرانقلابی که امید زیادی به رأی آوردن در شهرهای مهم و مراکز استان‌ها ندارند، به سراغ شهرهای کم‌جمعیت بروند و با تحریک عواطف قومی - قبیله‌ای، سعی کنند با حمایت و هزینه‌ها برای افراد بی‌خط که مشکلی در تأیید صلاحیت ندارند، مجلس را از اکثریت انقلابی خالی کنند، به امید آن که در آینده بتوانند از این افراد بی‌خط و غیرانقلابی برای خود مهره‌سازی کنند.

دشمنی با انتخابات

امروزه معارضین نظام و حامیان مستکبر آنان، چند موضوع را در دستور کار خود قرار داده‌اند:

۱. تشنج آفرینی

آنان در آستانه انتخابات، سعی دارند فضای حاکم بر کشور را دچار تشنج کنند تا شرایط برای مخدوش نشان دادن انتخابات آماده شود؛

۲. ایجاد یأس و ناامیدی

اگر مردم از بهبود وضعیت اقتصادی و رفع مشکلات ناامید گردند، ممکن است حضور گسترده آنان در انتخابات، با کاستی مواجه شود که همین امر بهترین دلیل بر اثبات عدم پشتیبانی و دفاع مردم از نظام خواهد بود و مشکلات فراوانی مانند: احتمال جنگ رسمی با ایران، گسترش تحریم‌ها، امید به موفقیت تروریست‌ها در ایران و تقویت آنان و... را به دنبال خواهد داشت؛

۳. کاهش حضور

از مواردی که دشمنان انقلاب پیوسته به دنبال آن بوده‌اند، تلاش برای عدم حضور مردم در انتخابات از طریق اعلان رسمی تحریم انتخابات یا تبلیغ گسترده درباره بی‌فایده بودن حضور و... بوده است. این امر می‌تواند مشروعیت نظام را در سطح بین‌الملل مخدوش ساخته، زمینه را برای مقابله با ایران فراهم سازد.

مواجهه مبلغان و نقشه دشمن

شایسته است مبلغان محترم موارد ذیل را مدنظر قرار دهند:

۱. برخلاف خواست دشمنان، همگان را به حضور جدی در انتخابات ترغیب نموده، فواید آن را برای مردم تبیین کنند. از جمله فواید حضور در عرصه انتخابات، می‌توان به سرفصل‌های ذیل اشاره کرد:

- انتخابات، عرصه تعیین سرنوشت چهارساله کشور است؛

- از مواهب نظام اسلامی که برای تحقق آن خون هزاران شهید تقدیم شده، همین تأثیر مردم در سرنوشت کشور و انتخابات است که قبل از انقلاب شکوهمند اسلامی، دیکتاتوری محض و حکومت یک هواپرست، بر کل مقدرات کشور بوده و اکنون مردم خود می‌توانند نمایندگان دل‌خواه خویش را انتخاب کنند. در سال‌های گذشته مردم توانسته‌اند افراد مختلف و جریان‌های سیاسی گوناگونی را در کشور به قدرت رسانده یا از اریکه قدرت به زیر بکشانند؛

- به‌وضوح تأثیر تفکرات مختلف نمایندگان مجلس بر روند اجرایی کشور در سال‌های بعد از انقلاب دیده شده که ایجاب می‌کند توانمندترین افراد برای نمایندگی مجلس انتخاب شوند؛
- حضور در انتخابات در سطح بین‌الملل تأثیر شگرف داشته، دشمنان را از مرزهای اعتقادی، اقتصادی، جغرافیایی و... عقب می‌راند؛

...و

۲. با حساسیت تمام، مردم را از هرگونه تشنج‌آفرینی برحذر داشته، به‌جای آن، رویکرد تبیین، توضیح و آگاه‌سازی را به مردم توصیه کنند؛

۳. نظام اسلامی با تمام فراز و نشیب‌ها و حاکمیت سلاطین مختلف بر کشور، در طول سالیان بعد از انقلاب موفقیت‌های چشم‌گیری داشته است که با بیان آن‌ها می‌توان روحیه امید را بین مردم زنده کرد و آنان را به آینده امیدوار ساخت؛ چراکه نومیثی موجب کاهش حضور مردم در انتخابات خواهد شد؛

۴. ویژگی‌های نماینده مناسب را برای مردم بیان و آنان را به انتخاب اصلح ترغیب کنند؛

۵. چون گروه‌های غیرانقلابی و غریزده سعی وافر دارند آرای طرفداران خود را بر یک تیم از کاندیداها متمرکز کنند، آحاد مردم بایستی ابتدا به انتخاب اصلح ترغیب شوند؛ اما اگر

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

احساس شد افراد اصلاح رأی نمی‌آورند، بایستی آحاد مردم را به انتخاب کاندیدای صالح - که دارای مقبولیت بیش تر است - ترغیب کنند، نه آن که با حساسیت بیش از حد و اصرار بر حمایت از فرد اصلاح، موجب تشّت آرای نیروهای انقلابی شوند و نهایتاً افراد ناصالح برای مجلس انتخاب گردند.



فریب بزرگ^۱

جمهوری اسلامی ایران در ادامه بعثت انبیا علیهم السلام، بار دیگر پرچم عدالت و معنویت را برافراشته است. با این حرکت، نظام استکبار دشمنی‌هایش را بیش‌تر کرد تا شاید بتواند از سر برآوردن الگویی جدید برای مدیریت جامعه و جهان جلوگیری کند. رشد و پیشرفت مدام و چشم‌گیر این نهال نوپا، هموار مایه نگرانی و ناراحتی آنان بوده است؛ زیرا می‌دانند این انقلاب توانایی به چالش کشیدن الگوی حکمرانی‌شان را دارد و روزی بساط سه‌قرن قتل و غارت و چپاول آن‌ها را جمع می‌کند. بنابراین، هرروز با حربه‌ای جدید وارد می‌شود تا شاید بتواند جلوی رشد و رونق آن را بگیرد.

پیشرفت‌های این انقلاب حاصل دو عنصر جمهوریت و اسلامیت است؛ جمهوری یعنی مردم‌سالاری و اسلامی یعنی دینی. بنابراین، جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی. حقیقت مردم‌سالاری دینی این است که یک نظام با اراده الهی و خواست مردم اداره شود و پیش برود. جمهوری اسلامی یعنی آنجایی که هدایت الهی و اراده مردمی توأم با یکدیگر، در ساخت و رونق نظام تأثیر می‌گذارد. بنابراین، دشمنان این مرز و بوم همواره با حربه‌های

۱. برگرفته از کتاب اقتصاد ما، شهید صدر رحمته

مختلف، به دنبال نابودی عنصر اسلامیت و مردم‌سالاری هستند تا شاید بتوانند این روند رو به رشد نظام را کاهش دهند.

امروزه دشمنان این انقلاب با تحریم‌های فلج‌کننده و لجن‌پراکنی در عرصه‌های مختلف، درصدد نامید کردن مردم ایران است. البته ناامیدی این مردم برای دشمنان این انقلاب چالش آسانی نیست. به همین جهت، به جنگ نرم متوسل شده‌اند و هدفی که دنبال می‌کنند این است که ذهنیات مردم را نسبت به نظام اسلامی خراب کنند؛ اما چشم‌های بیدار رهبر حکیم انقلاب علیه‌السلام، همیشه مواضع و نقشه‌های آنان را رصد می‌کند: «با نگاه من، آن‌طور که بنده اوضاع را مشاهده می‌کنم، دشمن ملت را هدف گرفته، افکار عمومی را هدف گرفته، فکر جوان‌ها را هدف گرفته؛ میلیاردها دلار دارند خرج می‌کنند؛ در این اتاق فکرشان، به اصطلاح خودشان اتاق‌های فکر و گروه‌های اندیشه‌ورز. دارند تلاش می‌کنند ملت ایران را و به‌خصوص جوانان را از این راه برگردانند. وسیله‌ای که آن‌ها دنبال می‌کنند، فعلاً دو وسیله است: یکی فشارهای اقتصادی است، برای این که مردم را به‌تنگ بیاورند و از نظام اسلامی جدا کنند و یکی هم لجن‌پراکنی است».^۱

عمده لجن‌پراکنی این است که القا کنند اسلام و احکام اجتماعی آن مانع پیشرفت جامعه است و جمهوری اسلامی برای مردم چیزی جز بدبختی و عقب‌ماندگی نداشته است. از اول انقلاب، خط ثابت دشمن همین بوده که به مردم ایران القا کند که بیچاره شدید، دیگر کارتان تمام است و هیچ کاری از عهده کسی برای کمک به شما بر نمی‌آید؛ اوضاع‌تان خراب است و... از اول انقلاب یکی از هدف‌ها همین بوده که به مردم ایران بگویند با قطع ارتباط با آمریکا، با گسستن پیوندی که بین ایران استعماری دوران پهلوی با آمریکا بود؛ پدر ملت ایران درآمده است. این را از اول انقلاب دنبال می‌کردند و الآن هم همین است. امروز با طرح صدها شبهه، دنبال ثابت کردن همین ادعا هستند.

۱. بیانات رهبری در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، مورخ: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸.

دشمن در این لجن‌پراکنی‌ها عرصه‌های مختلفی را هدف قرار داده که از مهم‌ترین آن‌ها، حوزه اقتصادی است؛ یعنی تحریف حقایق اقتصادی اسلام و کتمان نقاط مثبت اقتصاد اسلامی - ایرانی و القای ناکارآمدی حکومت اسلامی و... که شاید بتواند مردم از همراهی با این نظام ناامید و منصرف کنند. از طرف دیگر نیز با هیاهوی رسانه‌ای، به دنبال بزک کردن حکمرانی و اقتصاد غربی هستند و با نشان دادن تصاویری از غرب، طوری وانمود می‌کنند که اهالی آن مرز و بوم خوشبخت‌ترین مردم دنیا در تمام عرصه‌ها، به ویژه عرصه اقتصادی هستند. ما در این نوشتار قصد داریم با بررسی شاخصه‌های اقتصادی غرب، نشان دهیم که اوضاع آنان آن‌چنان که تبلیغ می‌کنند، نیست، تا ناامیدی کاذب جوانان این انقلاب را از بین ببریم و آنان را نسبت به آینده انقلاب امیدوار کنیم تا روند رو به رشد این انقلاب، هم‌چنان ادامه‌دار باقی بماند.

۱. ناکارآمدی شاخص‌های جهانی برای توصیف واقعیت اقتصاد ایران

وقتی قصد داریم دو ساختمان را با هم مقایسه کنیم، ابتدا به مسائل اساسی آن می‌پردازیم؛ یعنی اول در مورد سند و سپس استحکام ساختمان آن دو صحبت می‌کنیم، بعد جنس مصالح و نیز طراحی کلی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم و امکانات اساسی آن دو را می‌بینیم و سپس قیمت آن دو را می‌پرسیم. در مقایسه دو اقتصاد نیز ابتدا باید به سراغ متغیرها و شاخص‌های اساسی و بنیادین رفت؛ مانند: مقاومت اقتصادی؛ استقلال اقتصادی؛ تحریم‌ناپذیری؛ پیشرفت دائمی و بلندمدت؛ دانش بنیان بودن؛ نقش مردم در اقتصاد؛ عدالت اجتماعی؛ تناسب فرهنگی داشتن؛ تناسب سیاسی داشتن؛ پاک بودن؛ متوازن بودن؛ مخرب بودن؛ مالکیت و سند آن اقتصاد.^۱

۱. مهم‌تر از همه این شاخصه‌ها مالکیت و سند آن است؛ زیرا اگر ساختمانی سندش جعلی یا زمینش غصبی باشد یا عن‌قرب است که شهرداری آن را تخریب کند یا در مسیر سیل باشد؛ دیگر ارزشی ندارد و کسی به ←

تقریباً هیچ‌کدام از این شاخص‌ها به‌صورت بومی طراحی نشده‌اند. به‌عنوان مثال، آخرین شاخصی که صندوق بین‌المللی پول از اقتصاد ایران منتشر کرده است، ایران را رتبهٔ چهاردهم اقتصاد دنیا معرفی می‌کند؛^۱ اما سؤال اساسی این است که در شاخص‌های اقتصادی، چه مواردی را می‌سنجند؟ در این شاخص‌ها، کشورها بر سر چه مواردی با هم رقابت می‌کنند؟ اصلاً آیا رتبهٔ برتر داشتن در این شاخص‌ها، خوب است؟

اگر شما پدر و مادر پیر خود را روی چشم‌های خویش نگهداری کنید و به بهترین نحو ممکن مراقب آن‌ها باشید، این مراقبت و نگهداری، در هیچ‌کدام از شاخص‌های اقتصادی ثبت نمی‌شود که هیچ؛ بلکه گاهی این کار را مانعی برای رشد اقتصادی کشور می‌دانند و در صورتی که آن‌ها را به خانهٔ سالمندان بفرستید، در شاخص تولید ملی در اقتصاد ثبت می‌شود! یا سفر اربعین - که بهترین هتلینگ دنیا را در موبک‌های عراقی و ایرانی تجربه می‌کنید - در اقتصاد به حساب نمی‌آید؛ اما اگر یک شب در هتل سکنی گزینید، در آمار گردش‌گری و توریسم محاسبه می‌شود.

طبق آمار (statista)، اندازهٔ بازار بخش هتل‌ها و متل‌ها در ایالات متحده در سال ۲۰۲۱، تقریباً ۱۷۱ میلیارد دلار بوده است و در سال ۲۰۲۲م این بخش به ۲۵۸ میلیارد دلار پیش‌بینی می‌شود.^۲ مثلاً با این‌که نظامات اجتماعی، اعم از صلۀ‌رحم، مهمان‌نوازی، فرهنگ موبک‌داری و... در جمهوری اسلامی ایران، رقمی مشابه درآمدهای نفتی ایران؛ یعنی حدود ۵۰ میلیارد دلار ارزش بازاری دارد؛ اما در نگاه اقتصاد لیبرالیستی، نه‌تنها به آن‌ها توجه نمی‌شود؛ بلکه قائل‌اند که اگر فرهنگ، خانواده، روابط اجتماعی و... را حفظ کنید، اقتصادتان کوچک می‌ماند؛ ولی اگر آن‌ها را بفروشید و نابود شوند، تازه وارد بازی اقتصاد شده‌اید و به حساب می‌آید.

خرید آن تمایلی ندارد؛ هرچند بهترین ساختمان باشد و از ویژگی‌های دیگر مناسب باشد؛ زیرا با این اوصاف، شما دیگر به کلیت آن ساختمان نگاه مثبتی ندارید؛ چه برسد به بررسی ترینیتاش.

1. <https://www.farsnews.ir/news/14010425000877>

2. <https://www.statista.com/statistics/1170216/hotel-and-motel-industry-market-size-us/>

تفاوت اقتصاد ما با غرب

اقتصاد ما، اقتصادی است که هم جنس و هم معیارهای سنجشش شبیه اقتصاد غرب نیست.^۱ برای مثال، وقتی تیترا شاخص‌های جهانی اقتصادی را می‌خوانید، با خودتان می‌گویید: قطعاً ایران با اختلاف، رتبه اول آن شاخص را دارد؛ اما در کمال تعجب می‌بینید که ایران در آمارهای بین‌المللی، جزء بدترین کشورها رتبه‌بندی شده است! این شاخص‌سازی‌ها اساساً برای تحقیر کشورهای دیگر توسط کشورهای سلطه‌گر طراحی می‌شوند و حقیقتاً ارزش علمی ندارند؛ اما در مقابل، اندیشمندان ما وظیفه دارند با شاخص‌سازی‌های دقیق و واقعی، شاهکار اقتصاد ایران در مقابل جنگ و تحریم اقتصادی را نشان دهند.

جمهوری اسلامی ایران بدون تردید در شاخص تاب‌آوری اقتصادی رتبه اول دنیا را دارد و هیچ کشوری توانایی تاب‌آوری در شرایطی را که اقتصاد ایران با آن مواجه شده است، نداشته و ندارد.

۲. عدم رفاه یا احساس عدم رفاه

قبل از انقلاب خانه‌هایی وجود داشت که در آن چند خانواده زندگی می‌کردند. وقتی این را به مردم می‌گوییم، تصدیق می‌کنند و می‌گویند: عمو، پسرعموها، پدرم و... که از قرار خانوارهای پرجمعیتی هم بودند، همه در یک خانه زندگی می‌کردند. با وجود بیش از ۲/۵

۱. مثلاً در آمریکا سالانه ۲۷۰ میلیارد دلار هزینه مشروبات الکلی می‌شود (حدود ۴ برابر بودجه سالانه جمهوری اسلامی)، حدود ۲۷ میلیارد دلار هزینه دیسکو شبانه می‌شود (حدود نصف بودجه جمهوری اسلامی). این عدد در انگلیس ۳۶ میلیارد پوند است و حدود ۴۶۰ هزار اشتغال برایش ثبت می‌شود. در آمار صادرات و واردات یک کشور، اگر تن فروش آمریکایی به یک توریست خارجی در خاک آمریکا خدمات جنسی ارائه بدهد، این در آمار صادرات آمریکا ثبت می‌شود و اگر تن فروش، خارجی باشد و به یک آمریکایی در خاک آمریکا سرویس جنسی ارائه دهد، در آمار واردات آمریکا ثبت خواهد شد!

برابر شدن جمعیت ایران و بیش از ۴ برابر شدن خانوارها^۱ پس از انقلاب اسلامی؛ چرا دیگر تقریباً از پدیده زندگی چندخانوار در یک خانه، خبری نیست؟

با این احوالات، در حال حاضر با حدود ۷۷ درصد نرخ مالکیت مسکن، یکی از بیشترین نرخ‌های مالکیت مسکن در دنیا را داریم و خوشبختانه تقریباً در ایران از کارتن‌خوابی و چادرخوابی خبری نیست و نمی‌شنویم که چند میلیون کودک بی‌خانمان باشند و حتی در کنار خیابان نمی‌بینیم که صدها و هزاران نفر از سرما بمیرند،^۲ در حالی که از این‌گونه موارد به راحتی در غرب مشاهده می‌شود. در گذشته، ما نیز شاهد این‌گونه موارد بوده‌ایم و حلبی‌آباد و کوخ‌نشین به معنای واقعی داشته‌ایم. البته این انتظار مردم انتظار به جایی است که در ایران صاحب مسکن شوند. محرومیت، از توهم‌هایی است که امروز در اذهان مردم وجود دارد؛ اما جالب است بدانید که آمار محرومیت‌زدایی در ایران با کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست. اتفاقی که در زمینه محرومیت‌زدایی در ایران و در شرایط جنگ و تحریم افتاده، بی‌نظیر است؛ به نحوی که طبق آمار رسمی بانک جهانی، نرخ فقر در ایران از ۹ درصد جمعیت کشور در اوایل انقلاب، به زیر ۱ درصد در سال‌های اخیر رسیده است؛ اما به هیچ‌عنوان در کشورهای دیگر مشاهده نمی‌شود. در صورتی که هیچ‌یک از آن‌ها در شرایط تحریم و جنگ نبوده‌اند و حتی برای رسیدن به این موقعیت، برخی از کشورها بسیاری از ارزش‌های خود، اعم از استقلال، فرهنگ، غیرت، دین و... را فروخته‌اند و گاهی برخی کشورها مثل آمریکا، فرانسه، انگلستان و دیگر کشورهای مشابه، دست به غارت و استعمار و استثمار کشورهای ضعیف زده‌اند.

یا در شاخص تعداد سفر خارجی؛ وقتی تردد بین‌شهری داریم، اگر این سفر به کیلومتر حساب شود، برای کشورهای اروپایی سفر خارجی به حساب می‌آید و بعضی از سفرهای ما

1. <https://amar.srtc.ac.ir/article-۶۰-۱-fa.html>.

2. <https://www.economist.com/graphic-detail/۱۰/۰۵/۲۰۲۳/expensive-energy-may-have-killed-more-europeans-than-covid-۱۹-last-winter>.

برای آن‌ها سفر بین‌قاره‌ای حساب می‌شود؛ یعنی هرکس از ایلام به مشهد مسافرت کند، گویی سفر بین‌قاره‌ای کرده است؛ چون اگر در اروپا چنین سفری را بخواهید بروید، از اروپا خارج خواهید شد؛ ولی در اینجا یک سفر داخلی به حساب می‌آید. بنابراین، هنگام مقایسه باید دقت کنیم چه چیزی را با چه چیزی و با کدام شاخص مقایسه می‌کنیم؟!

مسئله بهداشت اولیه در جمهوری اسلامی ایران این‌گونه است که آیا در روستاهای دورافتاده ما خانه بهداشت وجود دارد یا خیر؟ آیا بیمارستان به خانه‌ها نزدیک است یا خیر؟ آیا تمام پزشکان متخصص و فوق‌تخصص در شهرمان موجودند یا باید به شهر دیگری سفر کنیم؟ یا گلابه‌های درستی که پیرامون نرخ‌های خدمات پزشکی و دسترسی به داروهای کمیاب در شهر خود یا قیمت‌های آن داریم؛ اما مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌های آژانس ملی بهداشت عمومی ایالات متحده، سال ۱۴۰۱ش گزارش خیره‌کننده‌ای در مورد دسترسی مردم دنیا به بهداشت اولیه به نقل از سازمان ملل منتشر کرد که در آن آمده است:

در دنیا جمعیتی نزدیک به 2.3 میلیارد نفر (یعنی حدود یک‌سوم مردم دنیا) از دسترسی به بهداشت اولیه محروم هستند؛ یعنی هیچ امکانی برای شستن دست با آب و صابون ندارند. حدود 3.6 میلیارد نفر از سرویس بهداشتی در منازل خود محرومند و حدود 1.7 میلیارد نفر هیچ امکانی برای دفع ایمن فضولات انسانی خودشان ندارند و حدود ۵۶۰ میلیون نفر در دنیا اجابت مزاج باز (در خیابان و ملاً عام) انجام می‌دهند. همین وضعیت اسف‌بار باعث شده است بسیاری از منابع آب آشامیدنی آلوده شوند و بیماری‌های کشنده‌ای مانند: وبا، اسهال، حصبه، اسهال خونی و... منتشر شود.^۱

بنابراین، نتیجه مقایسه‌های غلط چیزی جز احساس عدم رفاه در ایران نخواهد بود؛ کاری که رسانه‌ها با ذهن مردم ایران می‌کنند، همین مقایسه‌های مغالطه‌آمیز و غلطی است که باعث

۱. طبق آمار رسمی یورو استات، پانزده درصد خانه‌های اتحادیه اروپا فاقد هرگونه سرویس بهداشتی و حمام است. با توجه به آمار فوق، بهره‌مندی از حداقل‌های بهداشتی به چه معناست و ایران چه جایگاهی دارد؟! حتی تصور برخی از این امور برای مردم ایران هم امری محال است و هم تهوع‌آور.

می‌شود مردم احساس کنند نسبت به کشورهای دیگر دنیا بسیار عقب‌مانده‌تر هستند، در صورتی که مطلقاً این‌گونه نیست.

۳. غرب فقیر

طبق آمار اداره سرشماری ایالات متحده، نرخ فقر ملی آمریکا در سال ۲۰۱۶م، ۱۲٫۷ درصد بود؛ یعنی بیش از ۴۰ میلیون نفر در فقر بودند.^۱ طبق آمارهای رسمی، آمریکا حدود ۷۰۰ هزار بی‌خانمان خیابان‌خواب دارد که در دوازده ماه سال سقفی بالای سر خودشان نمی‌بینند. این جدای از آمارهای بد مسکن‌ها، چادرخواب‌ها، متروخواب‌ها، کمپ‌خواب‌ها و ماشین‌خواب‌ها است؛ یعنی اگر کسی داخل ماشین خود خوابید، بی‌خانمان یا خیابان‌خواب محسوب نمی‌شود یا اگر کسی در خیابان و کنار کوچه در چادر خوابید، بی‌خانمان و خیابان‌خواب محسوب نمی‌شود. جدای از این‌ها، حدود ۷۰۰ هزار بی‌خانمان خیابان‌خواب دارند. هرشب تعداد قابل توجهی از این افراد بر اثر سرما در خیابان‌های آمریکا و اروپا یخ می‌زنند و می‌میرند.^۲

این آمار و ارقام در اروپا نیز چندان بهتر نیست. پارلمان اروپا وضعیت مخاطره‌آمیز زندگی بیش از ۷۰۰ هزار نفر را که هر روز (و شب) در سراسر اروپا با بی‌خانمانی مواجه هستند، برجسته می‌کند. این آمار، تنها در یک دهه ۷۰ درصد افزایش داشته است.^۳ کشوری که بیش‌ترین تعداد بی‌خانمان‌ها را در آسیا دارد، پاکستان است که حدود ۲۰ میلیون نفر هستند و در آفریقا نیجریه است که بیش‌ترین جمعیت بی‌خانمان در جهان را دارد. هندوراس با یک میلیون نفر در آمریکای شمالی و کلمبیا در آمریکای جنوبی، بیش‌ترین جمعیت بی‌خانمان‌ها

1. <https://nationalhomeless.org/about-homelessness/>.

2. <https://www.theguardian.com/us-news/2022/dec/22/us-homeless-shelters-help-winter-weather>.

3. <https://phys.org/news/۱۲-۲۰۲۲-homelessness-stark-impact-health-clearer.html>.

را دارند؛^۱ اما در سردترین شب‌های سال در ایران، این وضعیت را در جمهوری اسلامی تجربه نکرده‌ایم؛ چون جنس فقر در ایران فرق می‌کند. وقتی مردم از فقر حرف می‌زنند، در مورد نیازهای ضروری زندگی، مثل حداقل خوراک، پوشاک، بهداشت و... حرف نمی‌زنند؛ بلکه در مورد سطح کیفی زندگی سخن می‌گویند که البته در بسیاری موارد حق دارند؛ چون اینجا ایران است! نقشه جهانی بی‌خانمانی نیز به خوبی گویای این وضعیت است که ایران از معدود کشورهای سبزرنگ و با سطح بی‌خانمانی بسیار پایین نسبت به سایر کشورهای دنیاست.

۴. به زیان زنان

رسانه لیبرال اقتصادی تجارت فردا، به نقل از بانک جهانی، گزارشی را با تیتیر «به زیان زنان» درباره وضعیت کسب و کار زنان در ایران منتشر کرده است. طبق این ارزیابی، ایران در شاخص‌های: تحرک، ازدواج و محل کار نمره صفر را کسب کرده و با نمره ۳۱ از ۱۰۰، در قعر جدول ارزیابی مشارکت اقتصادی زنان دنیا در کنار نوار غزه و سودان قرار دارد. اما واقعیت چیست؟

رتبه جمهوری اسلامی ایران در گزارش «زنان، کسب و کار و قانون ۲۰۲۳م» بانک جهانی که اوایل سال ۱۴۰۲ش منتشر شده، در کنار کشورهایی مثل: یمن، نوار غزه و لیبی، رتبه ۱۸۶ از ۱۹۰ کشور دنیا را کسب نموده است.^۲ با بررسی دقیق‌تر مؤلفه‌های این ارزیابی، در می‌یابیم که متغیرها طوری طراحی شده‌اند که کشورهای مسلمان، ولو شرایط خوبی داشته باشند، باید در قعر جدول قرار گیرند؛ زیرا معیار سنجش و اندازه‌گیری میزان مشارکت زنان نزد آنان، عمل نکردن به قواعد الهی است. مؤلفه‌هایی مثل: تساوی حق ازدواج زن به میزان مرد، لغو قوانین

1. <https://www.greaterchange.co.uk/post/which-country-has-the-highest-rate-of-homelessness>.

2. <https://wbl.worldbank.org/en/data/exploreconomies/iran-islamic-rep/2023>

تمکین زن از همسر، وجود قوانین رسیدگی به خشونت خانگی، سرپرستی زن از خانواده، وجود قانون رسیدگی به آزار جنسی در محل کار، حقوق مساوی زن و مرد در ارث، کار کردن زن در شب، کار کردن زن در محیط‌های سخت، مثل معدن و...، برخورداری از حق افتتاح حساب بانکی و... از جمله موارد این ارزیابی هستند.

در همین رتبه‌بندی، آمریکا با نمره ۹۱ در بالای جدول قرار دارد. کشوری که به نقل از گزارش رسمی «جلوگیری از خشونت جنسی» مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری آمریکا، تقریباً ۳ میلیون زن در ایالات متحده، بارداری ناشی از تجاوز را در طول زندگی خود تجربه کرده و حدود ۱۸ میلیون زن در طول زندگی خود مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند.^۱ حال این کشور با این آمار تجاوز، تعرض و ظلم بزرگ به زنان در صدر است و کشور عقیف و مسلمان ایران، در قعر جدول قرار دارد!

با بررسی مجموع زیرشاخص‌ها و روش‌شناسی هریک از آن‌ها، درمی‌یابیم که از ۳۵ زیرشاخص ذیل ۸ شاخص اصلی، ۱۶ زیرشاخص بدون دستیابی به هیچ قانونی در جمهوری اسلامی ایران مورد قضاوت قرار گرفته و نمره منفی دریافت نموده‌اند و این یعنی ۴۶ درصد از شاخص‌ها صراحتاً هیچ صلاحیتی برای بررسی ندارند. هم‌چنین ۱۲ زیرشاخص؛ یعنی ۳۵ درصد نیز از ایران روایت معکوس داشته‌اند، بدین معنی که پاسخ شاخص با واقعیات قوانین کشورمان هم‌خوانی ندارد.

در نهایت و برای جمع‌بندی می‌توان گفت که از ۳۵ زیرشاخص ذیل ۸ شاخص اصلی، مجموعاً ۲۹ زیرشاخص یکتا، الحادی، اشتباه یا بدون داده پژوهشی درباره جمهوری اسلامی ایران هستند، بدین معنی که ۸۳ درصد از شاخص‌ها فاقد ارزش بوده، هیچ موضوعیتی برای بررسی ندارند. آری، شاخص‌ها این‌چنین پشت واژه علم، ایمان‌مان را هدف قرار گرفته‌اند و این اعداد چیزی جز فریب‌کاری نیستند.

1. <https://www.cdc.gov/violenceprevention/sexualviolence/understanding-RRP-inUS.html>

۵. شنای آزاد در کویر جنسی

یکی از تصورات رایج پیرامون زندگی در اروپا و آمریکا، آزادی و راحتی در دسترسی و تأمین نیاز جنسی افراد است، به نحوی که می‌توان به راحتی، به هر میزان و در هر شرایطی با تعداد شرکای جنسی متنوع، آزادانه در ارتباط بود و بدون هیچ مانع و دردسری نیازهای خود را تأمین نمود. به همین خاطر، کندوکاوی در آمارهای مرتبط به این امر در دنیا، به‌ویژه در کشورهای اروپایی و آمریکا داشته‌ایم.

به نقل از گزارش وضعیت جمعیت جهان در سال ۲۰۲۲ م که توسط آژانس سلامت جنسی و باروری سازمان ملل (UNFPA) بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ م، بیش از ۶۰ میلیون بارداری ناشی از تجاوز در سال در جهان اتفاق می‌افتد و تقریباً کم‌تر از ۳۰ درصد از تمام بارداری‌ها به سقط جنین ختم می‌شود و بخش اعظمی از این نطفه‌های حرام، متولد می‌شوند. مثلاً در کشور فرانسه به‌عنوان مهد آزادی دنیا، آمار خودارضایی بین جوانان در سال ۲۰۲۲ م، براساس جنسیت به نحوی است که ۸۰ درصد از مردان فرانسوی ۱۸ تا ۳۴ ساله و ۶۴ درصد از زنان فرانسوی در همان سن، اعلام کرده‌اند که خودارضایی می‌کنند و از آن لذت می‌برند.^۱

طبق گزارش مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری در آمریکا، از هر ۴ زن، یک نفر تجاوز کامل را تجربه کرده‌اند که از این میان بیش از ۴ نفر از هر ۵ زن بازمانده از تجاوز جنسی گزارش کرده‌اند که برای اولین بار قبل از ۲۵ سالگی مورد تجاوز قرار گرفته‌اند و تقریباً به نیمی از آن‌ها در سنین خردسالی (قبل از ۱۸ سالگی) تجاوز شده است و نیز زنان و گروه‌های اقلیت نژادی و قومی بار بیش‌تری از خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند.^۲

1. [statista.com/statistics/460878/masturbation-young-people-france/](https://www.statista.com/statistics/460878/masturbation-young-people-france/).

2. <https://www.cdc.gov/violenceprevention/sexualviolence/understanding-RRP-inUS.html>.

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

با تحلیل این آمارها به نکات جالبی می‌رسیم؛ وقتی زن و حتی بعضاً مرد در اقتصاد غربی کلاست و در عین حال قدرت خرید اقتصادی آن‌ها پایین است و هم‌زمان فراوانی پوشش‌های ناهنجار بانوان و تردد آنان بالا بوده و دسترسی گسترده به فیلم‌های تهییج‌کننده جنسی وجود دارد و جوانان نیز در اوج سنین تأمین نیاز جنسی خود هستند؛ عملاً با وجود محرک‌های فراوان که نه مسیر حمایت‌های خانوادگی یا زمینه و انگیزه مذهبی برای ازدواج آنان فراهم است و نه قدرت مالی برای تأمین مستمر یا حتی مقطعی دریافت خدمات جنسی از شریک جنسی وجود دارد، افراد یا مجبورند تن به خودارضایی دهند یا به‌صورت وحشیانه اقدام به تجاوز جنسی کنند.

این تحلیل کاملاً با آمارهای ذکر شده از شرایط دسترسی به شرکای جنسی، سطح انجام خودارضایی و نیز میزان تجاوز جنسی و حتی بارداری‌های ناشی از تجاوز هم‌خوانی دارد و عملاً مثال آزادی جنسی در غرب مانند مثال آزادی‌شنای پروانه و تفریح با بهترین کشتی‌های تفریحی در کویر است.

۶. وزارت تنهایی

تحقیقات دولت انگلستان نشان می‌دهد که بیش از ۹ میلیون نفر انگلیسی همیشه یا اغلب احساس تنهایی می‌کنند و حدود دویست هزار سالمند بیش از یک ماه است که با یک دوست یا خویشاوند خود صحبت نکرده‌اند و تا ۸۵ درصد از معلولان جوان (۱۸ تا ۳۴ سال) احساس تنهایی می‌کنند.^۱

وزارت حمل‌ونقل انگلستان برای مقابله با تنهایی، صندوق حمل‌ونقل کمک‌های مالی ۵ میلیون پوندی به ۱۲ پروژه اعطا کرد تا بررسی کند که چگونه حمل و نقل می‌تواند به افرادی که در معرض خطر تنهایی هستند، کمک کند. مقرر شد انجمن سالمندان لیدز از این کمک‌های

1. <https://www.gov.uk/government/news/pm-commits-to-government-wide-drive-to-tackle-loneliness>.

مالی برای خرید یک تاکسی برقی استفاده کند که می‌تواند توسط اعضای خود به‌عنوان وسیله نقلیه حمل و نقل اجتماعی قابل رزرو استفاده شود.^۱

در سال ۲۰۲۲م، صندوق «محلۀ خود را بشناسید» با بودجه ۳۰ میلیون پوندی از سوی دولت و صندوق «ملی لاتاری جامعه» راه‌اندازی شد که هدف این برنامه، توانمندسازی جوامع محلی برای افزایش داوطلبانه و کاهش تنهایی مزمن در ۲۷ منطقه محروم در انگلستان است.^۲ در مورد ژاپن نیز آمده که دلیل اصلی ایجاد وزارت تنهایی، افزایش خودکشی بوده است. این ماجرا نشان می‌دهد که ولنگاری جنسی و رهایی روابط و ترویج بی‌حیایی‌های اخلاقی و فروپاشاندن بنیان خانواده چگونه بحرانی بدین وسعت در شرق و غرب عالم به وجود آورده است و علاوه بر هزینه‌ها و ضربه‌های جبران‌ناپذیر انسانی، هزینه‌ها و تاوان فراوان مادی را در پی دارد.

۷. مردن از خوشی

با این‌که همیشه رسانه‌ها، غرب و اروپا را شادترین مردم دنیا معرفی می‌کنند؛ اما آمارها برخلاف این همه تبلیغات است. مثلاً در «اکونومیست» به نقل از مرکز آمار اتحادیه اروپا، در گزارشی اعلام می‌کند که از هر ۱۴ نفر یک نفر در اروپا افسردگی مزمن دارد!

افسردگی اولین عامل خطر مرتبط با خودکشی و افکار خودکشی است. تخمین زده می‌شود که سالانه صدوبیست هزار نفر در منطقه اروپایی سازمان بهداشت جهانی، جان خود را از دست می‌دهند که معادل ۱/۳ درصد از کل مرگ و میرها در سال ۲۰۱۹م است.^۳ از این میان، تنها ۴۰ تا ۶۰ درصد بیماران پس از درمان اولیه افسردگی، بدون توجه

1. https://www.gov.uk/government/publications/loneliness-annual-report-the-fourth-year/tackling-loneliness-annual-report-march-2023-the-fourth-year?dm_i=21A8,894YO,FM9TNZ,XWBSS,1.

۲. همان.

3. <https://impact.economist.com/projects/depression-in-europe/infographic>.

بخش دوم: در انتخابات چه بگوییم؟

به داروی انتخابی، بهبودی حاصل می‌کنند. این گزارش نشان می‌دهد که تقریباً از هر پنج پسر اروپایی ۱۵ تا ۱۹ ساله، یک نفر از اختلالات روانی رنج می‌برد و پس از آن، بیش از ۱۶ درصد از دختران در همان سن قرار دارند. ۹ میلیون نوجوان در اروپا (۱۰ تا ۱۹ ساله) با اختلالات روانی زندگی می‌کنند که بیش از نیمی از موارد آن را اضطراب و افسردگی تشکیل می‌دهد.^۱

هم‌چنین طبق گزارش رسمی مرکز آمار اتحادیه اروپا، بیش از ۵۶ هزار نفر در اروپا خودکشی کرده‌اند که از ۵/۲ میلیون مرگ گزارش شده در اروپا (EU) در سال ۲۰۱۵م، ۵۶۲۰۰ (۱/۱٪) به دلیل خودآزاری عمدی بوده است. تقریباً ۸ مورد از هر ۱۰ خودکشی (۷۷٪) مربوط به مردان و حدود ۳۱٪ توسط افراد بین ۴۵ تا ۶۰ سال است. آلمان (۱۰۲۰۰ مرگ) و فرانسه (۹۲۰۰ نفر) دو کشور عضوی هستند که بیش‌ترین تعداد خودکشی را در سال ۲۰۱۵م به ثبت رسانده‌اند.^۲

به نقل از مرکز کنترل و پیشگیری وزارت بهداشت آمریکا، میزان خودکشی آمریکایی‌ها بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۲۱م، تقریباً ۳۶ درصد افزایش یافته است.

بنابراین، وضعیت جمهوری اسلامی با این همه هیاهوی رسانه‌ای، وضعیتی متفاوت است؛ زیرا با احتساب میانگین ۵ نفر به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر، به‌طور کلی با حدود ۴۲۵۰ خودکشی سالانه در کشور مواجه هستیم.^۴

میانگین اتحادیه اروپا در این شاخص حدود ۱۱ و میانگین جهانی حدود ۹ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر می‌باشد. با این تفاسیر می‌توان گفت که کشور جمهوری اسلامی ایران نسبت به

1. <https://www.unicef.org/eu/stories/mental-health-burden-affecting-europes-children>.
۲. لهستان ۵۴۰۰ نفر، بریتانیا ۴۷۰۰ نفر، ایتالیا ۴۰۰۰ نفر و اسپانیا ۳۶۰۰ پس از آن قرار دارند.
3. <https://ec.europa.eu/eurostat/web/products-eurostat-news/-/DDN-20180716-1>.
4. <https://data.worldbank.org/indicator/SH.STA.SUIC.P5?end=2019&locations=IR&start=2000&view=chart>

وضعیت جهان، به‌ویژه اروپا و آمریکا در این حوزه، در شرایطی بسیار مطلوب بوده، از آسیب‌های اجتماعی بسیار کم‌تری در کشور خود برخوردار است. این ماجراها به‌خوبی عمق فاجعه در غرب و شرق عالم را نشان می‌دهد. کشورهایی که به‌جای فرهنگ، اقتصاد را زیربنای جامعه خود قرار داده و با پشت‌کردن به دین و رویکردهای توحیدی، مبانی فردگرایی و لیبرالیستی را ترویج می‌کنند، امروز به بحران‌هایی برخورد کرده‌اند که از بدیهی‌ترین نتایج این مبانی بوده و متفکرین علمای دینی، از جمله امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری علیه السلام، بارها پیامد این سیاست‌ها را هشدار داده‌اند و ساده‌اندیشانه است که عده‌ای بخواهند این مسیر شکست‌خورده و نابودکننده انسان و انسانیت را به‌عنوان الگوی خود قرار داده، برای آن مبارزه کنند!

این‌ها همان کشورهای هستند که علی‌رغم غارت و استعمار و استثمار گسترده کشورهای و مردم سراسر جهان، در حوض ذلت قرار دارند و مردمان‌شان نه از رفاه اقتصادی بهره‌مندند و نه برای‌شان فرهنگی باقی مانده است که از زندگی لذت ببرند. رفاه پایین و جبر اقتصادی، عدم تأمین واقعی نیازهای انسانی از خانواده تا نیازهای روحی و معنوی و حتی نیازهای جنسی سرکوب شده و ظلم گسترده به زنان و آمار بالای تجاوز، خودارضایی، هم‌جنس‌گرایی و آزار و اذیت جنسی کودکان تا تجربه بحران تنهایی و تأسیس وزارتخانه تنهایی برای حل این مشکل بدیهی، تا زندگی اجباری با سگ و گربه به‌جای تجربه لذت همراهی یک خانواده انسانی باوفا و موفق و تا آمار بالای افسردگی مزمن و خودکشی در آن‌ها، همگی نشان می‌دهند که این کشورها صرفاً با آمپول مسکن فریب و جنگ شناختی و رسانه‌ای در اذهان ملت‌ها (و نه در واقعیت‌ها) کمی سرپا نشان داده می‌شوند؛ ولی سال‌ها از کشورهای مستقل و دینی، از جمله جمهوری اسلامی ایران، عقب‌تر هستند.



۳

بخش سوم: شبہات انتخاباتی



بخش سوم: شبهات انتخاباتی (خبرگان رهبری)

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات حوزه‌های علمیه

۱. آیا حضور برخی فقهای شورای نگهبان در مجلس خبرگان، با انجام وظایف آنها منافاتی ندارد؟ فردی که خودش منصوب ولی فقیه است، چگونه می‌خواهد در جایگاه نظارت و بررسی عملکرد ولی فقیه و تعیین رهبر جامعه قرار بگیرد و حضور چنین فردی به واسطهٔ نصب از طرف ولی فقیه در شورای نگهبان، در مجلس خبرگان نمی‌تواند چندان با جایگاه این مجلس و نظارت اعضا بر ولی فقیه سازگار باشد؟ ضمن آن که چون عضو شورای نگهبان است، احراز صلاحیت او برای انتخابات مجلس خبرگان نیز بی‌دغدغه‌تر و آسان‌تر از بقیه است؟

با توجه به نکاتی، این ابهام برطرف خواهد شد:

۱. صرف این که چند نفر از فقهای شورای نگهبان در مجلس خبرگان حضور دارند، منافاتی با مسئولیت و کارکرد این مجلس ندارد؛ زیرا روند فعالیت‌ها و بررسی‌ها در مجلس خبرگان، در قالب کمیسیون‌های تخصصی این مجلس صورت می‌گیرد و پس از بررسی‌های کارشناسی، تصمیم‌گیری با رأی اکثریت اعضا انجام می‌شود. با وجود چنین ساز و کاری، امکان اعمال تصمیمات فردی وجود نداشته، تمام افراد به عنوان نمایندگان این مجلس از یک جایگاه و تأثیرگذاری یکسان برخوردار خواهند بود. از این جهت،

حضور چند نفر از فقهای شورای نگهبان در نظارت بر رهبری یا انتخاب رهبر خدشه‌ای وارد نمی‌کند؛

۲. از شرایط رهبری، فقهای شورای نگهبان و نمایندگان مجلس خبرگان، برخورداری از عدالت است و این ویژگی عامل نظارت درونی در ایشان می‌باشد تا در رفتار، گفتار، تصمیمات و انجام وظایف، موازین دینی را معیار قرار دهند و مسئولیت‌های خود را به عنوان امانت از ناحیه خداوند و مردم به درستی انجام دهند؛

۳. شورای نگهبان براساس قانون اساسی^۱ و قانون انتخابات مجلس خبرگان،^۲ مسئولیت نظارت و احراز صلاحیت نمایندگان مجلس خبرگان را برعهده دارد. ماهیت این وظیفه، تشخیص است، نه تعیین نمایندگی افراد. شورای نگهبان با توجه به شرایط لازم، صلاحیت افراد را برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌ها احراز می‌کند؛ اما تعیین‌کننده نمایندگی افراد نیست؛ بلکه انتخاب و تعیین همه نامزدهای نمایندگی مجلس خبرگان، در نهایت با رأی و انتخاب مردم صورت می‌گیرد و این مردم هستند که با انتخاب خود، اعضای این مجلس را مشخص می‌کنند. از این رو، موضوع احراز صلاحیت و عضویت در شورای نگهبان، با حضور در مجلس خبرگان، متفاوت است؛

۴. مطابق قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری: «کسانی که رهبر معظم انقلاب علیه السلام صریحاً یا ضمناً، اجتهاد آنان را تأیید کرده باشد، از نظر علمی نیاز به تشخیص فقهای شورای نگهبان نخواهند داشت.»^۳ نیاز نداشتن این افراد از نظر علمی به تشخیص، به معنای احراز صلاحیت از همه جهات نبوده و تنها ناظر به احراز شرایط علمی افراد است و صرف عضویت افراد در شورای نگهبان، تضمین‌کننده احراز صلاحیت ایشان نبوده، در مواردی صلاحیت برخی از اعضای شورای نگهبان برای عضویت در مجلس خبرگان توسط این شورا احراز نشده است.

۱. اصل نود و نهم.

۲. تبصره ۱ ماده ۳: مرجع تشخیص دارا بودن شرایط فوق، فقهای شورای نگهبان قانون اساسی می‌باشند. (قانون

انتخابات مجلس خبرگان رهبری؛ (www.shora-gc.ir/fa/news/1966)

۳. قانون انتخابات مجلس خبرگان رهبری (www.shora-gc.ir/fa/news/1966).

مبانی فقهی مجلس خبرگان

مبنای فقهی مجلس خبرگان و اساس کار آن برگرفته از اصل و روش عقلایی است؛ یعنی همان‌طور که مردم در امور نیازمند تخصص و آگاهی خاص، به متخصص و اهل‌خبره مراجعه می‌کنند، این اصل (رجوع غیرمتخصص به متخصص) از اموری است که عقل هر انسانی آن را تأیید می‌کند و خلاف آن را خروج از معیارهای عقلایی می‌داند. در حقیقت «این ذوق عقلایی» مبنای تمام شئون زندگی اجتماعی مردم است؛ چون هیچ‌کس در تمام شئون زندگی خود صاحب‌نظر نیست و ناچار است در بخشی از شئون زندگی، از دیگران تقلید کند. مثلاً همه هنگام بیماری به پزشک مراجعه می‌کنند و به نظر او اهمیت می‌دهند، حتی خود پزشک نیز ممکن است در مواردی به پزشکان متخصص دیگری مراجعه کند و نظر آن‌ها را معتبر بداند.

پس اساس زندگی اجتماعی و عقلایی مردم بر این اصل استوار است و اگر این اصل نباشد، اصلاً نظام اجتماعی مختل می‌شود. بنابراین، مردم با همین ذوق عقلایی خود، وقتی بدانند که از طرف شارع مقدس فقیه اصلح تعیین شده است؛ اما از آن رو که آنان نه فقاهاست می‌دانند و نه سایر شرایط فقیه را می‌توانند احراز کنند، با ذوق عقلایی خود به خبره رجوع می‌کنند^۱ که همان فقها هستند. بنابراین مراجعه به خبرگان رهبری، با توجه به ماهیت موضوع «تعیین و تشخیص فقیه جامع‌الشرایط برای تصدی رهبری» امری تخصصی است و اهمیت و حساسیت جایگاه موضوع با توجه به گستردگی و شمول نفوذ رهبری در جامعه اسلامی و شناخت معیارها و ضوابط که براساس آن بتوان مصداق اصلی را شناسایی کرد، امری عقلی و روشی عقلایی است. البته برای این سیره و روش عقلا در رجوع به متخصص و اهل‌خبره مؤیداتی از آیات و روایات نیز وجود دارد که این ادله شرعی، ارشاد به همان حکم عقلی هستند. از جمله:

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۲، ص ۵۲.

الف) آیه شریفه ذکر: ﴿فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾؛^۱ «اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید!» این آیه به صراحت می‌گوید: در اموری که تخصص و آگاهی ندارید، به اهل اطلاع و آگاهی یا به تعبیر دیگر، اهل خبره رجوع کنید. علامه طباطبایی^۲ ذیل این آیه شریفه می‌نویسد: «به هر حال آیه مذکور به يك اصل عمومی عقلایی رهنمون می‌کند و آن، اصل رجوع جاهل به اهل خبره است. این حکم تعبّدی نیست و فرمان یافتن جاهل به پرسش از عالم، به خصوص پرسش از اهل ذکر هم امری مولوی و تشریعی نیست و این مطلب آشکاری است.»^۲

ب) آیه شریفه نفر: ﴿فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾؛^۳ «چرا از هر گروهی از آنان (مؤمنان) طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آن‌ها را بیم دهند؟ شاید از مخالفت فرمان پروردگار بترسند و خودداری کنند!» این آیه به دلالت التزامی نشان می‌دهد که قول خبره حجت است، پس پیروی از آن واجب و رجوع به او لازم؛ چراکه اگر باید عده‌ای برای تحصیل معارف دین کوچ کنند و سپس برای تبلیغ دین برگردند و به انداز مردم بپردازند، لابد قول آن‌ها در حق مردم حجت است. از سوی دیگر، مردم نیز برای تحصیل معارف دین باید به کسانی رجوع کنند که در امر دین صاحب نظر و متخصص‌اند.

هم‌چنین انذار زمانی تحقق پیدا می‌کند که پیام از سوی کسی که آگاه به دین است، بیان شود؛ چه این‌که اگر ارائه دین از سوی کسانی باشد که تفقه در دین ندارند و دارای تخصص در فهم دین نیستند، به هیچ وجه موجب انذار نخواهد شد. این مسئله، وجوب عقلی رجوع به اهل خبره را به خوبی نشان می‌دهد.

۱. نحل/۴۳؛ انبیاء/۷.

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۹.

۳. توبه/۱۲۲.

«آیهٔ نفر و انذار خود دلیل مستقلى است که اعتبار و حجیت خبرگان را برای مردم در شناخت رهبر و صفات رهبری ثابت می‌نماید و با توجه به آیه ذکر (فَأَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ) وظیفه به صورت دوطرفه، هم در مورد لزوم رجوع مردم به خبرگان و هم لزوم پاسخ‌گویی از طرف خبرگان و هم چنین لزوم پرورش خبره در جامعهٔ اسلامی، به وضوح معلوم می‌گردد.»^۱

ج) از مهم‌ترین روایاتی که در باب رجوع به اهل خبره در شناسایی رهبر مورد استفاده قرار می‌گیرد و به تعبیری، اساس خبرگان در نظام اسلامی مبتنی بر آن است،^۲ روایت «یعقوب بن شعیب» است که از امام صادق علیه السلام پرسید: آن‌گاه که امام دچار حادثه‌ای می‌شود و از دنیا می‌رود، مردم چه وظیفه‌ای دارند؟ امام در پاسخ وی به استناد آیهٔ نفر فرمودند: کجاست فرمودهٔ خدای عزوجل که: چرا از هر گروهی از آنان (مؤمنان) طایفه‌ای کوچ نمی‌کنند تا در دین آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آن‌ها را بیم دهند؟ شاید بترسند و خودداری کنند! اینان تا هنگامی که در جست‌وجوی شناخت امام‌اند، معذورند و مردمی که در انتظار کسب معرفت از آنان می‌باشند نیز تا برگشت آنان در عذر هستند.^۳ با توجه به تفسیر آیهٔ نفر توسط امام، به خوبی در می‌یابیم که برای شناسایی پیشوای جامعه باید به سراغ کسانی رفت که در این امر کارشناس و به اصطلاح خبره هستند.

در مجموع با بررسی این ادله روشن شد که مبنای فقهی تعیین رهبر (توسط مجلس خبرگان) همان سیرهٔ عقلاست که معمولاً مردم برای رجوع به متخصص اصلح و اعلم، از خبرگان و کارشناسان سؤال می‌کنند و برای این سیره مؤیدات فراوانی از ادلهٔ شرعی و سیرهٔ مشرعیین وجود دارد.^۴ البته نقش خبرگان در واقع نقش شهادت دادن و معرفی کردن رهبر شایسته است؛ یعنی برفرض، در هر زمانی ولی فقیه اصلح برای ادارهٔ جامعهٔ اسلامی از طرف

۱. فقه سیاسی، عمید زنجانی، ج ۱، صص ۴۵۰-۴۵۱.

۲. همان، ص ۴۳۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۱۱، ح ۱.

۴. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۲، ص ۵۳.

امام زمان علیه السلام منصوب شده است؛ ولی مردم او را نمی‌شناسند، برای شناسایی وی ناچار - بنا بر ادله شرعیه و نیز به اقتضای ذوق عقلایی - باید از خبرگان بهره جست.^۱ پس «فقیه‌شناسان (خبرگان رهبری) که مورد وثوق مردم می‌باشند، به تبادل نظر می‌پردازند و پیرامون مبادی و مبانی فقهی و حقوقی رهبری نظام می‌اندیشند و به عنوان بینه، شهادت می‌دهند و یا به عنوان اهل خبره رأی کارشناسی صادر می‌کنند و با شهادت آنان که از حس سرچشمه می‌گیرد و رأی کارشناسی‌شان که از حدس مایه می‌گیرد، فواید فراوان فقهی و حقوقی حاصل می‌شود».^۲

سؤال: آیا رهبری می‌تواند مجلس خبرگان را منحل اعلام کند؟ در صورت مثبت بودن جواب، اگر به طور هم‌زمان، خبرگان رهبری را عزل کند و رهبری مجلس خبرگان را منحل، کدام یک مقدم هستند؟

هرچند وقوع چنین فرضی؛ یعنی هم‌زمانی عزل رهبر از سوی خبرگان و انحلال مجلس خبرگان توسط رهبر، بسیار نادر است؛ اما اگر زمانی چنین امری رخ دهد، نظر و تصمیم مجلس خبرگان ملاک عمل و فصل الخطاب خواهد بود؛ زیرا هرچند ولایت آن فقیه واجد شرایط ثبوتاً و در عالم واقع منبعث از کشف و شناسایی خبرگان نیست؛ بلکه برخاسته از نصب و اذن الهی است؛ ولی از نظر اثباتی و در تحقق و عینیت آن، ولایت چنین فقیهی و لزوم اطاعت و پیروی از او مبتنی بر کشف و شناسایی خبرگان است. بنابراین، به مجرد این‌که خبرگان رهبری رأی به فقدان صلاحیت رهبر داد، دیگر چنین فردی اثباتاً و ولایت ندارد و فرمان او مبنی بر انحلال مجلس خبرگان، فاقد اعتبار خواهد بود. در حقیقت، هرچند ثبوتاً وجود چنین حقی (انحلال مجلس خبرگان)، برای فقیه جامع شرایط که نایب امام زمان علیه السلام است، محذوری ندارد؛ ولی اثباتاً دخالت او در انحلال مجلس خبرگان، محذور قانونی دارد؛ زیرا مشروعیت ولایت فقیه، اثباتاً، در صورتی

۱. همان، صص ۴۹-۵۱.

۲. ولایت فقیه و فقاهت و عدالت، جوادی آملی، صص ۴۴۴-۴۴۵.

که فقط از راه مجلس خبرگان باشد، نه آرای عمومی و بدون واسطه، مرتبط با مجلس مزبور است و با انحلال آن، اصل ولایت فقیه یادشده زیر سؤال می‌رود.^۱

علاوه بر این، خبرگان زمانی عزل رهبر و عدم صلاحیت او را برای رهبری اعلام می‌کنند که پیش از آن مطمئن باشند رهبر صلاحیتش را از دست داده است. مثلاً اگر خبرگان تشخیص دادند رهبر عدالت یا بینش فقهی یا توانایی اداره امور اجتماعی را از دست داده، عزل او را اعلام می‌کنند. روشن است پیش از اطمینان از عدم صلاحیت وی، برکنار شدن او از ولایت و اعلام عدم صلاحیتش از ناحیه خبرگان، پیش نخواهد آمد، پس اعلام عزل رهبری امری است که قبلاً برای خبرگان مشخص شده، سپس اعلام می‌گردد.^۲

بنابراین، محذور هم‌زمانی انحلال مجلس خبرگان توسط رهبر و عزل رهبر از سوی خبرگان، از دو جهت پیش نخواهد آمد: یک، هرچند در مقام ثبوت و در عالم واقع ولایت فقیه برخاسته از اذن و نصب الهی است و کشف و شناسایی خبرگان در ثبوت مشروعیت برای رهبر نقشی ندارد؛ ولی در مقام اثبات و تحقق خارجی، ولایت فقیه جامع شرایط منوط به کشف و شناسایی خبرگان است. از این‌رو، به مجرد این‌که مجلس خبرگان رهبر را به دلیل فقدان صلاحیت، عزل و برکنار نمود، دیگر چنین فردی اثباتاً ولایت ندارد تا بتواند مجلس خبرگان را منحل کند و در نتیجه، انحلال مجلس خبرگان توسط وی فاقد اعتبار خواهد بود و اثری نخواهد داشت.

دو: عزل رهبر توسط خبرگان زمانی اعلام می‌شود که عدم صلاحیت رهبر برای رهبری پیش از آن برای خبرگان به اثبات رسیده باشد. بنابراین در صورت هم‌زمانی عزل و انحلال، با توجه به این‌که عزل از سوی خبرگان مسبوق به احراز عدم صلاحیت وی برای رهبری بوده است، انحلال مجلس خبرگان توسط رهبر بی‌اثر خواهد بود.

۱. همان، ص ۴۵۸.

۲. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۲، ص ۶۳.

سؤال: چرا در مورد انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، محدودیت جغرافیایی گذاشته شده است؟

باید متذکر شویم که قانون اساسی در باب مجلس خبرگان به کلیات بسنده نموده است^۱ و در این کلیات مشخص کرده که اولاً خبرگان باید نماینده ملت و از جانب مردم و با رأی مستقیم آنها انتخاب شوند؛ ثانیاً آنها باید در شناسایی رهبر و شرایط و صفات لازم برای رهبری، متخصص، کارشناس و خبره باشند؛ ثالثاً شناسایی و گزینش رهبر بر اثر شرایط و برکناری ایشان در صورت از دست دادن شرایط لازم، در حیطه وظایف و اختیارات این مجلس است.^۲

مجلس خبرگان یکی از نهادهای نظام است که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند و تعداد نمایندگان مجلس با در نظر گرفتن جمعیت هر استان، به ازای هر یک میلیون نفر جمعیت، یک نفر می‌باشد.^۳ به این ترتیب که برای هر استان یک نفر انتخاب می‌شود. مگر در استان‌هایی که بیش از یک میلیون جمعیت دارند که به نسبت هر پانصد هزار نفر، یک نماینده افزوده خواهد شد و در واقع، برای تعداد خبرگان دو مبنا در نظر گرفته شده است: اول، واحد جغرافیایی و دیگری، عامل جمعیت. بنابراین، با وجود این که مجلس خبرگان با حضور افراد خبره و کارشناس در دین، یک مجلس کارشناسی است و آنان رسالت تشخیص، انتخاب و معرفی رهبر را برعهده دارند؛ اما در حقیقت مجلس خبرگان یک جنبه دیگر را نیز در خود دارد و آن، مقبولیت مردمی رهبر است که در اینجا به طور غیر مستقیم صورت می‌گیرد.

امام خمینی علیه السلام در رابطه با همین مقبولیت مردمی، ولی فقیه و نقش مردم، در جواب استفتائی می‌فرماید: «تولی امور مسلمین و تشکیل حکومت بستگی به آرای اکثریت مسلمین دارد.»^۴ و مجلس خبرگان با توجه به این که نمایندگان آن از سوی مردم انتخاب

۱. ر.ک: اصل یکصد و هفتم و یکصد و هشتم قانون اساسی.

۲. حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی، جلال الدین مدنی، ج ۲، ص ۲۷۲.

۳. ماده ۱ قانون انتخابات، تعداد و شرایط خبرگان.

۴. مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، مصطفی کواکبیان، سند شماره ۶۵۷.

می‌شوند، از یک لحاظ با انتخاب رهبر مقبولیت مردمی ولیّ فقیه را به منصفه ظهور می‌رسانند. بدین ترتیب، تنها به معیار خبره و مجتهد بودن نمایندگان، نباید بسنده کرد؛ بلکه به نماینده بودن آنان از سوی مردم و ملاک قرار دادن جمعیت در موقعیت‌های جغرافیای نیز باید توجه نمود؛ زیرا همان‌طوری که اشاره شد، رهبری که نمایندگان مجلس خبرگان آن را انتخاب و معرفی می‌کنند، در واقع مقبولیت مردمی آن را هم به اثبات می‌رسانند و بنا بر نظر آیت‌الله خامنه‌ای علیه السلام: رأی مردم لا اقل پایه اعمال مشروعیت است.^۹

در واقع، ولایت رهبر با رأی مردم محقق می‌شود یا تحقق عینی خواهد یافت و این رأی آحاد مردم در مناطق مختلف با توجه به نسبت جمعیت آن را می‌طلبد، پس در اینجا تنها خبره بودن و وجود تعداد بیش‌تر آنان در هر منطقه‌ای ملاک نمی‌باشد؛ بلکه نسبت جمعیت نیز در تشکیل مجلس خبرگان دخالت دارد تا رهبر و ولیّ فقیه مقبولیت مردمی را نیز داشته باشد. البته برای اعمال حق انتخاب مردم، می‌باید معیار جمعیت و نسبت تعداد منتخبین رعایت گردد.

سؤال: در انتخابات خبرگان رهبری، صلاحیت کاندیدا توسط شورای نگهبان احراز می‌گردد. خواهشمند است توضیح بفرمایید با توجه به این که اعضای شورای نگهبان توسط رهبری انتخاب و انتصاب می‌شوند، آیا این قضیه دور نمی‌شود؟

به‌طور کلی، در اندیشه‌های سیاسی، در مهار قدرت دوروش پیشنهاد شده است:

۱. ساز و کار درونی مهار قدرت (نظارت درونی): به معنای فرض وجود ویژگی‌های شخصی در فرد که به کمک آن‌ها می‌تواند در برابر وسوسه سوءاستفاده از قدرت مقاومت کند؛

۲. ساز و کار بیرونی مهار قدرت (نظارت بیرونی): یعنی اتخاذ روش‌هایی که ضمن جلوگیری از تمرکز قدرت، آن را با مسئولیت همراه سازد و نهادی بشری بر آن بگمارد.^۱

از امتیازات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - که برگرفته از نظام سیاسی اسلام است -

۱. امام خمینی علیه السلام و حکومت اسلامی، فلسفه سیاسی، ج ۲، ص ۱۲۱.

تکیه بر عدالت، تقوا و فقاہت در مسئولان بلندپایه نظام به عنوان نظارت درونی است. در واقع، نظارت درونی در نظام اسلامی، به عنوان کنترل کننده اصلی مدنظر است و نظارت بیرونی، متناسب با نظارت درونی در نظر گرفته شده؛ چراکه نظارت‌های بیرونی هر قدر قوی باشند، بدون تکیه بر نظارت درونی، برای کنترل افراد کافی نیستند، در حالی که کنترل درونی بدون نیاز به هیچ نظارت بیرونی می‌تواند انسان را از تخلف از قوانین و سوءاستفاده از قدرت بازدارد. بنابراین، کسانی که تلاش می‌کنند در نظام اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه دقیقاً همان اهرم‌های نظارتی بیرونی به کار گرفته شود، از این نکته اساسی غافل هستند که در نظام‌های سیاسی غیراسلامی، نظارت درونی هیچ محلی از اعراب ندارد؛ به همین دلیل کفه نظارت‌های بیرونی را سنگین کرده‌اند. در نظامی که نظارت درونی به عنوان کنترل کننده اصلی مدنظر است، نظارتی از بیرون متناسب با آن نظارت دورنی موجود می‌طلبد.^۱

با توجه به این نکته، در جواب این سؤال باید گفت: در قانون اساسی جمهوری اسلامی ساز و کارهایی در نظر گرفته شده است که امکان سوءاستفاده رهبر را منتفی می‌کند و زمینه نظارت بی طرفانه مجلس خبرگان را فراهم می‌سازد. اولاً براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها، شورایی به نام شورای نگهبان، با ترکیب شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات زمان و مسائل روز به انتخاب رهبری و شش نفر حقوقدان در رشته‌های مختلف حقوقی، از میان حقوقدانان مسلمانی که به وسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی شده و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند، تشکیل می‌شود.^۲

بنابراین، تنها فقهای شورای نگهبان توسط رهبر تعیین می‌شوند و شش نفر دیگر، از حقوقدانانی هستند که با رأی مجلس انتخاب می‌شوند. در نتیجه، عملاً اشکال تبانی و

۱. همان، ص ۲۷۴.

۲. قانون اساسی، اصل ۹۱.

سوءاستفاده رهبر، منتفی می‌شود. علاوه بر این، افرادی که توسط رهبری برای شورای نگهبان انتخاب می‌شوند، دارای شرایط ویژه‌ای هستند، از جمله: فقاقت و عدالت. فقاقت به معنای علم به احکام کلی اسلام و استنباط احکام شرعی است که آن‌ها را در تصمیم‌گیری آگاهانه یاری می‌نماید و عدالت به معنای شایستگی روحی و اخلاقی، به‌گونه‌ای که تحت تأثیر هواهای نفسانی، تهدیدها و تطمیع‌ها قرار نگیرند. این دو شرط، عاملی برای کنترل و نظارت درونی این افراد هستند، پس با وجود شرط فقاقت و عدالت، احتمال این‌که افرادی به مجلس خبرگان راه پیدا کنند که مطیع محض رهبر باشند، منتفی می‌شود؛ چراکه این افراد فقیه و مجتهد هستند، نه مقلد رهبر در انتخاب اعضای مجلس خبرگان و عدالت آنان احتمال انحراف و سوءاستفاده از قدرت را در آنان منتفی می‌کند.

ثانیاً، در نظام جمهوری اسلامی ایران، رهبر دارای شرایط ویژه‌ای است: «صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری».^۱

بدیهی است، عدالت و تقوا که در مفهوم دارای مراتب است، وقتی به عنوان شرطی برای عالی‌ترین نهاد حکومت قرار می‌گیرد، باید بالاترین مرتبه آن لحاظ شود. به این ترتیب، یک ناظر درونی مرتباً و دائماً عالی‌ترین مقام در نظام جمهوری اسلامی ایران را نظارت می‌کند و رفتار او را تحت کنترل دارد و در صورت ارتکاب هر عملی که با این دو شرط منافات داشته باشد، ولایت و اقتدار آن شخص، خودبه‌خود منتفی شده، عزل می‌شود.^۲

از آنجا که اعمال و رفتار رهبر در مرئی و منظر افراد جامعه است و کوچک‌ترین خطا و انحراف وی پوشیده نمی‌ماند، در صورت ساقط شدن از عدالت یا فقدان شرایط، این امر بر

۱. قانون اساسی، اصل ۱۰۹.

۲. بررسی فقهی - حقوقی شورای نگهبان، فرج‌الله هدایت‌نیا و محمدهادی کاویانی، ص ۲۲۲.

همگان مشخص خواهد بود و ولایت ایشان ساقط می‌شود. علاوه بر این که قانون در کنار این نظارت درونی بر اعمال رهبر، نظارت بیرونی را نیز در نظر گرفته است. «امر به معروف و نهی از منکر» در واقع نظارت عمومی و همگانی بر مسئولان نظام، از جمله رهبر است. نظارت مالی رئیس قوه قضائیه بر اموال مقامات عالی رتبه نظام، از جمله رهبر^۱ و نظارت مجلس خبرگان رهبری^۲، با توجه به این که از شرایط اعضای مجلس خبرگان، عدالت و فقاہت است، این شرط سبب می‌شود که احتمال انحراف و سوءاستفاده و کوتاهی در انجام وظایف را در آنان به حداقل برساند.

در کنار این نظارت‌ها، علمای دین نیز - که پاسداران احکام اسلام هستند- در صورت مشاهده هرگونه اشتباه یا انحراف، در برابر آن می‌ایستند و به وظیفه الهی خویش عمل می‌کنند. بنابراین، در نظام اسلامی و مطابق قانون اساسی، برای رفع هرگونه سوءاستفاده از قدرت و مهار آن، ساز و کارهای نظارت درونی و بیرونی به گونه‌ای مناسب و شایسته در نظر گرفته شده است که احتمال انحراف و سوءاستفاده از قدرت را در نظام اسلامی به کم‌ترین میزان کاهش می‌دهد. به طوری که نوعاً عقلاً به این احتمال ضعیف اعتنا نمی‌کنند.

مقایسه مکانیزم‌های نظارت و مهار قدرت در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با سایر نظام‌های سیاسی دنیا و بررسی عملکرد ۲۵ ساله نظام کافی است تا هر ناظر منصفی را به این حقیقت معترف سازد که سیستم نظارتی نظام جمهوری اسلامی، کامل‌ترین و بهترین شیوه نظارت بر عملکرد مسئولین نظام و در رأس آن‌ها «رهبری» را ارائه داده است. علاوه بر این که «ضمانت اجرا در سطوح عالی سیاسی، عبارت است از قرار گرفتن همه نهادها در یک دایره بسته تا هر نهاد همان‌طور که بر اجرای وظایف قانونی نهاد دیگری نظارت می‌کند، خود با نهاد دیگری مورد نظارت قرار گیرد. نهادهای سیاسی بایستی به نحوی در حلقه بسته حاکمیت جای

۱. قانون اساسی، اصل ۱۴۲.

۲. قانون اساسی، اصل ۱۱۱.

گیرند تا بتوانند با استفاده از ابزارهای لازم همدیگر را به انجام وظایف یکدیگر وادار کنند.»^۱ در غیر این صورت، در نهادهای نظارتی تسلسل لازم می‌آید. بنابراین، چاره‌ای جز اعتماد به یک نهاد نظارتی در رأس نداریم و در نظام اسلامی، از آنجا که ساز و کارها و مکانیزم‌های نظارت بیرونی به عنوان مکمل نظارت درونی، ضریب اطمینان تا حد قابل ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند و احتمال انحراف و سوءاستفاده از قدرت به کم‌ترین میزان ممکن تنزل پیدا می‌کند که عقلاً به این احتمال ضعیف اعتنا نمی‌کنند و وجود آن در حد عدم است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. فرج الله هدایت‌نیا و محمدهادی کاویانی، بررسی فقهی - حقوقی شورای نگهبان، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران، ۱۳۸۰ش، صص ۷۰-۷۸ و ۲۱۵-۲۲۳
۲. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۷ش، ج ۲، صص ۲۹۱-۲۹۲ و ۴۲۸-۴۶۱
۳. مصطفی ناصحی، ولایت فقیه و تفکیک قوا، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۸ش، صص ۱۵۱-۲۱۸.

۱. بررسی فقهی - حقوقی شورای نگهبان، ص ۲۲۳.

سؤال: اگر ولی فقیه، نماینده امام زمان علیه السلام روی زمین و ولی امر همه مسلمانان جهان است، پس چرا در قانون اساسی نمایندگان مجلس خبرگان باید ایرانی باشند؟

ولی فقیه نماینده حضرت ولی عصر و نایب الامام است؛ اما این که باید ایرانی باشد؛ چنین نیست و از نظر قانون اساسی شرط ولایت فقیه، ایرانی بودن نیست و اصل پنجم و نیز ۱۰۹ قانون اساسی که شرایط ولی فقیه را بیان کرده اند، چنین شرطی را ذکر نکرده اند. دلیل آن هم این است که امام زمان که ولی فقیه را نصب کرده اند، چنین شرطی را برای او ذکر نکرده اند و ما نمی توانیم چنین شرطی را که جنبه ملی گرایانه دارد، اضافه کنیم؛ اما در خصوص ایرانی بودن نمایندگان مجلس خبرگان؛ چون شأن خبرگان، کارشناسی می باشد؛ یعنی کارشان شناسایی و کشف ولی فقیه است، در واقع ولی فقیه منصوب و مأذون از ناحیه معصوم می باشد. با این وجود، مجلس خبرگان وکیل مردم ایران است و مردم طبق قانون اساسی^۱ خواسته اند از جمله شرایط وکلای شان که این وظیفه شناسایی را برعهده دارند، ایرانی باشند. هر چند الزام یا منع شرعی ندارد؛ اما مردم ایران برای این که مقبولیت ایرانی ولی فقیه را اثبات کنند، شرط کرده اند که خبرگان نیز ایرانی باشند. بنابراین، شرط مذکور بیش تر به این جهت است که اثبات کند ولی فقیه شرعی، به طور خدشه ناپذیری مقبول ملت ایران است؛ اما در واقع، ولایت ولی فقیه با شرایطی که در او تعیین شده و مردم به او اقبال کرده اند، در خصوص حکومت محقق می شود. در عین حال، هیچ منعی وجود ندارد که سایر ملت ها نیز خبرگانی برگزینند و با ولی فقیه بیعت کنند؛ چون ولایت فقیه مانند مرجعیت، مرز و منطقه جغرافیایی ندارد.

خبرگان رهبری، نماد جمهوریت و اسلامیت نظام

مجلس خبرگان رهبری از نهادهای اساسی در نظام جمهوری اسلامی و دارای جایگاه بسیار مهم و حیاتی است. اهمیت فوق العاده این مجلس آن است که مطابق قانون اساسی،

۱. قانون اساسی، اصل ۱۰۷ و ۱۱۱.

وظایف مهم تعیین رهبر و نظارت بر استمرار شرایط رهبری را برعهده دارد. از این رو، به همان اندازه که رهبری در نظام جمهوری اسلامی جایگاه بلندی دارد، نقش مجلس خبرگان نیز بسیار حساس و حیاتی است.

در حقیقت، مجلس خبرگان رهبری، پیونددهنده مظهر و نماد تبلور جمهوریت و اسلامیت نظام جمهوری اسلامی ایران است. در زمینه جایگاه و نقش مجلس خبرگان و کارکردهای آن، در محافل علمی و سیاسی و غیر آن مباحث مختلفی مطرح شده است که در مواردی خالی از ابهامات و اشکالات نیست؛ برخی مطرح کرده‌اند: «چرا باید مجلس خبرگان در انحصار روحانیت بوده و قشر وسیعی از خبرگان ملت از حضور در بالاترین نهاد مدیریت نظام محروم باشند؟ تنگ شدن دایره انتخاب شوندگان به مجتهدین در بهترین حالت، مجلس خبرگان ملت را به مجلس خبرگان روحانیت تنزل خواهد داد».^۱

به نظر می‌رسد اگر درک صحیحی از شرایط و ویژگی‌های رهبری در نظام اسلامی داشته باشیم، تصدیق خواهیم کرد که ترکیب مجلس خبرگان و حضور فقها در آن، با شرایط و ویژگی‌های رهبر هماهنگی کامل دارد؛ زیرا اساسی‌ترین ویژگی رهبر جامعه اسلامی، فقاہت اوست و تأثیری که این شرط از میان دیگر شروط بر اداره و اجرای منویات نظام اسلامی بر جای می‌گذارد، از آن رکنی بی‌بدیل ساخته و در واقع همین فقاہت، جهت‌دهنده سیاست، مدیریت و تدبیر ولی فقیه است؛ مسئولیت مهمی که برعهده خبرگان گذاشته شده، تشخیص «فقیه جامع الشرایط» برای رهبری است و فلسفه وجودی خبرگان و مبنای رجوع مردم به ایشان، همین امر می‌باشد. از این رو، خبرگان رهبری وجود شرایط و ویژگی‌هایی با محوریت فقاہت در رهبر، باید خود واجد مرتبه‌ای از شرایط رهبری، به‌ویژه اجتهاد به عنوان ویژگی محوری آن باشند.

به بیان دیگر: «چون محور اساسی جمهوری اسلامی، فقاہت است، سیاست فقیه جامع الشرایط، سیاستی است که با دیانت هماهنگ باشد. اگر قرار باشد فقیه‌ی دارای صفات

۱. دموکراتیزاسیون خبرگان رهبری، علیرضا کفش‌کنان، سایت ادوار نیوز.

فقاہت، عدالت، سیاست، تدبیر و... تعیین شود، خبرگان نیز باید دارای چنین جامعیتی در حد نازل آن باشند تا بتوانند فقیه جامع الشرایط را تشخیص دهند.^۱ بنابراین، هیچ‌گاه نمی‌توان شرایط رهبر را از هم تفکیک کرد و برای تشخیص هریک، کارشناسانی را گمارد. ضمن آن‌که حضور متخصصان غیرمجتهد در مجلس خبرگان، از لحاظ راهکار اجرایی نیز موجب بروز برخی مشکلات می‌شود؛ زیرا افراد مزبور باید صلاحیت اظهارنظر دربارهٔ افرادی را که شایستهٔ رهبری هستند، داشته باشند. از این رو، دربارهٔ هر شخصی باید دوبار رأی گرفته شود؛ یکبار برای تشخیص اجتهاد و بار دیگر برای احراز دیگر صفاتی که متخصصان غیرمجتهد، متکفل شناخت آن‌ها هستند.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که جمع بین این دو دسته رأی باید چگونه باشد؟ یا حد نصاب و اهمیت هریک از ویژگی‌ها (اجتهاد و دیگر شرایط) نسبت به یکدیگر در چه مرتبه‌ای قرار دارد؟ در صورت تعارض و تراحم آرای مجتهدان با دیگر تخصص‌ها، چه باید کرد؟^۲ علاوه بر این، اگر زمانی نیاز به مشورت با متخصصان باشد، در کمیسیون‌ها و در مشورت‌ها، از نظر آنان استفاده می‌شود و این از مصوبات خود مجلس خبرگان است.^۳

سزاوار است در اینجا اشاره کنیم رهبر در نظام اسلامی از ویژگی‌هایی برخوردار است که ریاست‌های نظام‌های سیاسی دیگر از آن بی‌بهره‌اند: «رهبر در نظام اسلامی از ساز و کارهای قوی درونی کنترل قدرت، هم‌چون عدالت و اسلام‌شناسی برخوردار است و این دو علاوه بر مکانیزم بیرونی کنترل قدرت که در قانون اساسی وجود دارد، به صورت جدی رهبر را در برابر آفات قدرت ایمن می‌سازند.»^۴

بنابراین «وجود ویژگی‌هایی هم‌چون عدالت و فقاہت در فقیه جامع شرایط رهبری، سبب

۱. ولایت فقیه ولایت و فقاہت و عدالت، ص ۴۵۶.

۲. پرسش‌ها و پاسخ‌هایی دربارهٔ مجلس خبرگان، جمعی از محققان، ص ۶۹.

۳. ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، ص ۴۵۶.

۴. حکومت دینی، حمیدرضا شاکرین، ص ۱۳۴.

ضعیف شدن احتمال سوءاستفاده از قدرت درونی شده و در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی فرض نادر نیز شده است، ولذا علاوه بر این ویژگی‌های درونی، اولاً یک سلسله وظایف و اختیاراتی برای رهبر معین نموده و ثانیاً مجلسی به نام مجلس خبرگان معین نموده است که متشکل از کارشناسان فقهات و عدالت و تدبیر و سیاست می‌باشند تا پس از شناخت و تعیین و معرفی فقیه جامع الشرایط، کارهای رهبر را برابر وظایف و اختیاراتی که قانون اساسی به او داده، ارزیابی کنند»^۱.

علاوه بر این، رهبری در اسلام، نه مادام‌العمر؛ بلکه مادام‌الصلاحیت است.^۲ به این معنا که ولی فقیه تا زمانی که صفات ولایت فقیه را دارا باشد، از مشروعیت برخوردار است و هرگاه صفات را از دست بدهد، خودبه‌خود از ولایت ساقط می‌شود. در این میان، نظارت شورای نگهبان که خود منتخب رهبری است، در خصوص امر انتخابات و تأیید صلاحیت خبرگان که مافوق رهبری است، ایرادی مثل دور باطل را پیش نمی‌آورد؛ زیرا:

اولاً این اشکال به‌گونه‌ای به تمام نظام‌های سیاسی وارد است و اختصاصی به کشور ما ندارد؛ زیرا وظیفه نظارت و دخالت در امور انتخابات در نهایت به یک نهاد یا گروهی سپرده می‌شود که خود به نوعی در ساختار قدرت سهیم هستند. بنابراین، باید معتقد باشیم که به ساختار دموکراتیک انتخابات در تمام کشورها لطمه وارد می‌شود؛ زیرا «در انتخابات دیگر کشورهای دنیا، از جمله در سه مدل عمده لیبرال دموکراسی؛ یعنی ریاست‌جمهوری در آمریکا، پارلمانی در انگلستان و نیمه ریاستی - نیمه پارلمانی در فرانسه نیز چنین اشکالی وجود دارد. به عنوان نمونه، براساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، پس از انجام مبارزه انتخاباتی و تعیین نامزدهای هریک از احزاب برای هیئت انتخاب کنندگان» مردم هیئت انتخاب کنندگان رئیس‌جمهوری را بر می‌گزینند. نظارت قانونی بر این روند با وزارت کشور

۱. ولایت فقیه ولایت و فقهات و عدالت، ص ۴۸۰.

۲. همان، صص ۴۰۸-۴۰۹.

صورت می‌گیرد و وزیر کشور نیز به‌وسیله رئیس‌جمهور تعیین می‌شود. بنابراین، این موضوع در انتخابات رؤسای کشورهای دیگر نیز وجود دارد و اختصاص به انتخابات خبرگان رهبری ندارد.^۱

ثانیاً وجود چنین روندی در قوانین اساسی و انتخابات کشورها، از جمله کشور ما، اساساً دور نیست؛ زیرا دور هنگامی تحقق می‌یابد که شورای نگهبان مستقیماً خبرگان رهبری را برگزینند یا در کشورهای دیگر، وزارت کشور مستقیماً نمایندگان مجلس یا رئیس‌جمهور را تعیین کنند. در حالی که وظیفه شورای نگهبان (در کشور ما) و وزارت کشور (در دیگر کشورها) تنها تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای انتخاباتی است و در نهایت، این مردم هستند که آنان را بر می‌گزینند. بنابراین، حلقه دور باز است و اساساً در عمل دوری تحقق پیدا نمی‌کند.^۲ بنابراین، دخالت و نظارت شورای نگهبان بر انتخابات مجلس خبرگان و تأیید یا رد صلاحیت نامزدهای آن، به هیچ وجه با ساختار دموکراتیک انتخابات منافاتی ندارد؛ زیرا در نهایت، این مردم هستند که اعضای مجلس خبرگان را با رأی خود انتخاب می‌کنند.

ثالثاً شرایط دور باطل در اینجا وجود ندارد؛ زیرا در دور باطل، نحوه وابستگی دو پدیده به یکدیگر باید یکسان باشد. به عنوان مثال: در دور فلسفی، اولی علت ایجاد دومی و دومی علت ایجاد اولی باشد؛ اما اگر به‌گونه‌های متفاوتی دو پدیده نسبت به یکدیگر وابستگی پیدا کنند، دور باطل نیست؛ بلکه وابستگی متقابل است و چنین چیزی، هم در نظام تکوین و علوم طبیعی پذیرفته شده و منطقی است و هم در تمام نظام‌های حقوقی جهان، به اشکال گوناگون وجود دارد. بنابراین، اگر نسبت شورای نگهبان و خبرگان همان نسبتی بود که خبرگان با رهبری دارد، ادعای چنین دور باطلی قابل قبول بود؛ یعنی به این شکل که رهبر، شورای نگهبان را تعیین و نصب کند و شورای نگهبان، مجلس خبرگان را تعیین و نصب کند و خبرگان نیز رهبر را

۱. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مرتضی مرقدی، صص ۱۱۰-۱۱۳.

۲. نظارت استصوابی و شبهه دور، محمدرضا مرندي، ص ۵۰.

تعیین و نصب کند. در حالی که واقعیت چنین نیست؛ زیرا مجلس خبرگان از سوی شورای نگهبان انتخاب و نصب نمی‌شوند؛ بلکه اعضای مجلس خبرگان با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شوند.

علاوه بر این که خبرگان نیز رهبر را نصب نمی‌کنند؛ زیرا «در نظام اسلامی اعتبار و مشروعیت نظام و رهبر برگرفته و ناشی از رأی خبرگان نیست و خبرگان مقام ولایت را به رهبر اعطا نمی‌کنند؛ بلکه وظیفه خبرگان فقط تشخیص مصداق رهبری الهی بوده، نصب و مشروعیت او از ناحیه خداوند است.^۱ بنابراین، نظارت و دخالت شورای نگهبان در انتخابات مجلس خبرگان، خالی از شائبه و اشکال دور باطل است و با توجه به این که قانون اساسی^۲ وظیفه نظارت بر تمام انتخابات، از جمله انتخابات مجلس خبرگان را بر عهده شورای نگهبان قرار داده و با نظر به این که قانون اساسی مورد تأیید اکثریت قریب به اتفاق مردم قرار گرفته است و اعضای مجلس خبرگان با رأی مردم انتخاب می‌شوند، چنین ساز و کاری به هیچ وجه ساختار دموکراتیک انتخابات را با مشکل مواجه نمی‌کند و دقیقاً در راستای ساختار دموکراتیک پذیرفته شده در نظام جمهوری اسلامی می‌باشد.

سؤال: در نظریه انتخاب، در واقع خبرگان وکیل مردم‌اند تا رهبر را انتخاب کنند. آیا در نظریه انتصاب نیز خبرگان برای شهادت اصلح وکیل مردم‌اند؟

همان‌طور که اشاره کردید، در نظریه انتصاب، خبرگان از سوی ملت برگزیده می‌شوند تا با نظر کارشناسی خود، فقیهی را از میان فقهای که به ولایت منصوب شده‌اند، برگزینند. بنابراین، آن‌ها وکیل و نماینده مردم هستند تا به جای آن‌ها و از جایگاه يك متخصص، رهبر واجد صلاحیت را شناسایی کنند. تنها تفاوت در این است که بنابر نظریه انتخاب، ولی فقیه

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱، ص ۸۸.

۲. قانون اساسی، اصل ۹۹.

مشروعیت خود را از رأی مردم به دست می‌آورد؛ اما در نظریه انتصاب، مشروعیت رهبر از سوی خداوند است و مردم توسط کارشناسان فقیه، از میان فقهای منصوب با یکی بیعت می‌کنند که از ویژگی‌های مناسب‌تری برای رهبری برخوردار است.

برای مطالعه بیشتر در این خصوص به منابع زیر مراجعه کنید:

۱. ولایت فقیه، عبدالله جوادی آملی، مؤسسه اسراء.
۲. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، محمدتقی مصباح، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۳. نگاهی گذرا به ولایت فقیه، محمدتقی مصباح یزدی، مؤسسه آموزشی - پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

سؤال: در مورد لزوم اجتهاد کاندیداهای مجلس خبرگان و نیز مرد یا زن بودن آن‌ها توضیح دهید!

دلیل این امر را باید در ماهیت نظام جمهوری اسلامی، مجلس خبرگان و شرایط و ویژگی‌های مقام رهبری در نظام اسلامی جست؛ چه این‌که «نظام ما براساس ارزش‌های اسلامی شکل گرفته و محتوای آن باید اسلامی باشد. برای رسیدن به این هدف، در رأس این نظام باید کسی قرار بگیرد که بیش از دیگران به مبانی اسلام و نحوه اجرای آن آشنا باشد و این همان مسئله ولایت فقیه است که ضامن اسلامی بودن نظام است. حال با توجه به این‌که وظیفه اصلی مجلس خبرگان، تشخیص فرد مناسب برای تصدی مقام ولایت است، به نظر می‌رسد عاقلانه‌ترین و منصفانه‌ترین راه این است که اعضای خبرگان کسانی باشند که خود در فقهت دستی دارند. مثلاً اگر از من و شما بپرسند: بهترین قاضی ایران کیست؟ قطعاً برای دریافت بهترین پاسخ باید به سراغ قضات برویم؛ یعنی جواب این سؤال از عهده هرکسی بر نمی‌آید و فقط کسانی می‌توانند بهترین قاضی را معرفی کنند که خود در این موضوع تبحر داشته باشند. هم‌چنین اگر به ما بگویند: بهترین استاد دانشگاه در فلان رشته کیست؟ باید جواب را از استادان دانشگاه گرفت. کسانی توان تشخیص اصلح (شایسته‌ترین) برای تصدی مقام ولایت فقیه را دارند که خود بهره‌ای از شرایط آن مقام و منصب داشته باشند و از آن ویژگی‌ها - هرچند در مرتبه‌ای پایین‌تر - بهره‌مند باشند»^۱.

بنابراین، اعضای مجلس خبرگان باید در کنار فقهت و اجتهاد، مرتبه‌ای از شرایط رهبری را دارا باشند؛ یعنی حد نصابی از فقهت، آگاهی به مصالح اجتماعی و سیاسی و تدبیر و عدالت و... چراکه: «اگر قرار است فقیهی دارای صفات فقهت، عدالت، سیاست، تدبیر و... تعیین شود، خبرگان نیز باید دارای چنین جامعیتی در حد نازل باشند تا بتوانند فقیه جامع الشرایط را تشخیص دهند، یکی از شرایط خبرگان رهبری آن است که در شناخت اوصاف معتبر در رهبری توانایی

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱، ص ۸۹.

داشته باشند.^۱ از این رو، در ماده سوم قانون انتخابات مجلس خبرگان آمده است: «خبرگان منتخب مردم باید دارای این شرایط باشند: ۱. اشتهار به دیانت و وثوق و شایستگی اخلاقی؛ ۲. اجتهاد در حدی که قدرت استنباط بعضی مسائل فقهی را داشته باشد و بتواند ولی فقیه واجد شرایط رهبری را تشخیص دهد؛ ۳. بینش سیاسی و اجتماعی و آشنایی با مسائل روز؛ ۴. معتقد بودن به نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ۵. نداشتن سوابق سوء سیاسی و اجتماعی».^۲

به تعبیری دیگر، اعضای مجلس خبرگان صرفاً مجتهدند؛ اما مجتهد صرف نیستند؛ بلکه علاوه بر فقاہت و اجتهاد، واجد مرتبه‌ای از شرایط رهبری هستند و آن سه شرطی که حد اعلا و مرتبه کاملش در رهبر وجود دارد، در مرتبه نازل ترش در خبرگان نیز باید باشد، پس اعضای مجلس خبرگان باید فقیه، عادل و آشنای به سیاست و اداره جامعه باشند. علاوه بر این‌ها برای رهبری شرایطی ویژه در نظر گرفته شده است و براساس قانون اساسی «شرایط و صفات رهبر: ۱. صلاحیت علمی لازم برای افتاء در ابواب مختلف فقه؛ ۲. عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلام؛ ۳. بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت و قدرت کافی برای رهبری است».^۳

اما این سه شرط در عرض هم اعتبار ندارند و فقاہت در میان این شرایط از اهمیت بیش تری برخوردار است. آنچه نظام اسلامی را از سایر نظام‌های سیاسی جدا می‌کند، نه مدیریت و نه تدبیر و سیاست رهبر؛ بلکه مدیریت و سیاستی است که برخاسته از دیانت و فقاہت او باشد. از این رو، فقاہت در رأس این صفات و شرایط قرار دارد و روشن است که برای شناسایی و تشخیص چنین رهبری، باید کسانی وجود داشته باشند که خود در فقاہت دستی داشته و با مبانی اسلام آشنایی داشته باشند.

۱. ولایت فقیه ولایت فقاہت و عدالت، ص ۴۵۶.

۲. مجله حکومت اسلامی، سال سوم، شماره دوم (۸)، ص ۱۱۰.

۳. قانون اساسی، اصل ۱۰۹.

«ما معتقدیم آنچه عنصر اصلی نظام را تشکیل می‌دهد، اسلام است. مدیریت در همه کشورهای هست. چنان نیست که در دیگر کشورها - که نظام‌شان اسلامی نیست - شخص اول مملکت مدیر نباشد، پس از این جهت امتیازی بر دیگران نداریم. امتیاز و صبغه ویژه کشور و نظام ما، اسلامی بودن است؛ یعنی آنچه بیش از همه بر آن تأکید می‌کنیم، اسلامی بودن نظام است. آنچه برای رهبر بیش از همه لازم است، فقاقت است. از این رو می‌گوییم ولی فقیه و نمی‌گوییم ولی عادل. البته رهبر باید عادل نیز باشد. نمی‌گوییم ولی سیاسی (سیاستمدار)، اگرچه رهبر باید به سیاست نیز آشنا باشد، پس تأکید ما بر کلمه فقیه از آن روست که عنصر اصلی در نظام ما، اسلام است و فقیه؛ یعنی اسلام‌شناس»^۱.

البته تأکید بر فقاقت به معنای نادیده گرفتن سایر شرایط در خبرگان رهبری نیست؛ بلکه همان‌طور که اشاره کردیم، خبرگان رهبری باید علاوه بر فقاقت، واجد مرتبه‌ای از شرایط رهبری باشند تا زمینه شناخت دقیق و توانایی تشخیص اوصاف معتبر در رهبری برای آن‌ها فراهم گردد و تجربه طلایی سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، بیانگر این حقیقت است که عموم نمایندگان مجلس خبرگان افرادی هستند فقیه، زمان آشنا و آگاه به ویژگی‌های شخصیتی افراد که در صحنه‌های مختلف حاضر بوده، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از صفات و روحیات مسئولان آگاهی دارند. از این رو، از ویژگی‌های علمی و فقاقتی، سابقه توانمندی و مدیریتی و نیز عملکرد، پرهیزکاری و عدالتی فرد یا افراد مورد نظر برای رهبری باخبر هستند و به دور از احساسات زودگذر یا معیارهای ذهنی یا علمی، به مجموعه صفات مثبت و منفی می‌نگرند.

بنابراین، جایگاه و اهمیت ویژه فقاقت در میان سایر شرایط رهبری - که تضمین‌کننده اسلامیت نظام است - و ماهیت مجلس خبرگان که اقتضا می‌کند اعضای آن توانایی لازم را برای شناسایی رهبر نظام اسلامی دارا باشند، این امر ایجاب می‌کند اعضای مجلس خبرگان

۱. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱، ص ۹۳.

حد نصابی از شرایط رهبری را دارا و واجد مرتبه‌ای از ویژگی‌های رهبری باشند که لزوم فقاقت اعضای مجلس خبرگان و عدم صلاحیت غیر فقها برای این امر را به اثبات می‌رساند. البته ناگفته نماند که عدم صلاحیت غیر فقها برای حضور در مجلس خبرگان، به معنای نادیده گرفتن نظریات آنان نیست و اعضای مجلس خبرگان: «اگر زمانی نیاز به مشورت با متخصصان باشد، در کمیسیون‌ها و در مشورت‌ها، از نظر آنان استفاده می‌کنند و این از مصوبات خود مجلس خبرگان است که برای فعال شدن مجلس مزبور، با مسئولین تماس می‌گیرند و در کمیسیون‌ها می‌توانند از صاحب‌نظران سیاسی و غیرسیاسی دعوت کنند. بنابراین، اولاً باید میان فقیه جامع‌الشرایط و خبرگان تناسب جامعیت باشد و ثانیاً خود خبرگان عالم و روحانی به امور سیاسی و اجتماعی آگاهی دارند؛ زیرا بدون آن، صلاحیت ورود در مجلس خبرگان را ندارند و ثالثاً هر جا که لازم باشد، برای دقت و ظرافت بیشتر، از آگاهان سیاسی و متخصصان گوناگون استفاده می‌کنند.^۱

مجموع این دلایل ایجاب می‌کند که اعضای مجلس خبرگان صرفاً مجتهد باشند و غیرمجتهدین در مجلس خبرگان راه پیدا نکنند. در ضمن، درباره‌ی شرایط نمایندگان مجلس خبرگان، خصوصیتی از لحاظ جنسیت مرد یا زن وجود ندارد. بنابراین، زنان مجتهده نیز می‌توانند وارد مجلس خبرگان شوند.

سؤال: آیا بهتر نیست مراجع که علم و صلاحیت‌شان بیش‌تر از فقهای عضو خبرگان است، ولی‌فقیه را انتخاب کنند؟

چنانچه این مسئله را مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم این‌گونه نیست که هرکس مرجع تقلید باشد، لزوماً از تخصص بیش‌تری برای تشخیص رهبری برخوردار است. اکنون به روشنی درمی‌یابیم میان فقهای که مرجع نیستند، افرادی وجود دارد که به مراتب قدرت تشخیص آن‌ها

۱. ولایت فقیه ولایت و فقاقت و عدالت، ص ۴۵۷.

از بسیاری از مراجع بیش‌تر است. معنای مرجعیت در فقاہت این نیست که قدرت تشخیص او نیز بالاتر باشد. اگر چنین بود، حتماً می‌گفتیم راهکار پیشنهادی شما از سایر راهکارها بهتر است. این مسئله حتی در احراز مرجع تقلید نیز ضروری نیست؛ یعنی برای تشخیص مرجع تقلید واجد شرایط، لازم نیست مردم به مراجع تقلید دیگر مراجعه کنند تا آن‌ها صلاحیت مرجعیت فرد را تأیید کنند؛ بلکه مراجعه به فقیه واجد شرایط کافی است تا صلاحیت فردی را برای مرجعیت تأیید نماید.

از سوی دیگر، هر یک از این راهکارها برای رسمیت یافتن، باید در قانون مصوب جایی پیدا کند. چنانچه روزی این پیشنهاد راه برتر شناخته شود و از مصوبات جایگزین به حساب آید، حتماً رعایت آن ضروری خواهد بود؛ اما آنچه تاکنون تصویب شده و بر همه اجرا و تعهد به آن ضروری است، این است که پس از مرجعیت امام خمینی علیه السلام که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شده بودند، تعیین رهبر برعهده خبرگان منتخب مردم قرار گرفته و خبرگان رهبری درباره همه فقهای واجد شرایط، مذکور در اصول پنجم و ۱۰۹ قانون اساسی، بررسی و مشورت می‌کنند؛ هرگاه یکی از آنان را اعلم به احکام و موضوعات فقهی، سیاسی و اجتماعی یا دارای مقبولیت عامه و واجد برجستگی خاص در یکی از صفات مذکور در اصل ۱۰۹ تشخیص دهند، او را به رهبری انتخاب می‌کنند.^۱

برای مطالعه بیش‌تر می‌توانید به کتب زیر مراجعه کنید:

۱. نادری، محمدمهدی، نگاهی گذرا بر نظریه ولایت فقیه (دیدگاه‌های استاد مصباح یزدی علیه السلام).
۲. خمینی، روح الله، حکومت اسلامی.
۳. حائری، سید کاظم، ولایت الفقیه.

۱. اصل یکصد و هفتم از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

سؤال: ولایت فقیه در عصر غیبت، انتخابی است یا انتصابی؟ چگونه می‌شود انتصاب از طرف خدا باشد، در حالی که خبرگان انتخاب می‌کنند؟

جواب اجمالی: فقیه دارای سه منصب است: افتا، قضا و ولاء (حکومت سیاسی). درباره دو منصب اول تمام فقها انتصابی هستند و فقیه را منصوب شرع مقدس در این امور می‌دانند. اختلاف این است که آیا ولایت فقیه انتخابی است یا انتصابی، فقط در منصب سوم فقیه؛ یعنی حکومت سیاسی فقیه مطرح است. نقش خبرگان، تشخیص رهبر شرعی است.

جواب تفصیلی: برای روشن شدن مطلب، مناسب است مقدمتاً دربارهٔ واژهٔ انتخاب و انتصاب در بحث ولایت فقیه گفت‌وگو کنیم تا مشخص شود طرفداران دو نظریه چه مطلبی را تعقیب می‌کنند. طبق بیان اکثر فقها، از جمله امام خمینی علیه السلام ولی فقیه از طرف شارع مقدس منصوب شده است؛ زیرا منشأ ولایت، خداست و خداوند، پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را به این مقام منصوب فرموده است و ولایت فقیه که مکمل امامت است نیز اختیارات حکومتی خود را از خدا می‌گیرد؛ زیرا وی جانشین معصوم در عصر غیبت است، پس اختیارات خود را از شارع مقدس دارد، نه از مردم.

فردی از سران عرب در اوایل بعثت، از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله سؤال کرد: آیا زعامت و رهبری مسلمانان را پس از خود به ما واگذار می‌کنید؟ حضرت فرمودند: «الامر الی الله یضعه حیث یشاء»^۱ مسئلهٔ زعامت و رهبری مربوط به خداوند است و او هر فردی را که بخواهد، به این مقام منصوب می‌کند».

بیان دلیل: امام خمینی علیه السلام در بحث ولایت فقیه، به حدیثی از امام صادق علیه السلام استدلال می‌کنند که در جواب «عمر بن حنظله» که از رجوع به حاکم جور سؤال کرده بود، فرمودند.^۲ حضرت بعد از ذکر صفات فقهای جامع شرایط، می‌فرمایند: «فلیرضوا به حکماً فائی قد

۱. سیرهٔ ابن هشام، ج ۲، ص ۲۲.

۲. پاسخ به شبهاتی پیرامون ولایت فقیه، علی شیرازی، ص ۲۰.

جعلته علیکم حاکماً» در جمله اول حضرت می‌فرمایند: باید به چنین شخصی به عنوان حاکم و قاضی راضی باشید؛ چرا باید به قضاوت چنین شخصی راضی باشیم؟ علت امر را که مربوط به حکومت و ولایت است، حضرت چنین بیان می‌فرمایند: زیرا من کسی را که دارای چنین شرایطی باشد، حاکم و فرمانروا بر شما قرار دادم.

امام خمینی علیه السلام در ادامه می‌افزایند: این فرمان که امام صادر فرموده، کلی و عمومی است. همان‌طور که حضرت علی علیه السلام در دوران حکومت ظاهری خود حاکم، والی و قاضی تعیین می‌کردند و عموم وظیفه داشتند که از آن‌ها اطاعت کنند. امام صادق علیه السلام هم چون ولی امر مطلق می‌باشند و بر همهٔ علما و فقها و مردم دنیا ولایت دارند، می‌توانند برای زمان حیات و ممات خود حاکم و قاضی تعیین فرمایند و همین کار را هم کرده‌اند و این منصب را برای فقها قرار داده‌اند. تعبیر «حاکماً» را فرموده تا خیال نشود فقط امر قضایی مطرح است و به سایر امور مملکتی ارتباط ندارد. از صدر و ذیل روایت و آیه‌ای که در حدیث ذکر شده است نیز استفاده می‌شود که موضوع تنها تعیین قاضی نیست که امام فقط قاضی نصب فرموده باشند و در سایر امور مسلمانان تکلیفی معین نکرده باشند.^۱

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، هم در حدیث شریف و هم در بیان امام خمینی علیه السلام چنین حقی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده است. حضرت فرموده‌اند: من او را بر شما حاکم قرار دادم. نفرمودند خود مردم از میان کسانی که چنین شرایطی دارند، کسی را انتخاب یا او را وکیل کنند؛ بلکه می‌فرمایند من «حاکمیت» او بر شما را جعل کردم.

امام خمینی علیه السلام در ادامه می‌فرماید: این روایت از واضحات است و در سند و دلالتش وسوسه‌ای نیست. جای تردید نیست که امام صادق علیه السلام فقها را برای حکومت و قضاوت تعیین فرموده است و به عموم مسلمانان لازم است از این فرمان امام اطاعت کنند.^۲

۱. ولایت فقیه، روح الله خمینی، ص ۸۰.

۲. همان.

ادله دیگری نیز از جانب فقها بیان شده است که برای طولانی نشدن بحث، از ذکر آن خودداری می‌کنیم. هم‌چنین سیره و روش علمایی که تاکنون دارای این مقام بوده‌اند، مؤید نظریه انتصاب است. به عنوان مثال، میرزای شیرازی بزرگ‌الله^۱ بین علمای عصر خود منصب ولایت فقیه را داشت و مردم نیز به حکم او دست از استعمال تنباکو کشیدند و از حکم ولی فقیه زمان خود اطاعت نمودند، بدون این‌که سخن از انتخاب او مطرح باشد.

امام امت^۲ قبل از پیروزی انقلاب بارها به عنوان ولی فقیه اعمال ولایت کرده، برای هدایت امور انقلاب امر و نهی فرمودند. در صورتی که هنوز نه انقلابی اتفاق افتاده بود و نه خبرگانی به شکل امروزی وجود خارجی داشت. در ابتدای شروع نهضت، حتی زمانی که اکثریت ملت ایران امام را به درستی نمی‌شناختند، ایشان به عنوان ولی فقیه، رهبری نهضت را برعهده گرفتند و انقلاب را به پیروزی رساندند.^۱

نقش خبرگان رهبری

وقتی ثابت شد که ولی فقیه منصوب الهی است، مکلفین باید او را بین افرادی که شأنت ولایت دارند، پیدا کنند. همان‌گونه که بین مجتهدین، اعلم (مرجع) را تشخیص داده و از او تقلید می‌کنند؛ چون غالب مردم در تشخیص معیارهای فقهی کارشناس نیستند، طبیعی است که در تشخیص رهبری نیز مانند مرجعیت، به رهبرشناسان و خبرگان ملت مراجعه می‌کنند و اعضای مجلس خبرگان که وکلای خیره مردم در این امر مهم هستند، ولی فقیه اعلم، اتقی و اشجع را شناسایی کرده، به مردم معرفی می‌نمایند.^۲

البته احتمال ضعیفی نیز وجود دارد که خبرگان در انتخاب مصداق اشتباه کنند؛ اما قطعاً احتمال اشتباه متخصصین امر از افراد عادی جامعه که در این زمینه کارشناس نیستند، خیلی

۱. ولایت فقیه و نقش خبرگان در آن، احمد صابری همدانی، مجله حکومت اسلامی، سال دوم، ش ۲، ص ۲۹.

۲. نظام ولایت فقیه، سید علی شفیعی، ص ۷۹.

کم‌تر است و به حکم عقل، از این روش باید در کشف ولی امر استفاده شود و در صورتی که راه‌های عقلی و شرعی در کشف رهبری پیموده شده باشد، اگر بر فرض نزدیک به محال، در مقطع زمانی خاصی، خبرگان منتخب ملت، در تشخیص مصداق اشتباه کنند، مردم و حتی اعضای خبرگان معذور خواهند بود؛ چراکه به وظیفه شرعی خویش عمل کرده‌اند. بنابراین خبرگان، ولی فقیه را انتخاب نمی‌کنند تا اختیارات لازم را به او اعطا کنند و او در حکومت مشروعیت پیدا کند، اگرچه مسامحتاً در محاورات عرضی از این کلمه استفاده شود؛ بلکه مجلس خبرگان مصداق لایق رهبری را که دارای اختیارات الهی و قانونی است، تشخیص داده و به مردم معرفی می‌کنند.

اگر زمانی ولی فقیه یکی از شرایط رهبری را از دست بدهد، خودبه‌خود عزل می‌شود و برای این‌که تشخیص این مهم کاری نیست که از عامه مردم برآید و از طرف دیگر، مخالفین دین و نظام اسلامی از فرصت سوءاستفاده نکنند، طبق قانون اساسی، چنین وظیفه‌ای برعهده مجلس خبرگان قرار داده شده است و به عبارت دیگر، خبرگان ملت به دلیل تشخیص، واسطه‌ای برای شناخت ولی امر هستند و تنها انتصاب و انزال وی را تشخیص می‌دهند و هرگز عهده‌دار عزل و نصب ولی فقیه نمی‌باشند.^۱

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. محمدهادی معرفت، ولایت فقیه، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، قم، تابستان ۱۳۷۷.
۲. مهدی هادوی تهرانی، ولایت و دیانت، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

۱. ولایت فقیه ولایت و فقاہت و عدالت، ص ۱۸۹.

وظیفه نظارتی خبرگان و ولایت مطلقه فقیه

طبق اصل ۱۰۷ قانون اساسی: «تعیین رهبر برعهده خبرگان منتخب مردم است.» و خبرگان وظیفه دارند تا درباره همه فقهای واجد شرایط مذکور در اصل ۱۰۵ و ۱۰۹ قانون اساسی بحث و بررسی کنند و هر کس را که واجد شرایط دانستند، انتخاب و به مردم معرفی کنند که نظر و انتخاب آنان برای مردم براساس مبانی فقهی و قانونی، معتبر و حجت خواهد بود.

بنابراین، وظیفه مجلس خبرگان در وهله اول، تعیین و انتخاب رهبر برای جمهوری اسلامی ایران است. هم‌چنان که وظیفه دارند مرتباً رهبر و نحوه اداره امور توسط وی را تحت نظارت دقیق خویش قرار دهند تا هرگاه وی از انجام وظایف محوله خویش ناتوان گشت یا فاقد یکی از شرایط مذکور در قانون اساسی شد، آن را اعلام نمایند.

مطابق اصل ۱۱۱ قانون اساسی، یکی از وظایف مجلس خبرگان، نظارت بر بقای شرایط رهبری است: «هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی خود ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است، از مقام خود برکنار خواهد شد. تشخیص این امر برعهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می‌باشد.»

طبق ماده ۱۷ قانون مجلس خبرگان (مصوب ۱۳۶۲/۴/۲۷) به منظور آمادگی خبرگان برای اجرای اصل ۱۰۷ قانون اساسی و شناخت حدود و شرایط مذکور در اصل ۱۰۹ قانون اساسی، کمیسیونی مرکب از ۱۵ نفر از نمایندگان تشکیل می‌شود تا پیرامون همه مسائل مربوطه تحقیق کند و درباره تمام کسانی که در مظان صلاحیت رهبری قرار دارند، بررسی به عمل آورد تا مورد استفاده و بررسی خبرگان واقع شود و نیز کمیسیون ویژه‌ای برای نظارت بر رهبری در انجام وظایف قانونی تشکیل می‌شود تا مرتباً واجد شرایط بودن وی را مورد بررسی قرار دهد و گزارش آن را به اجلاسیه سالانه مجلس خبرگان ارائه نماید.

البته لازم به ذکر است، همان‌طوری که اصل یکصد و یازدهم قانون اساسی بیان می‌دارد، کار و نقش مجلس خبرگان تشخیصی است و با نظارت و تشخیص فقدان شرایط، شخص فاقد

شرایط منعزل خواهد بود؛ یعنی در صورتی که این تشخیص صورت نگیرد، اگر شخص آن شرایط را نداشته باشد، ولایت ندارد و شخص فاقد شرایط، خودش منعزل از آن مقام است. کار و وظیفه خبرگان، شناسایی و تشخیص شرایط است که نقش و چاره قانونی را نیز در این باره دارد؛ اما نظارت خبرگان از نوع نظارت عالی یا ولایی نیست که از لحاظ منطقی قابل قبول نباشد؛ بلکه نظارت خبرگان به ماهیت کار خبرگان بر می‌گردد که آن هم صرفاً تشخیص و کشف شرایط و فقدان آن شرایط و به علاوه، چاره قانونی در این باره می‌باشد؛ یعنی اساساً نصب و عزل ولی فقیه برعهده خبرگان نبوده و با نظارت تشخیصی خبرگان، جایگاه خبرگان عالی و بالاتر از ولی فقیه نخواهد بود.

با این اوصاف، در خصوص ولایی بودن جایگاه ولی فقیه و مطلقه بودن آن، با توجه به نظارت‌های خبرگان از لحاظ منطقی خلل و مشکلی به وجود نمی‌آید؛ چون کار خبرگان و به تبع آن، نظارت خبرگان ماهیت تشخیصی دارد و در این جایگاه فرض سیطره و ولایتی بر خبرگان متصور نیست. مثل این که بینه و شاهدی در کاری شهادت می‌دهد و یا کارشناس نظر کارشناسی خود را بیان می‌کند و در این کار هیچ ولایت و سیطره‌ای منظور نمی‌گردد، کار خبرگان نیز صرفاً و تنها تشخیص وجود یا فقدان شرایط و چاره قانونی در این باره است و نظارت آن از لحاظ منطقی مُخل ولایت فقیه واجد شرایط نخواهد بود.



۴

بخش چهارم: احکام انتخاباتی



بخش چهارم: احکام انتخاباتی

مرکز پژوهش‌های تبلیغ

وظیفه فردی که نتواند به کسی برای رأی دادن اعتماد کند

س: آیا عدم شرکت در انتخابات از نظر دینی اشکال دارد؟ اگر این‌گونه است، انداختن رأی سفید چه حکمی دارد؟

پاسخ: شرکت نکردن در انتخابات جایز نیست و اگر به شخص خاصی اعتماد نکردید، می‌توانید رأی سفید بدهید؛ ولی تا جایی که ممکن است، رأی سفید ندهید.^۱

حضور طلاب در تبلیغات انتخاباتی

س: رها کردن درس و مباحثات طلبگی جهت حضور در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری، مجلس یا شوراها، چه حکمی دارد؟

س: برای تبلیغ شرکت در اصل انتخابات مانعی ندارد؛ ولی بهتر است از تبلیغ شخصی اجتناب کنند.^۲

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت الله مکارم:

<http://www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&catid=46462>

۲. همان.

حکم عدم شرکت در انتخابات به جهت عملکرد مسئولان

س: آیا ضعف و سستی برخی از مسئولان در اداره کشور را می‌توان دلیل شرکت نکردن در انتخابات قرارداد؟
پاسخ: خیر، دلیل مذکور مانع از عمل به وظیفه شرعی نیست.^۱

مسئولیت رأی‌دهنده در قبال عملکرد نامزد انتخاباتی

س: در صورتی که به شخصی رأی داده شود و بعداً ایشان آن‌طور که باید، به احکام اسلامی عمل نکند و موجب نارضایتی گردد، آیا فرد رأی‌دهنده در محضر خداوند مسئول خواهد بود یا خیر؟
پاسخ: اگر طبق موازین شرعی عمل کرده است، مسئول نخواهد بود.^۲

لزوم حلالیت‌طلبی برای غیبت و تهمت در انتخابات

س: وظیفه اشخاصی که در جریان انتخابات، تخلفات تبلیغاتی، از قبیل: هتک حرمت اشخاص، تهمت، غیبت و مواردی از این قبیل را مرتکب شده‌اند، چیست؟
پاسخ: در صورتی که حلالیت‌طلبیدن مفسده نداشته باشد، باید از آن‌ها حلالیت بطلبد و در صورت امکان، جبران نماید. مثلاً گفته‌های خود را به هر کس که رسانده، تکذیب کند.^۳

حرام بودن درآمد ناشی از انتشار دروغ و شایعه در انتخابات

س: کسب درآمد ناشی از پخش دروغ و شایعه در فضای مجازی در ایام انتخابات، چه حکمی دارد؟

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری <https://www.leader.ir>

۲. همان.

۳. همان.

پاسخ: این‌گونه کسب درآمد، حرام است.^۱

رأی دادن در مسجد برای جنب و حائض

س: با توجه به اهمیت شرکت در انتخابات در مراحل مختلف و از سوی دیگر، مستقر بودن برخی صندوق‌های اخذ رأی در مساجد، آیا رفتن به مسجد در حال جنابت و حیض، برای عمل کردن به این وظیفه مهم سیاسی - عبادی جایز است؟
پاسخ: باید به مناطقی بروند که صندوق در غیر مسجد باشد.^۲

حکم چاپ و نشر اسماء متبرکه در تبلیغات انتخاباتی

س: اگر اسم برخی از نامزدها از قبیل «عبدالله» که کلمه «الله» در آن‌ها وجود دارد، در اوراق تبلیغاتی یا پوسترها چاپ شده، در اختیار مردم قرار گیرد، چه حکمی دارد؟
پاسخ: مسّ لفظ جلاله بدون وضو جایز نیست، اگرچه جزئی از یک اسم مرکب باشد؛ ولی چاپ و نشر آن اشکالی ندارد.^۳

دور انداختن اقلام و برگه‌های تبلیغاتی دارای اسماء متبرکه

س: آیا لازم است هنگام انتخابات، مأموران شهرداری پس از گردآوری برگه‌های تبلیغاتی، آن‌ها را به خاطر داشتن اسماء متبرکه یا آیات قرآن بررسی کنند؟ آیا می‌توانند آن‌ها را به سطل زباله بیندازند؟
پاسخ: فحص و بررسی لازم نیست و تا زمانی که وجود اسماء جلاله یا آیات قرآنی در آن‌ها

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

احراز نشود، انداختن آن در سطل زباله اشکال ندارد.^۱

از بین بردن اقلام و برگه‌های تبلیغاتی دارای اسماء متبرکه

س: اگر کارگر شهرداری بعد از گردآوری کاغذها و اوراق انتخاباتی، یقین داشته باشد که در لابه‌لای آن‌ها اسماء متبرکه یا آیات قرآنی وجود دارد، در این صورت چه وظیفه‌ای دارد؟ آیا باید آن‌ها را جدا کند؟

پاسخ: جدا کردن اسماء متبرکه لازم نیست و می‌توانند همه آن‌ها را یکجا به وسیله آب تبدیل به خمیر کنند.^۲

فعالیت انتخاباتی کارمند در ساعات اداری

س: اگر کارمند دولتی در وقت اداری به انجام اموری از قبیل تبلیغ برای نامزد دل‌خواه خود پردازد، جایز است؟

پاسخ: در ساعات اداری باید طبق مقررات اداری، به انجام وظایف محوله خود پردازد و برای فعالیت‌های غیر مرتبط مطابق قوانین مرخصی بگیرد.^۳

اسراف در تبلیغات انتخاباتی

س: آیا چاپ گسترده اوراق تبلیغاتی که اکثراً بدون مطالعه در معابر رها شده یا سر از سطل زباله درمی‌آورند، جایز است؟

پاسخ: تبلیغات انتخاباتی مطابق قوانین اشکالی ندارد؛ ولی باید از روش‌هایی استفاده نمایند که اسراف در آن رخ ندهد.^۴

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

مقام معظم رهبری حفظه الله تعالى

همه کسانی که مخاطبانی دارند، وظیفه دارند مردم را به انتخابات دعوت کنند. علمای اعلام، اساتید دانشگاه، اساتید حوزه، صداوسیما، مطبوعات، جوانان، افراد در داخل خانواده، اینها همه می‌توانند منادی انتخابات باشند و مخاطبان خودشان را به انتخابات دعوت کنند؛ آن وقت انتخابات، انتخابات پُرشوری خواهد شد.